

مجمع عمومی جمعیت خیریه شبستری ها برگزار شد

مجمع عمومی جمعیت خیریه شبستری های مقیم تهران بنا به دعوت قبلی جهت تغییر اساسنامه و انتخاب اعضاء جدید هیئت مدیره و بازرسان در تاریخ ۱۳۹۴/۷/۹ در سالن مسجد نور شبستری ها برگزار گردید. در آغاز این مراسم که با شرکت اعضاء جمعیت تشکیل شد آقای جمشید درویشی رئیس هیئت مدیره ضمن خوش آمد گوئی به حضار گزارشی از فعالیت های جمعیت را در دوره گذشته، اعلام داشت و شرکت کنندگان را به همکاری بیشتر با جمعیت خودشان فراخواند. بعد ۱۳ نفر داوطلب عضویت در هیئت مدیره و ۳ نفر کاندیدای بازرسی برنامه های خود را تشریح کردند. سپس اخذ رای بعمل آمد در نتیجه ضمن تصویب تغییر قسمتی از مفاد اساسنامه بترتیب اکثریت آراء آقایان: جمشید درویشی، فرخ اشرفی، احمد جاهی، یوسف کلاهی، فریدون درستی، میرحمید سیدی و محمد صمدی آذر به عنوان اعضاء اصلی و آقایان سعیدقره یاضی و اسماعیل اسماعیل زاده به عنوان اعضای علی البدل و نیز آقای محمد گوهری با اکثریت آراء به عنوان بازرس انتخاب گردیدند. توفیق اعضای منتخب را در راه انجام اهداف انسانی جمعیت از دادار توانا خواستاریم.

مراسم عزاداری تاسوعا و عاشورا

مراسم عزاداری سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (ع) همانند سالیان گذشته روزهای تاسوعا و عاشورای حسینی در محل مسجد نور شبستریها برگزار گردید. در این مراسم جمعیت خیریه شبستر میزبان صدها تن از همشهریان و سایر عزاداران حسینی بود.



برگزاری همایش گروه زیست محیطی یاشیل میشو

همایش گروه زیست محیطی یاشیل میشو در تاریخ ۲۷ آذر در تالار بزرگ بوستان طبیعت برگزار گردید. در این مراسم باشکوه که با اجرای موسیقی و پذیرایی سنتی همراه بود، مشاورین خانم ابتکار و اساتید محیط زیست و همشهریان عزیز شبستری حضور داشتند.



برگزاری همایش گروه زیست محیطی یاشیل میشو

با خبر شدیم نشریات گونیی خبر و نسیم بندر شرفخانه منتشر گشتند. انتشار آنها را به مدیران و دست اندرکاران تبریک عرض نموده و آرزوی توفیق در ایفای رسالت مطبوعاتی برایشان داریم.





فصلنامه پیام شبستر - شماره ۵ - زمستان ۹۴

صاحب امتیاز: جمعیت خیریه شبستریهای مقیم تهران

مدیر مسئول: جمشید صالحی شبستری

سر دبیر: سید حسین غزالی

هیأت تحریریه:

دکتر حسن امین‌لو، احمد اشرفی‌زاده، فیروز بیگی، حسین روشن، محمد رضارونقی، اکبر صالحی شندی، جاهد فیضی‌زاده، ابوالفضل هدایتی آذری

مدیر مالی و پشتیبانی: جمشید کتانی

مدیر اجرایی: ناصر جعفرزاده

مدیر هنری و ناظر چاپ: فرزانه عالمی

صفحه آرا: (آتلیه موسسه فرهنگی دنیای تغذیه و سلامت)

همکاران مجله در شبستر:

نماینده مجله در شبستر: محمد چابک

ادبیات: داور زمانخانی، ورزش: ابوالفضل خلیل‌زاده، فرهنگی: خانم‌ها فریده کرمی و رقیه نیک‌فکر، اخبار: ابوالفضل غلامعلی‌زاده، مفاخر و نیک‌نامان: محمد علی نقابی، هنری و دانشگاهی: مهدی فریدپور، فرهیختگان: جعفر قمری، تاریخ و جغرافیا: دکتر محسنی، پخش و پشتیبانی: احمد ردادی، روابط عمومی: محمد علی فریدونی

فکس: ۰۲۱ - ۶۶ ۹۳ ۷۳ ۶۴

تلفن: ۰۲۱ - ۶۶ ۴۳ ۹۲ ۹۴

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۸۴۶۷

پست الکترونیکی: Payameshabestar@gmail.com

مجله پیام شبستر در کلیه نقاط به‌ویژه شهرستان شبستر و تهران نماینده می‌پذیرد. شما نیز در صورت علاقه همکار افتخاری ما باشید.

کلیه خیریه‌های شهرها و آبادی‌های شهرستان شبستر در صورت علاقه می‌توانند ما را در پخش فصلنامه شبستر یاری و پشتیبانی نمایند.

پذیرش آگهی در فصلنامه پیام شبستر

فصلنامه پیام شبستر آماده درج آگهی‌ها و تبلیغات شما می‌باشد.

درج آگهی در این نشریه علاوه بر آنکه در معرفی شما به همشهریان ابزاری مناسب خواهد بود، بدلیل نوع مطالب مندرج در آن که منجر به ایجاد انگیزه برای نگهداری طولانی مدت مجله می‌گردد اثری طولانی خواهد داشت. ضمن آنکه با سفارش آگهی، دست اندرکاران را در تداوم انتشار مجله، که برای سال‌ها از آرزوهای مردم فرهنگ دوست شهرستان بود، یاری نموده و از این جهت فعالیت فرهنگی نیز محسوب می‌گردد.

شماره های دریافت آگهی:

فکس: ۰۲۱ - ۶۶ ۹۳ ۷۳ ۶۴

تلفن: ۰۲۱ - ۶۶ ۴۳ ۹۲ ۹۴

فراخوان مقالات

فصلنامه پیام شبستر تریبونی برای تمامی اهالی منطقه و فرصتی برای چاپ مقالات، خاطرات، اسناد، عکس‌ها، داستان‌های شما و پیشنهادات و انتقاداتتان در خصوص فعالیت‌های نهادها و ارگانهای دولتی و غیردولتی می‌باشد.

دست به دست هم‌دهیم تا سرزمین مادری را به مکان بهتری برای زندگی تبدیل نمائیم

مطالب شما با نام خودتان به چاپ خواهد رسید.

لطفا مطالب تایپ شده و از طریق ایمیل ارسال شود.

ذکر نام و نام خانوادگی و شماره تماس اجباری است.

در صورت تمایل یک قطعه عکستان را اسکن و ایمیل فرمایید.

مطالب کوتاه و حداکثر برای ۴ صفحه نشریه تهیه شود.

منابع مطالب در گیومه مشخص گردد.

تحریریه در رد، تلخیص و ویرایش مطالب ارسالی آزاد است.

مسئولیت مطالب و آگهی‌ها به عهده نویسنده و سفارش دهنده است.

فهرست



جمشید صالحی شبستری

خوانندگان و همشهریان ارجمند، سلام گرم ما را در زمستان سرد پذیرا باشید با توجه به برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری در اسفندماه، سرمقاله این شماره را به انتخابات پیش رو اختصاص داده و نکاتی را در اهمیت و نقش انتخاب مردم در سرنوشت خود و کشور عزیزمان یادآور می‌شویم:

از سال‌های بسیار دور شروع زندگی اجتماعی آدمیان، انواع حکومت‌ها تجربه شده است. نتیجه این تجربه‌های گرانبها برای انسان‌ها رسیدن به حکومتی است که براساس انتخابات آزاد مردم (دموکراسی = مردم‌سالاری) شکل گرفته است. هرچند بعضاً ایراداتی بر دموکراسی وارد می‌کنند ولی دموکراسی یک فرآیند پایان نیافته و کم ضررتر از حکومت‌های استبدادی است. در تاریخ به سه نوع دموکراسی می‌توان اشاره کرد:

دموکراسی نخستین و ماقبل تاریخ (ماقبل تمدن)، که به دموکراسی جنبینی و مستقیم معروف است. این دموکراسی مربوط به زمانی بود که هنوز انسان‌ها به شکل ابتدایی زندگی می‌کردند و شیوه تولید عقب مانده بود و هنوز دولت شکل نگرفته و مناسبات از حد تیره و قبیله فراتر نمی‌رفت. افراد هر قبیله‌ای مستقیماً رئیس خود را انتخاب می‌کردند.

شکل دوم دموکراسی یونان باستان است که تنها در شهر آتن و فقط برای سران و نجبا بود. شکل سوم و واقعی دموکراسی، تاریخ است که مردم در جریان مبارزه خود آموختند «چگونه بر خود حکومت کنند.» دموکراسی به معنای حاکمیت مردم، پدیده عصر مدرنیسم و رسمیت یافتن حقوق فرد، هویت و به عنوان یک پدیده مربوط به قرن بیستم است (Nation-State) شهروندی و شکل‌گیری دولت - ملت.

ملاک کنونی دموکراسی، آخرین نوع آن یعنی «دموکراسی نمایندگی یا کالتی» است که بهترین نوع تجربه شده حکومت‌گری یا رابطه میان حکومت کنندگان و حکومت شوندگان تا این زمان است. دموکراسی نمایندگی نیز پایان تاریخ نیست و یا آن طوری که ارسطو گفته است فقط «بهترین از بین بدهاست». تجربه نشان داده است که دموکراسی منجر به توسعه

سرمقاله

اقتصادی و متقابلاً توسعه اقتصادی نیز به تداوم دموکراسی کمک می‌کند.

در پایان سال جاری که مزین است به نام سال همدلی و هم‌زبانی، شرکت آگاهانه مردم ایران در انتخابات با توجه به اوضاع ناآرام منطقه خاورمیانه و مشکلات عدیده اقتصادی و اجتماعی داخلی اهمیت این دوره را دوچندان می‌کند. شعور بالای سیاسی مردم ایران برای رسیدن به مجلسی مطلوب، که بهترین و واقعی‌ترین افراد را به سمت نمایندگی خود انتخاب کنند، قطعا در کیفیت و کارایی مجلس و حل مشکلات داخلی و خارجی تاثیر گذار خواهد بود.

حتما مردم شریف شهرستان شبستر نیز با انتخابی آگاهانه، محتاطانه و مسئولانه نمایندگان را به مجلس شورای اسلامی و خبرگان خواهند فرستاد که خواسته‌های حقیقی مردم را مطالبه نمایند و با وضع قوانین جامع، مشکلات و موانع توسعه و پیشرفت را برطرف کنند و با دقت نظر و نظارت دقیق به حسن اجرای قوانین، موارد تخلف و انحراف را با درصدی مستمر که دارند کشف و خنثی نمایند تا شاهد پدیده فساد (در انواع اشکال آن) در کشور نباشیم.

همانطور که خوانندگان و همشهریان با فرهنگ و عزیز اطلاع دارند، تنها نمایندگانی می‌توانند از عهده وظایف نمایندگی مطلوب برآیند و مجلس را در جایگاه واقعی خود یعنی راس امور قرار دهند و وضع مطلوب و دلخواه ملت بزرگ ایران را به وجود آورند که واجد توانمندی‌ها و خصوصیات عالی‌تر «عدالت‌جویی، تخصص، تعهد، شهادت، سلامت مالی و اخلاقی، صداقت در گفتار و پاسخگویی»، حتما و قطعاً دارای «برنامه و استراتژی مدون» باشند و این مهم مستلزم مشورت با نخبگان منطقه و جریانات سیاسی کشور است.

نکته آخر اینکه هر کدام از کاندیداهای محترم که افتخار نمایندگی مردم شریف ایران یا شهرستان شبستر را پیدا خواهند کرد، باید در نظر داشته باشند وقتی یک نفر لباس و کالت مجلس را بر تن می‌کند نماینده تمام مردم فارغ از دسته‌بندی و جناح‌بندی‌هاست و باید دارای نگاهی جامع و کامل باشد به نوعی که برای همه ایرانیان فارغ از جنسیت و قومیت تلاش کند و از طریق نهاد قانونگذار برای احقاق حقوق آنها از هیچ اقدامی فروگذار نکند.

نماینده ولی فقیه در آذربایجان شرقی و امام جمعه محترم تبریز

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نماینده ولی فقیه در آذربایجان شرقی و امام جمعه تبریز؛ حضرت آیت‌الله محسن مجتهد شبستری در تاریخ ۱۸ آبان در جمع خبرنگاران با اشاره به برنامه پخش شده از شبکه دو صدا و سیما و اهانت به آذری زبان‌ها، گفتند: این عمل نابجا به شدت محکوم است.. ایشان، افزودند: مردم آذربایجان در طول تاریخ در تمامی عرصه‌ها و صحنه‌ها حاضر شده و به دفاع از تمامیت ارضی و ارزش‌ها و اصول اسلام و انقلاب پرداخته‌اند و توهین به این مردم پاک، غیور، مومن و ولایتمدار عملی ناشایست است و تمامی قوم‌ها، گویش‌ها و مردم محترم بوده و نباید موجبات رنجش خاطر آنان فراهم شود.. معظم له با تقدیر از عکس العمل سریع صدا و سیما در توییح و عزل دست‌اندرکاران این برنامه تلویزیونی، گفتند: امیدواریم نظارت بر برنامه‌ها افزایش یافته و مراقبت شود تا چنین مواردی از صدا و سیما پخش نشود.



پرسشی و پاسخی



ابوالفضل هدایتی آذری

در حالی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان میثاق ملی تمامی ایرانیان، بر ویژگی چند فرهنگی، چند قومی و چند زبانی جامعه ایران تصریح داشته و از جمله اصل ۱۹ آن می‌گوید: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود». و نیز اصل ۱۵ اشاره به این نکته دارد که: «...استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است.» برنامه "فتیله" در آخرین قسمت خود نمایش مضحکی را به روی آنتن برد، برنامه‌ای که باید بی‌ش و پیش از هر چیز محبت و عشق را به کودکان می‌آموخت، میلیون‌ها تن از هموطنان خود را با کلیشه‌های استعماری «ابله» و «تفهم» و غیره نشان داد که رنجش خاطر همه ایرانیان و بالاخص مردم شریف ترک زبان را موجب شده و اعتراضات مدنی و مسالمت‌آمیز آنان در راستای دفاع از حقوق شهروندی خود و محکومیت اینگونه اعمال و سیاستها را در پی داشت. این اعتراضات که با همراهی نهاد‌های دولتی و حکومتی از جمله امام جمعه محترم تبریز و سایر ائمه محترم جمعه، استانداران، نمایندگان مجلس و... انجام گرفت، قدم شایسته‌ای در نمایش «وحدت ملی» ایرانیان بود. ضمن آنکه عذرخواهی رئیس صداوسیما و مدیران شبکه ۲ نیز، واکنشی متعهدانه و نشانگر ادب

و ظرافت و شرافت ایرانی بود. حال پرسش آن است که در برابر این رخداد چه باید کرد و آیا این امر باید بهانه‌ای بر اعتراض‌های پر تنش باشد؟

به باور ما اعتراضات خشونت‌آمیز دقیقا همان چیزی است که گروه‌های مغرض آرزویش را دارند یعنی ایجاد تنش و نشان دادن آنکه زبان‌ها و فرهنگ‌های ایرانی و مردم این مرز و بوم با یکدیگر تنش و تناقض و جدل دارند. اما افراط گرایی از هر دو سو امر مذمومی است و بنابراین لازم است که با تلاش برای آرامش و اعتدال هر چه بیشتر، این بحث به صورت اصولی دنبال شود. شاید مسئولیت اصلی متوجه برخی «متفکران» و «اساتید»ی و محافلی است که آگاهانه دست به تحقیر هویت‌های این کشور می‌زنند و نه مدیران برنامه‌ای که شاید اصولا هیچ‌یک از این گونه ظرافت‌های فرهنگی را نمی‌شناسند. چنانچه تقریباً در اکثر کشورهای اروپایی نیز که بحث‌های مشابهی مانند اسلام‌هراسی رو به افزایش است «متفکر نمایان» به بهانه دفاع از «اصالت فرهنگ» اروپایی تندترین شعارها را علیه سایر مذاهب و تمدن‌ها مطرح می‌کنند.

اما ایران کشوری است که همواره توانسته وحدت ملی خود را حفظ کند و این وحدت را در سایه تدبیر و اراده مردمانش با فرهنگ‌ها و زبان‌های گوناگون داشته است. باشد که این نکته را در یابیم و از تنش‌های بعدی جلوگیری کنیم و باز هم تکرار کنیم که ایران چیزی جز جمع پاینده‌ای از زبان‌ها، فرهنگ‌ها، اقوام و سنت‌های گوناگون خود در طول هزاران سال زندگی مشترک مردمانش نیست.



بیزهای میز ایرانی ییق

محمود دست پیش "واله"

نشر دانش سلام سنه آرزو لارام دوام سنه

بنله دئییر آتام سنه بیزهای میز ایرانی ییق

قارداشلارین نچجه انلده، تهران، تبریز، اردبیلده

مشهد، شیراز، بم، سقزده، بیزهای میز ایرانی ییق

یول آچما یاق دوشمنلره، اود وورما یاق خرمنلره

سون قویاق او من - منلره، بیزهای میز ایرانی ییق

فارسدا منم، تور کده منم، کورد، لور، بلوچ، تور کممن

سن ده من سن، منده سنم، بیزهای میز ایرانی ییق

یور دوموز بیر، دینیمیز بیر، یاخش یامان گونوموز بیر

بیریمیز مین، مینیمیز بیر، بیزهای میز ایرانی ییق

بیزی دوغان مهربانا، سن مادر دی! منده آنا!

دوشمن قالسین یانا یانا بیزهای میز ایرانی ییق



سخن روز

انتخاب و عقلانیت

«کل نفس بما کسبت رهینه»
سوره مبارکه المدثر، آیه شریفه ۳۸



سید حسین غزالی

می گویند انسان‌ها محصول انتخاب‌هایشان هستند؛ چون فاعل مختار و صاحب عقل و اراده اند. اغلب در رجوع به افعال گذشته تصور می‌کنیم اگر تصمیم دیگری در برخی مواضع، مواقع و یا رخدادها گرفته بودیم نتایج بهتری بدست می‌آوردیم و مصدر این مقایسه همان امکان انتخاب است.

از سوی دیگر انسان موجودی اجتماعی است و ضرورت بر نامه‌ریزی در جوامع، فهم و درک مبنای انتخاب انسان‌ها و دامنه مجاز آن از جهت جلوگیری از تزاخم و تعدی به حقوق سایرین را در زمره اساسی‌ترین موضوعات علوم اجتماعی مانند اقتصاد، سیاست، حقوق و جامعه‌شناسی قرار می‌دهد. چرا که نظام اجتماعی متشکل از دو عنصر اشخاص طبیعی و کنشگران اشتراکی (جمعی) هستند و افراد وقتی در جمع قرار می‌گیرند علایق و منافع دارند که متمایز از علایق شخصی آنهاست یعنی ساختار اجتماعی دارای دو نقش متفاوت: "۱- محدودیت ساز انتخاب، ۲- تأمین کننده منافع مشترک" است. لذا ساختار اجتماعی باید شامل مجموعه قواعدی بر گیرنده حرکت از یک "الگوی رفتار فردی" به "یک نظریه رفتار، در نظامی مرکب از همان افراد" باشد.

در خصوص نحوه انتخاب اشخاص طبیعی نظریه غالب در بین متفکرین علوم اجتماعی بر

آن است که انتخاب، علیرغم مضمون محتوایی آن، دارای قاعده و نظم بوده و ناظم آن عقلانیت است. اما در اینکه چه نوع رفتاری عقلانی محسوب می‌گردد نیز نظریات مختلفی در حوزه‌های متفاوت وجود دارد، مثلاً در اقتصاد فرض بر می‌شود که رفتار عقلانی ناظر به کسب حداکثر سود می‌باشد و به آن عقلانیت ابزاری نیز گفته می‌شود. البته منظور از حداکثر سود صرفاً کمیت سود نیست چرا که در این صورت باید شاهد جنگ افراد جامعه با همدیگر می‌بودیم، اما بر اساس همان عقلانیت مبادله منابع و منافع افراد با یکدیگر جایگزین جنگ و ستیز می‌شود و این نمود دیگری از عقلانیت است که عقلانیت شناختی نامیده شده است. دخالت موضوعاتی مانند ترجیحات و تناسب در انتخاب به اتکای همین نوع از عقلانیت انجام می‌پذیرد و علاوه بر آن می‌تواند شامل عناصر ارزشی و غیر منفعت طلبانه مانند ایثار، رضایت، باطنی، اجر اخروی و مانند آنها باشد.

بدین ترتیب واضح است که ریشه تمایز بین افراد اجتماع، تمدن‌ها و کشورهای در انتخاب‌های مردم نهفته است. هر چند این انتخاب‌ها نه بصورت مستقیم بلکه محصول انتخاب نسل‌های پیشین بوده باشند، مانند ملیت که گرچه انتخاب آن از سوی اعضا فعلی جامعه نیست لیکن محصول انتخاب محل سکونت اجداد همان افراد می‌باشد.

بر اساس آنچه گفته شد فرآیند انتخاب عقلانی نتیجه دو پالایش است:

۱- محدودیت‌های ساختاری (اعم از فیزیکی، فنی، اقتصادی، نهادی و...) که با در نظر داشت آنها مجموعه‌ای از انتخاب‌های ممکن باقی می‌ماند و مجموعه فرصت یا مجموعه قابل اجرا نامیده می‌شود.



۲- ترجیحات فردی که سبب انتخاب یک گزینه خاص از مجموعه فرصت می‌شود و فرض بر این است که این انتخاب نه بصورت عامدانه بلکه مبتنی بر علت است.

از سوئی افراد در زندگی روزمره، با کنش‌های به ظاهر کم هزینه و کم سود نیز مواجه می‌شوند که ممکن است تصور شود از منظر فردی و بلاواسطه منفعتی برایشان ندارد، مانند مشارکت در انتخابات ملی که رای یک فرد در چنین انتخاباتی، ظاهراً تأثیری در نتیجه انتخابات ندارد. اما در واقع حضور در اینگونه انتخابات تنها به دلیل تأثیر رای نیست بلکه افراد از طریق عقلانیت جوهری و شناختی خود، به عقلانی بودن نظام مردم سالاری (دموکراسی) باور پیدا می‌کنند و بخشی از انگیزه هر رای را پاسداشت چنین باوری تشکیل می‌دهد.

امارسیدن به چنین باوری مستلزم تحقق شرایطی است از جمله اینکه:

۱- با توجه به اینکه در جوامع مدرن تصدی اغلب امور اجتماعی مانند عضویت در هیئت مدیره شرکت‌ها و انجمن‌ها که ماهیتی غیر سیاسی و صرفاً صنفی دارند، از طریق برگزاری انتخاب انجام می‌گیرد و تأثیر رای هر یک از صاحبان آرا در آنها معلوم و لذا انگیزه مشارک بالاست و یا انتخاباتی در سطوح محلات و شهرها و امثال آنها برگزار می‌گردد که انگیزه‌های قومی و قبیله‌ای نیز به عوامل انگیزشی اضافه می‌گردند. لذا چنانچه قوانین اجتماعی حافظ آرای هر یک از انتخاب کنندگان بوده و به گونه‌ای طراحی شوند که خواست‌های همه مشارکت کنندگان برآورده گردد، افراد جامعه با ملاحظه آثار مشارکت، در چه پذیرش بالاتری نسبت به



نظام انتخاباتی پیدا خواهند کرد.

۲- عوامل محدودیت‌ساز برای انتخاب‌شوندگان و انتخاب‌کنندگان به گونه‌ای وضع گردد که مجموعه قابل انتخاب بتواند سلیقه همه مشارکت کنندگان را تأمین نماید. چرا که یکی از موانع مشارکت این است که انتخاب‌کننده فردی را مطابق با معیارهای مورد نظر خود در بین لیست انتخاب‌شوندگان پیدا نکند.

۳- امکان کسب آگاهی در خصوص آرا و برنامه‌های انتخاب‌شوندگان فراهم گردد تا حتی المقدور عدم شناخت، که یکی دیگر از موانع مشارکت است، مرتفع گردد.

۴- ساز و کار مناسبی برای تضمین عمل به وعده‌ها فراهم گردد و مشارکت کنندگان اطمینان حاصل نمایند که همزمان با امکان نصب دارای اختیار نقد و عزل نیز می‌باشند تا چنانچه تخطی از برنامه‌های ارائه شده رخ داد، بتوانند منصوبین خود را نقد و در صورت لزوم منتخب خود را عزل نمایند.

۵- فرایند نظام‌های انتخاباتی (اعم از شرایط انتخاب کنندگان، انتخاب‌شوندگان، تبلیغات و منابع تأمین هزینه‌های آن، رای‌گیری، شمارش آرا، اعلام نتایج و...) باید شفاف و

سلامت باشند و نتایج به دست آمده به طور کامل انعکاس دهنده خواست مشارکت کنندگان باشد.

تحقق این شرایط باور به نظام انتخاباتی را در بین افراد جامعه موجب می‌گردد تا از این طریق و بدون محاسبه سود و زیان شخصی در آن مشارکت نمایند. ضمن آنکه اینگونه مشارکت‌ها بر خلاف نظام‌های انتخاباتی تشریفاتی، مانند آنچه در اوضاع سابق کشورهایمانند عراق، لیبی، مصر و... شاهد بودیم منجر به پشتیبانی مردم از منتخبین خود گردیده و چنین نظاماتی با اتکا به پایگاه‌های اجتماعی ناشی از نظام انتخاباتی می‌توانند جامعه را به سمت صلاح و سعادت رهنمون گردند.

منابع:

۱. کلمن، جیمز، بنیادهای نظریه اجتماعی، (۱۳۷۷)
۲. وبر، ماکس، مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، (۱۳۶۸)
۳. الستر، یادداشت اجتماعی، (۱۹۹۸)
۴. بودون، محدودیت‌های نظریه انتخاب عقلانی، (۱۹۹۸)

شبستر به روایت اسناد



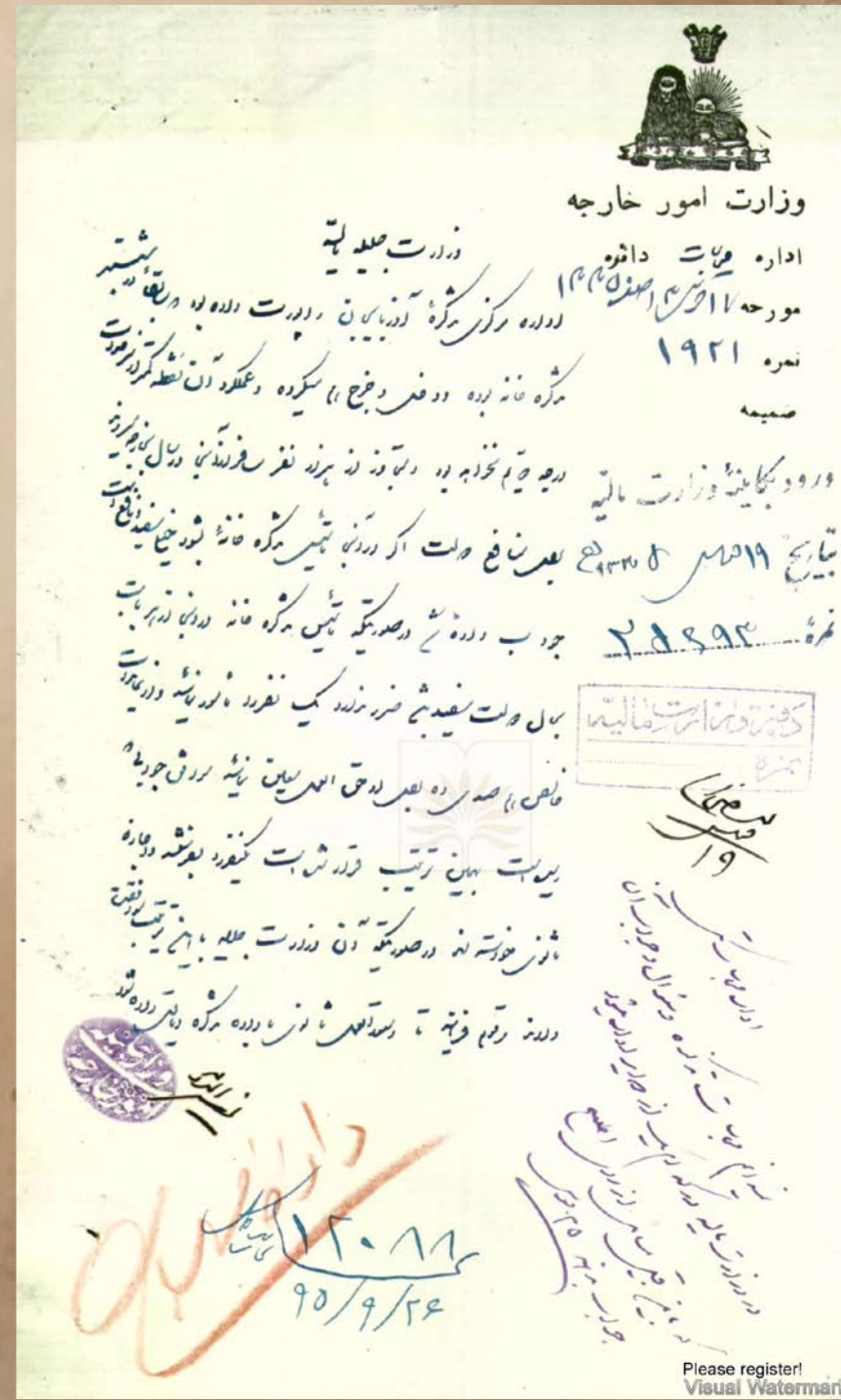
فرزانه عالمی

تذکره خانه یا اداره گذر نامه

اسناد ومدارک زوایای پنهان وتاریک تاریخ را بر روی مستند نگاران ومحققان می‌کشاید. آنچه در این سند های یافت می شود مانند قطعات پازل در کنار هم چیده شده و روایتی جدید را برای آیندگان بازگو می‌کنند. در مستندات مربوط به شهرمان اسنادی مبنی بر اجازه تاسیس تذکره خانه در شبستر در ۱۳ صفر سال ۱۳۳۵ ه.ق مصادف ۱۷ آذر ۱۲۹۵ شمسی یافته ایم که از دید جامعه شناسی و تاریخی بسیار با اهمیت می باشند. این اسناد به اعتبار سربرگ اداری، تاریخ، مهر و حواشی کاملا قابل استناد بوده و اصالت آن غیر قابل تردید است. در یکی از این اسناد تعداد مسافران از شبستر به خارج از کشور بیش از هزار نفر در سال ذکر شده است و این بهترین سند برای نشان دادن شرایط فرهنگی واجتماعی و اقتصادی مردم شبستر در آن زمان است. تحلیل این اسناد در این مجال نمی‌گنجد ولی برای تکمیل موضوع به تاریخچه ی مختصر تذکره یا گذر نامه فعلی در ایران اشاره می‌شود.

گل کار هنوز برجای مانده است. بعد از کشف لوحه های مذکور مشخص شد که در این اسناد آمده بود که دارنده گذرنامه از سوی چه کسی مأموریت دارد، چه مسیری را طی می کند و چه میزان آرد، نوشیدنی وهمچنین گوشت برای مصرف شخصی خود و در صورت لزوم برای همراهان و همکاران زیر دست باید دریافت کند و این هزینه ها بر روی گل ثبت می‌شد. آنچه امروز در ایران به عنوان گذرنامه شناخته می‌شود تا یک قرن پیش تذکره یا تذکره مرور نام داشت. در قرن نوزدهم اولین اسناد سفری در ایران به نام های تذکره در دو نوع صادر می شد که در نوع اول به نام تذکره مرور در تاریخ صدور آن (۱۳۳۰ ه.ق - ۱۲۹۰ ه.ش) و در آن نام و نام پدر و لقب فرد مسافر درج شده و به وسیله آن مقصد و راه عبور مشخص می شده است. مدت اعتبار آن یکسال و در صورت مراجعه مسافر به ایران از اعتبار ساقط می شده است. نحوه کنترل ورود و خروج مسافر در آن به درستی مشخص نیست و نوع دوم تذکره صادره به نام تذکره اقامت اطلاق می شد. به غیر از موارد فوق دو نوع شهادت نامه دولتی نیز صادر می شد که در این شهادت نامه ها محصلین دولتی ضمن الصاق عکس محصل مورد نظر بر گه به امضای رییس کل

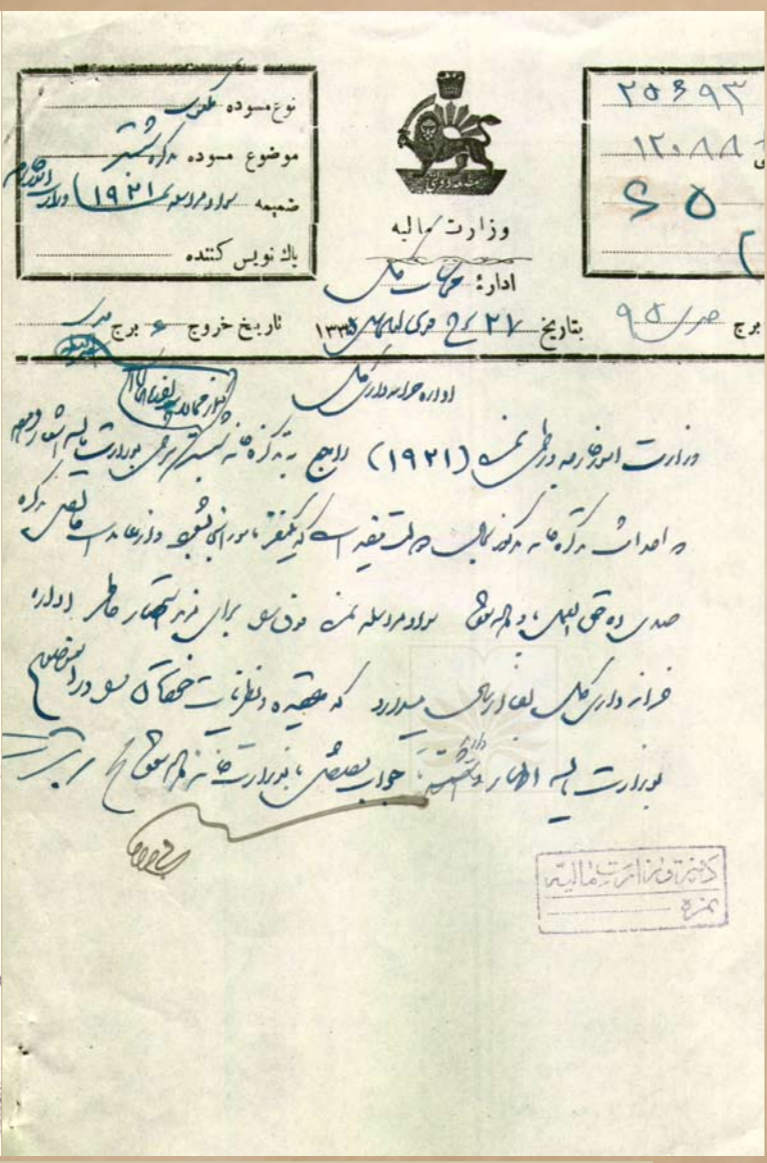
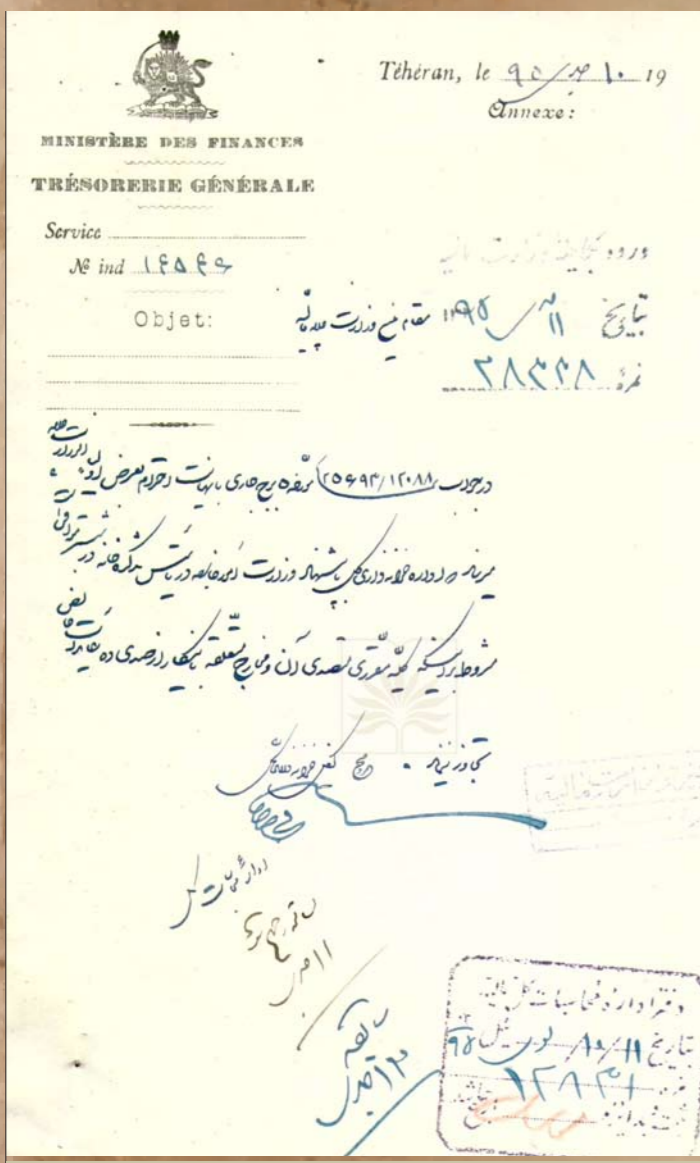
در کتاب مقدس عبری ها (نحمیا ۹-۷:۲)، مربوط به ۴۵۰ سال پیش از میلاد مسیح، نوشته شده است نحمیا که از یهودیان شناخته شده در کاخ شوش و مباشر اردشیر یکم (هخامنشی) معروف به اردشیر دراز دست بود، برای سفر به یهودیه (منطقه ای در جنوب اورشلیم) از اردشیر یکم نامه ای دریافت می کند تا تضمینی برای به سلامت عبور کردن از اراضی تحت سلطه دیگر فرمانروایان باشد. بدین ترتیب احتمالا دولت هخامنشی ۵۲۲ سال قبل از میلاد مسیح به عنوان نخستین دولت در تاریخ جهان اقدام به صدور لوح های سفر کرده است. شهربانان ۳۰ گانه در ایران اقدام به صدور گذرنامه می کردند و پس از پایان سفر لوحه در بایگانی مرکزی دولت پاسارگاد نگهداری می شده است. برای تهیه این الواح یک روی گل را با دست شکل داده و بر میزی می کوبیدند تا سطح آن هموار شود. سرانجام کارمند مسئول روی سمت چپ همین سطح مهر خود را می فشرد. به کمک قلم مخصوص، نشان میخی را بر لوح نرم حک و کالای تحویل شده را به دقت ثبت می کردند، کارمند مسئول با مهر خود نوشته را تأیید می کرد و دریافت کننده نیز نقش مهر خود را یا در قسمت پایین لوح و یا بر پشت لوح ثبت می کرد. جالب اینکه در برخی از این لوح ها، اثر انگشتان



وزارت امور خارجه
وزارت جلیله مالیه
اداره محاسبات دائره
مورخه ۱۳ صفر ۱۳۳۵

اداره مرکزی تذکره آذربایجان راپورت داده بود که سابقا در شبستر تذکره خانه بوده و دخل و خرج هم می کرده و عملکرد آن نقطه کمتر از سرحدات درجه دوم نخواهد بود و متجاوز از هزار نفر مسافر از آنجا در سال به خارجه می روند یعنی منافع دولت اگر در آنجا تاسیس تذکره خانه بشود خیلی مفید و نافع است. جواب داده شد در صورتی که تاسیس تذکره خانه در آنجا از هر بابت به حالت دولت مفید و ضرر ندارد یک نفر را مأمور نمایند و از عایدات خالص هم صدی ده به او حق العمل معین نمایند موافق جوابی که رسیده است به همین ترتیب قرار شده است که آن وزارت جلیله، با این ترتیب موافقت دارند مرقوم فرمایند تا دستور العمل ثانوی به او داده تذکر ایالتی داده شود.

وزارت جلیله امور خارجه



ورود به کابینه وزارت مالیه
به تاریخ ۱۱ جدی ۹۵
جواب نامه شماره مورخه ۵ برج جاری با نهایت احترام به عرض اولیاء آن وزارت جلیله می رساند که اداره خزانه
داری کل با پیشنهاد وزارت امور خارجه در تأسیس تذکره خانه در شبستر موافق است مشروط بر اینکه کلیه مقرری متصدی آن
مخارجه متعلقه به این کار از صدی ده عایدات ... تجاوز ننماید.

کفیل خزانه داری کل

همشهریان عزیز در صورتی که گذرنامه ای صادره از شبستر در اختیار دارید برای تکمیل این اسناد کپی آن را به
دفتر فصلنامه ارسال فرمایید تا در صورت تمایل در شماره های بعد چاپ گردد.

تذکره یا گذرنامه

تشکیلات نظامیه می رسیده است.
تذکره نوعی مکتوب دیوانی و سند اداری بوده که در دوره های گوناگون برای مقاصد
چون تعیین هویت، اجازه عبور و مرور و تصدی برخی مناصب نوشته و صادر می شده است.
ارتباط ایران و کشورهای اروپایی در عصر فتحعلی شاه، وی را بر آن داشت تا شخصی را
مسئول روابط خارجی کند. او عبدالوهاب نشاط معتمدالدوله اصفهانی را مأمور این کار کرد.
در عصر محمدشاه و ابتدای عصر ناصرالدین شاه تغییرات چندانی در وزارت خارجه ایجاد
نشد اما از اواخر عصر ناصرالدین شاه تشکیلات دیگری نیز ضمیمه آن شد.
در اواخر سال ۱۲۶۷ شمسی، به دستور میرزا تقی خان امیر کبیر تذکره های چاپی با علامت
شیر و خورشید جانشین تذکره های خطی شد و به همین منظور در ارگ تهران ادارهای به
نام تذکره خانه تأسیس و حاج میرزا جبار ملقب به ناظم المهام برای سرپرستی آنجا انتخاب
شد. ارنست اورسول در سفرنامه خود در ۱۲۹۹ شمسی (۱۸۸۲ میلادی) به این تذکره های
چاپ سنگی اشاره کرده و آنها را معادل پادروژنای روسی (به معنای گذرنامه) دانسته است.
این تذکره ها تسهیلاتی برای تردد بین شهری فراهم می آورد. برخی از این تذکره ها به
افراد خاصی داده می شد و صاحب خود را از امتیاز ویژه ای برخوردار می کرد و معادل
گذرنامه خدمت امروزی بود. در کنسولگری ها نیز کسانی مسئول عرضه خدمات مربوط به
تذکره بودند که به آنان ناظر و امین تذکره می گفتند. تذکره معمولاً در مرز و هنگام ورود و
خروج مسافران بازدید می شد و امین تذکره برای هر بار عبور از مرز مبلغی از مسافران
می گرفت و بسیاری از این تذکره ها رشوه خواری و سوء استفاده مالی می کردند.
در دوره مشروطه برخی فعالان سیاسی با استفاده از تذکره های جعلی از کشور خارج
می شدند و داشتن تذکره از دولت های قدرتمند برای اتباع ایرانی، به سبب سهولت ورود به
کشورهای دیگر و خروج از آنها، امتیاز محسوب می شد. اما گذرنامه به صورت کنونی آن
در ایران، قدمتی کمتر از صد سال دارد. نخستین قانون گذرنامه در بیستم دی ماه
سال ۱۳۱۱ ه.ش به تصویب رسید و طی این مدت صرفاً یک بار این قانون اصلاح شد. در
سال ۱۳۵۱ ه.ش، این قانون بار دیگر مورد بازنگری قرار گرفت و تاکنون با اصلاحات و
بازنگری های موردی با توجه به تغییر نظام حکومتی کشور، همچنان صدور گذرنامه و رتق
و فتق امور مسافرت های خارجی شهروندان ایرانی براساس همان قانون مصوب ۴۰ سال
پیش انجام شده است. براساس قانون، دارا بودن گذرنامه ایرانی به معنی داشتن تابعیت
این کشور است. این سند برای شهروندان جهت مسافرت های خارجی صادر می شود و
هرگونه سفری بدون داشتن گذرنامه ممنوع است.
در طول سالیان متمادی گذرنامه از نظر کیفی تغییرات جزئی داشت لیکن با توجه به روند
تکنولوژی مکانیسم صدور گذرنامه تحول یافت. بنابراین در سال ۱۳۸۳ ه.ش (۲۰۰۴ م) با
تکیه بر دانش و علوم ارتباطات و آخرین تکنولوژی روز دنیا گذرنامه های جدید در قالب
طرح جامع گذرنامه به مردم معرفی شد که هر گذرنامه از ضریب امنیتی بالایی برخوردار
است. گذرنامه ایران از سال ۱۳۹۰ (۲۰۱۱ م) به بعد به صورت بیومتریک صادر می گردد و
صادر کننده آن پلیس گذرنامه می باشد.

دریاچه ارومیه در آثار گذشتگان

به نقل از کتاب «تاریخ فرهنگ ارواق و انزاب»



حسین روشن

در زند اوستا «چیچستا» ذکر شده است و لفظ چیچست که در شاهنامه آمده و تا زمان حمدالله مستوفی نیز معمول بوده از همین نام فارسی قدیم گرفته شده است. مسعودی و ابن حوقل در قرن چهارم آن را «بحیره کبودان» که از لفظ ارمنی به معنی «دریاچه آبی» مأخوذ است نامیده‌اند (کبوئیدا در زبان ارمنی به معنی «آبی» است) اصطخری آن را دریاچه ارومیه نوشته که مقدسی نیز در این نامگذاری از او پیروی کرده است و در جای دیگر آن را دریاچه «سراة» یعنی دریاچه مخالفان نامیده زیرا در سواحل آن فرقه‌ای از خوارج به این نام اقامت داشتند. او می‌گوید آب این دریاچه بسیار شور است و نیز اضافه می‌کند که قایق‌های بسیار در آن دریاچه بین ارومیه و مراغه رفت و آمد دارند و نواحی بسیار حاصلخیز در سواحل آن موجود است. در وسط دریاچه جزیره‌ای بوده که ابن سربین آن را جزیره کبودان نامیده و ساکنین آن جزیره قایق‌رانان بوده‌اند. این دریاچه به قول اصطخری ماهی فراوان داشته (بعکس ابن حوقل که گفته است در آن هیچ ماهی نیست) و یک نوع ماهی عجیبی در آن دریاچه بوده که اهالی آنجا آن را سگ‌ماهی می‌گفتند. در فصل زمستان طوفان‌های شدید در سطح دریاچه حادث می‌شده و قایقرانی را با خطرهای بسیار دچار می‌ساخته است. ابوالفدا آن را دریاچه «نلا» که معنی آن معلوم نیست نامیده و قزوینی گوید آب آن دارای املاحی

درخشنده است شبیه توتیا (اکسیدروی) که به مقدار زیاد بجای دیگر صادر می‌شد. مستوفی اغلب آنرا چیچست نامیده و «دریاشور» هم به آن گفته و به مناسبت شهر مهمی که در ساحل شمالی آن بوده دریاچه طسوج یا تسوج هم نامیده است. مستوفی و حافظ ابرو هر دو می‌گویند وقتی که سطح آب پایین می‌رود و جزیره آن دریاچه که «شاه» نام دارد و به صورت شبه جزیره در می‌آید و در آن جزیره قلعه بزرگی است بر فراز کوهی و قبر هلاکو و دیگر سرداران مغول در آنجاست.

از قلعه شاهها در قرن سوم هجری نیز نام برده شده است. و ابن مسکویه در جایی که حوادث زمان متوکل خلیفه عباسی، نوه هارون الرشید را نقل می‌کند گوید شاهها و «یکدور» دو قلعه بود در تصرف سرکردگان یاغی آن نواحی (سراة) در قرن هفتم هلاکو به تجدید بنای قلعه شاهها که حافظ ابرو آن را قلعه تلای دریاچه رومیه نامیده، فرمان داد و خزاین و غنائمی که از غارت بغداد و دیگر ممالک خلافت بچنگ آورده بود آنها را در آن قلعه جای داد. بعدها این قلعه مدفن وی گردید به همین جهت در زبان فارسی به نام «گور قلعه» معروف شد زمانی که حافظ ابرو معاصر امیر تیمور تاریخ خود را می‌نوشت آن محل به کلی خالی از سکنه بود.

(صفحه ۱۷۲-۱۷۱- چاپ تهران ۱۳۳۷)

تاریخ شفاهی

پدربزرگ مرحوم من (ملا عمو صالحی شبستری) که در شماره‌های گذشته به عنوان بنیانگذار حمل و نقل در شبستر معرفی کردیم تعریف می‌نمود: در سال‌های گذشته و قبل از وارد شدن خودرو به شبستر مال التجاره بازاریان به وسیله گاری از تبریز به شبستر حمل می‌شد. یک روز به علت بارندگی شدید سیل جاری شده بود و موقع عبور گاری آب در آن نفوذ می‌کند و جعبه‌های چای که از تخته‌های نازکی ساخته شده بود خیس می‌شود و پس از رساندن به بازاریان تعدادی از تجار اعتراض می‌کنند و تقاضای غرامت و جبران ضرر می‌کنند. پدربزرگ من قبول می‌کند و روزی به مغازه مرحوم میرجعفر ساداتیان می‌رود و از ایشان سوال می‌کند: ضرر و زیان شما چقدر شده است که پرداخت کنیم؟ مرحوم تعجب می‌کند و می‌پرسد: ملاعمو تا حالا چقدر از سودهای ما گرفته‌ای که حالا می‌خواهی ضرر ما را پرداخت کنی؟! می‌فرماید: بنشین و شاگرد خود را می‌فرستد و بقیه تجار ذینفع را در مغازه خود جمع می‌کند و از آنها می‌پرسد: تاکنون چقدر از سودهای خود به ملاعمو داده‌اید؟ آنها می‌گویند چرا باید سود خودمان را به او پرداخت می‌کردیم؟! و ایشان می‌پرسند: پس چرا ضرر ما را ملاعمو باید پرداخت کند مگر در حمل و نقل بارها کوتاهی کرده‌اند که خسارت بدهند؟ بارندگی شده و سیل آمده و آنها چکار می‌توانستند بکنند که نکرده‌اند؟ خجالت بکشید و خیر و برکت کسب را ضایع نکنید و بروید دنبال کسب و کارتان و به پدربزرگ من هم می‌گویند شما هم بروید و از این گفته‌ها دلگیر نشوید. روح همه‌شان شاد.

پیش از دوره اختراع الفبا، تاریخ بصورت روایی حفظ و ضبط می‌گردید که به این شیوه تاریخ شفاهی نیز گفته شده است. روشی که پس از امکان ضبط مکالمات از حوالی ۱۹۴۰ میلادی تجدید سازمان یافته و بصورت مصاحبه‌نمیان گردیده است. تکرار کلمه "قال" در بسیاری از منابع تاریخی و فقهی ما نشان دیگری از اهمیت جایگاه تاریخ روایی است. پیام شبستر به منظور جمع‌آوری اطلاعات تاریخی شهرستان، اقدام به ایجاد صفحه‌ای تحت عنوان تاریخ شفاهی نموده تا خاطرات ارزشمند همشهریان را اذیل آن چاپ و پس از تکمیل بعنوان تاریخ روایی شهرستان منتشر نماید. لذا با ذکر خاطره‌ای از مدیر محترم فصلنامه فتح باب نموده و از کلیه بزرگان و علاقمندان دعوت می‌نماید روایات تاریخی خود را حتی المقدور همراه عکس و مستندات به دفتر مجله ارسال نمایند تا به مرور نسبت به چاپ آنها اقدام شود.



از دریاچه ارومیه چه خبر

آسیب‌شناسی مطالعات تا قبل از تشکیل ستاد احیای دریاچه ارومیه

وضعیت کنونی دریاچه ارومیه که حاصل مجموعه‌ای از عوامل انسانی و طبیعی طی دهه‌های گذشته است، از منظر تخصص‌های مختلف، طی چند سال گذشته مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. انجام مطالعات جامع در وزارت‌خانه‌های نیرو، جهاد کشاورزی، صنعت، معدن و تجارت و سازمان حفاظت محیط زیست و ایجاد یک جریان منجر به تولید محصولات علمی در دانشگاه‌های منطقه و کشور، نشان از اهمیت این موضوع در جامعه تخصصی و علمی کشور داشته است. به نظر می‌رسد که علی‌رغم وجود و فعالیت چندین جریان علمی-تخصصی و اجتماعی و تلاش مجامع اجرایی کشور در خصوص راهکارها و مبانی اساسی، تاکنون اتفاق نظری وجود نداشته است. آسیب‌شناسی این موضوعات در ۴ محور زیر مورد توجه خواهد بود:

علی‌رغم وجود مطالعات متعدد و متخصصین صاحب‌نظر پیرامون مسائل دریاچه ارومیه، در مورد پایه‌ای‌ترین مباحث تخصصی نه تنها اتفاق نظری وجود نداشته، بلکه اختلاف نظرها جدی بوده‌اند. به نظر می‌رسد که مطالعات در تخصص‌های یکسان، در مبانی نظر نداشته و مطالعات در تخصص‌های مختلف قابلیت جمع‌بندی و به هم پیوسته شدن را نداشته‌اند. به نظر می‌رسد که جامعه علمی کشور فاقد یک تفکر جامع جهت جمع‌بندی و اتفاق نظر تخصصی بوده که ضمن واکاوی و صحت‌سنجی مبانی مطالعات، به هم‌پیوستگی تخصص‌ها و رشته‌های مختلف را پایش، کنترل و اعمال نماید. دریاچه‌های مختلفی در سطح دنیا وجود دارند که با تجربه مشابه دریاچه ارومیه مواجه بوده‌اند. واکاوی این دریاچه‌ها از منظر رفتارشناسی، دلایل وقوع خشکی، آینه پژوهی، راهکارها و میزان اثربخشی آن‌ها، نحوه اعمال سیاست‌ها و مدیریت ذی‌نفعان بسیار حائز اهمیت است.

انتخاب تجارب مشابه و بررسی آن‌ها در یک بستر تطبیقی زمانی مفید خواهد بود که: مبانی مطالعات در تخصص‌های مختلف در ارتباط با دریاچه مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. روند انجام مطالعات و مراحل احیامورد بررسی قرار گرفته و اثربخشی راهکارها تجزیه و تحلیل گردد تا در مورد دریاچه ارومیه مراحل سعی و خطا به حداقل کاهش یابد. نحوه رفتار حکومت‌ها در بستر اجتماعی و سیاسی آن کشور مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نحوه مدیریت ذی‌نفعان از منظر اقتصادی و اجتماعی بررسی گردد.

انجام مطالعات تطبیقی سایر دریاچه‌ها، با حضور و مشارکت فعال عوامل متخصص همان دریاچه‌ها و حضور گسترده جامعه علمی کشور صورت پذیرد و طی نشست‌هایی با بدنه اجرایی کشور، محتوای مطالعات مورد بررسی قرار گیرد. این در حالی است که انجام مطالعات مؤثر تطبیقی که بتواند مسیر انجام مطالعات و اجرای پروژه‌ها را تحت

تأثیر قرار دهد، در کشور تا قبل از تشکیل ستاد احیای دریاچه ارومیه بدین صورت مورد توجه نبوده است.

۲- ستاد احیای دریاچه ارومیه

با توجه به موارد بیان شده و با هدف اعمال رویکردهای یکپارچگی در مدیریت حوضه آبریز و ارائه راهکارها، کارگروه نجات دریاچه ارومیه با مسئولیت وزیر نیرو و با حضور وزیران جهاد کشاورزی و کشور و معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست در تاریخ ۱۳۹۲/۷/۲۵ تشکیل گردید تا با اتکاب مطالعات انجام‌شده قبلی و نظرات تشکلهای مردم‌نهاد ذی‌ربط دریاچه ارومیه، راهکارهای عملیاتی نجات دریاچه را بررسی و نتیجه را برای تصمیم‌گیری نهایی به هیئت‌وزیران ارائه دهند.

پس از انجام بررسی‌های کارگروه و ضمن ارائه پیشنهادات نمایندگان استانی (در مجلس شورای اسلامی) مقرر گردید تا ستاد احیای دریاچه ارومیه با اختیارات اصل ۱۳۸ به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور تشکیل گردد. لذا پیرامون مصوبه جلسه روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۰۲ هیئت دولت، معاون اول محترم رئیس‌جمهور، جناب آقای دکتر جهانگیری به عنوان رئیس ستاد احیای دریاچه ارومیه و دکتر عیسی کلانتری به عنوان دبیر و مجری ستاد منتصب گردیدند.

ستاد احیای دریاچه ارومیه، پس از تشکیل، با ایجاد یک کمیته راهبری متشکل از متخصصان و صاحب‌نظران ملی و منطقه‌ای و نمایندگان دستگاه‌های تصمیم‌گیر، به طراحی و ایجاد ساختار سازمانی بدنه اجرایی ستاد پرداخت. شرح وظایف بخش‌های مختلف ستاد احیاء و گام‌های اجرایی نحوه مدیریت احیای دریاچه ارومیه، در کمیته مذکور ترسیم و تصویب گردید.

۳- رؤسای اقدامات صورت گرفته

همان‌طور که بیان شد، کمیته راهبری ستاد احیای دریاچه ارومیه (Steering Committee)، با دستور مجری طرح احیای دریاچه ارومیه، به طراحی ساختار سازمانی و تدوین شرح وظایف پرداخت. استخراج ساختار شوراهای منطقه‌ای و کمیته‌های تخصصی از اولین اقدامات این کمیته بوده است.

تشکیل دفتر برنامه‌ریزی و تلفیق موجب گردید تا کلیه موضوعات و سوالات مطرح‌شده در کمیته راهبری جهت واکاوی و پاسخ‌دهی، توسط صاحب‌نظران و متخصصین مورد بررسی قرار گرفته و بدین منظور ساختاری مناسب شکل گیرد.

۱-۳- کمیته‌های تخصصی

در ابتدا متناسب با دیسپلین‌ها و مطالعات موجود، شش کمیته تخصصی به شرح ذیل تشکیل گردید

۱- کمیته منابع، مصارف آب و اقلیم، ۲- کمیته محیط زیست، ۳- کمیته زمین‌شناسی، ۴- کمیته اقتصادی، ۵- کمیته اجتماعی و فرهنگی ۶- کمیته تلفیق
کمیته‌های مذکور به شناسایی متخصصین و مطالعات داخلی پرداخته و ساختار خود را تکمیل نمودند، بطوری که هر کمیته از ۵ جزء به شرح زیر تشکیل گردید:

۱- رئیس کمیته، ۲- دبیر کمیته، ۳- صاحب‌نظران و متخصصین داخلی، ۴- صاحب‌نظران و متخصصین بین‌المللی، ۵- تیم پشتیبان فنی (متشکل از محققان متخصص)

مقرر گردید تا ابهامات ستاد احیای دریاچه ارومیه در قالب سوالات و موضوعات کاری به کمیته‌ها منتقل گردیده و کمیته‌های تخصصی به تقسیم‌بندی آن‌ها در محورهای فوری، کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت جهت پاسخ‌دهی پرداخته و برنامه کاری خود را ارائه دهند.

۲-۳ کارگروه‌های تخصصی (Task Force)

برخی از موضوعات و ابهامات میان چند کمیته مشترک بوده و نیازمند مشارکت طیف وسیعی از دستگاه‌های اجرایی، شرکت‌های پیمانکاری و یا تولیدکننده برخی تجهیزات و ... می‌باشد. لذا مقرر گردید تا موضوعات در قالب کارگروه‌های تخصصی و با حضور متخصصان و عوامل دیسپلین‌های مطرح در کارگروه از طریق متدولوژی هم‌اندیشی و یک کمیته پشتیبان فنی به جمع‌بندی برسند.

موضوعات کارگروه‌های تخصصی توسط کمیته‌های تخصصی و کمیته راهبری استخراج گردیدند و تا تاریخ ۱۳۹۳/۲/۱۰، ۲۰ کارگروه تخصصی به شرح ذیل تشکیل شده و به جمع‌بندی نهایی رسیده است، کلیه گزارشات و مستندات مربوط به فعالیت کارگروه‌های تخصصی تولید شده است. همچنین بیش از ۴۵۰ نفر از متخصصین، اعضای داخلی و خارجی کارگروه‌های مذکور می‌باشند.

۱- کارگروه تخصصی بررسی اندرکنش آبخوان‌های ساحلی با دریاچه ارومیه

۲- کارگروه تخصصی احیای مرحله‌ای دریاچه ارومیه

۳- کارگروه تخصصی تعیین تکلیف طرح‌های توسعه منابع آب حوضه آبریز دریاچه ارومیه

۴- کارگروه تخصصی بررسی طرح‌های انتقال بین‌حوضه‌ای

۵- کارگروه تخصصی مدیریت آب کشاورزی (مدیریت تقاضای آب کشاورزی)

۶- کارگروه تخصصی مدیریت آب‌های سطحی و زیرزمینی

۷- کارگروه تخصصی بررسی راهکارهای حفظ پیکره‌آبی دریاچه و انتقال آب به آن

۸- کارگروه تخصصی بررسی اندرکنش اقلیم منطقه و دریاچه ارومیه

۹- کارگروه تخصصی برآورد میزان واقعی آب ورودی به پیکره اصلی (آبی) دریاچه ارومیه از رودخانه‌های منتهی به دریاچه

۱۰- کارگروه تخصصی بررسی اثرات بهداشتی ناشی از خشک شدن دریاچه ارومیه

۱۱- کارگروه تخصصی بررسی اثربخشی سیستم‌های آبیاری مدرن در احیای دریاچه ارومیه

۱۲- کارگروه تخصصی احیای اکولوژیک دریاچه ارومیه

۱۳- کارگروه تخصصی بررسی راهکارهای کنترل و تثبیت کانون‌های ایجاد طوفان نمک

۱۴- کارگروه تخصصی بررسی حجم آب قابل رهاسازی از سد‌های حوضه آبریز دریاچه ارومیه

۱۵- کارگروه تخصصی راهکارهای کاهش تبخیر

۱۶- کارگروه تخصصی آسیب‌شناسی ادامه وضع موجود دریاچه ارومیه

۱۷- کارگروه تخصصی اشتغال و معیشت جایگزین

۱۸- کارگروه تخصصی بررسی اثرات ورود آب شیرین بر شورابه و بستر نمکی دریاچه ارومیه

۱۹- کارگروه تخصصی بررسی امکان‌سنجی تامین آب برای دریاچه از منابع آب نامتعارف

۲۰- کارگروه تخصصی بررسی نحوه تعیین و پرداخت خسارت عدم کاشت به کشاورزان

۳-۳ مطالعات تطبیقی

۴-۳ نشست‌های تخصصی کمیته‌ها و کارگروه‌ها

راه‌اندازی سایت ستاد احیای دریاچه ارومیه

با توجه به حضور و همکاری تعداد زیادی از اساتید، متخصصین و صاحب‌نظران در قالب کمیته‌ها و کارگروه‌های تخصصی ستاد، نیاز به وجود بستر مناسب برای انجام هماهنگی و تبادل اطلاعات، لزوم اطلاع‌رسانی عمومی از روند و نتایج حاصل از فعالیت‌های انجام‌شده در چارچوب ستاد و نیز ایجاد امکان شناسایی و بهره‌مندی از کمک‌های داوطلبان مشارکت در احیای دریاچه ارومیه، سایت ستاد احیای دریاچه ارومیه، طراحی و در حال تکمیل شدن است.

۳-۶ سایر اقدامات

مشارکت در همایش‌های داخلی و بین‌المللی راهبری و سیاست‌گذاری‌های کلان عضوگیری و مدیریت دوستداران دریاچه ارومیه، تشکیل حلقه‌های متخصصان داخلی و بین‌المللی، فعالیت‌های منطقه‌ای (راه‌اندازی دفاتر منطقه‌ای، برگزاری جلسات شوراهای منطقه‌ای، برگزاری جلسه با افراد ذی‌نفع منطقه‌ای و ...) مستندسازی و تهیه فیلم، تهیه و اجرای برنامه‌های اجتماعی (آموزش، ظرفیت‌سازی و ...) لطفاً برای دسترسی به ستاد احیاء اطلاعات تکمیلی به سایت زیر مراجعه شود.

<http://ulrp.sharif.ir>

از دریاچه ارومیه چه خبر

دریاچه ارومیه، یکی از بزرگترین شگفتی های طبیعت

با آن مواجه هستید، صدمه بسیاری دیده ایم. لس آنجلس شهر بسیار بزرگی است که در یک بیابان بدون منابع آب قابل توجه بنا شده است. به منظور تأمین آب لس آنجلس سیاست گذاران اوایل قرن گذشته یک دریاچه بسیار بزرگ به نام Owens Lake آن را زهکشی کرده و رودخانه‌ی تأمین کننده آب آن را به سمت لس آنجلس منحرف کردند و امروز نزدیک ۱۰۰ سال است که از عوارض این تصمیم صدمه می بینیم. طوفان های گرد و غبار از سطح خشک دریاچه به راحتی بزرگراه نزدیک دریاچه را مسدود می کنند و بیماری های تنفسی همچون آسم و سرطان ریه بسیار شیوع دارند؛ چرا که ترکیب غبار دریاچه سمی است. کشاورزی به نابودی کشیده شده و مجموعه این عوامل باعث شد که شهر لس آنجلس به مونولیک روی آورد که دریاچه ای همچون ارومیه است. اما مردم کالیفرنیا فاجعه ای اکولوژیک را دیده بودند و این بار با پیگیری حقوقی به نجات آن پرداختند. با این حال ۵۰ سال طول کشید که مونولیک از مرز نابودی اکولوژیک خود دور شده و نجات یابد. یادمان باشد که وقتی یک اکوسیستم تغییر می کند، بازگشت کامل آن به حالت اولیه غیر ممکن است.

۲۹ / شهریور / ۱۳۹۴

دکتر لورا استیونس - دپارتمان علوم زمین دانشگاه کالیفرنیا "من واقعاً از شنیدن طرح جدید برای دریاچه ارومیه متأثر شدم. من شخصاً نسبت به ارائه نظر کارشناسی در مورد اینکه بحران دریاچه چگونه باید کنترل شود امتناع می کنم، چرا که هیچ گاه شخصاً آنجا نبوده ام و احتمالاً نمی توانم تمامی پیچیدگی های ممکن درباره آن را درک کنم. اما آنچه که می توانم بگویم این است که هر گونه تغییر بزرگ مقیاس در دریاچه همچون پار تیشنینگ [۱] دریاچه به زیر حوضه می تواند منجر به یک فاجعه اکولوژیک گردد.

من و بسیاری دیگر، همواره به دریاچه ارومیه به عنوان یکی از بزرگترین شگفتی های طبیعت نگاه کرده ایم. دریاچه ارومیه گنجی برای ایران محسوب گردیده، و باید به عنوان یک گنج نیز از آن نگهداری شود. در هیچ نقطه ای دیگری در جهان دریاچه ای مانند ارومیه وجود ندارد و من اصلاً نمی توانم حتی تصور کنم که منافع کوتاه مدت حاصل از استخراج نمک و غیره ارزش بیشتری از پتانسیل دریاچه ارومیه به عنوان یک پناهگاه اکولوژیک، یک جاذبه اکوتوریستی و از همه مهم تر عاملی برای افتخار ملی ایرانیان داشته باشد. در ایالات متحده، ما از تصمیمات اشتباه مشابه آنچه که شما در دریاچه ارومیه

آسیب شناسی مطالعات تا قبل از تشکیل ستاد احیای دریاچه ارومیه

داشته ام در این میان حضور یافته ام و در این زمینه از توان علمی ۶۰۰ تا ۷۰۰ نفر دانشگاهی استفاده می کنم و ۵۰ نفر دانشمند برجسته که تجربیات جهانی دارند در این زمینه حضور دارند. وی با دفاع از عملکرد دکتر کلانتری، در مورد احیای دریاچه ارومیه گفت: بنده با تمام وجود از عملکرد دکتر کلانتری رضایت کامل دارم و مدیریت ۶۰۰ دانشمند و فرد برجسته در این میان بسیار مهم است و امروز تمام صاحب نظران در مورد روند دریاچه ارومیه به یک برنامه که ۲۶ راهکار دارند معتقد هستند. جبارزاده تصریح کرد: بخش عمده ای از پروژه احیای دریاچه که شناخت علت کم آبی دریاچه ارومیه است انجام شده و در زمینه تأمین برنامه ها اقدام می کنیم.

وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به لایروبی های انجام شده در بستر رودخانه های منتهی به دریاچه ارومیه گفت: با لایروبی های انجام شده اکنون بارندگی ها به دریاچه می رسد ولی در گذشته اینگونه نبود. وی اضافه کرد: امکانات مادی انجام شده در صورت عدم بارش باران محکوم به شکست است و همواره باید از خداوند متعال درخواست کنیم تا نزول رحمت الهی را قطع نکند. وی از مردم خواست در زمینه دعا برای نزول بارش باران کوتاهی نکنند و خوشبختانه بارش های خوبی را در استان شاهد بوده ایم و باروری ابرها به صورت گسترده در تبریز و استان صورت می گیرد و اکثر بارش ها به علت باروری ابرها بوده است.

به گزارش خبرگزاری فارس از تبریز، اسماعیل جبارزاده استاندار آذربایجان شرقی در دیدار با فعالان محیط زیست و انجمن سبزاندیشان تبریز، فرمودند: حضور همه تشکل های فعال در زمینه های عمومی و زیست محیطی احیای دریاچه ارومیه در جلسات استانداری ضروری است و جلساتی را در این زمینه خواهیم داشت چرا که همراهی کلان مردمی به واسطه این تشکل ها امکان پذیر می شود.

هر جا که همراهی مردم صورت گرفته امور پیشرفت داشته و هر گاه که مردم نسبت به امور جاری بی اعتنا بوده اند دچار مشکل شده ایم و پیشرفتی صورت نگرفته است. جبارزاده خاطر نشان کرد: قبل از دولت تدبیر و امید نگاه به دریاچه ارومیه متفاوت بود و نگاهی غیر علمی در این زمینه وجود داشت ولی دکتر روحانی اولین وعده خود را احیای دریاچه ارومیه نامید و در این میان با وجود مشکلات مالی متعدد بودجه های خوبی به احیای دریاچه اختصاص یافته است. وی بیان کرد: در کنار تخصیص بودجه های مناسب کارهای علمی و مطالعاتی خوبی صورت گرفته تا احیای دریاچه ارومیه به صورت علمی پیش رود چرا که حیات و ممات ۱۴ میلیون انسان در کشور وابسته به احیای دریاچه ارومیه است.

استاندار آذربایجان شرقی تصریح کرد: هدف بنده از قبول مسئولیت استانداری احیای دریاچه ارومیه بود و اگر امور جاری استان مطرح بود این مسئولیت را قبول نمی کردم و با توجه به سوابقی که در گذشته

۴۰ زن زخم های دریاچه ارومیه را بخیه می زنند

۴۰ زن از اهالی دو روستای «قره قزلو» و «چپقلو» با همکاری طرح بین المللی تالاب ها و با انتخاب معیشت جایگزین، به احیای «دریاچه ارومیه» و تالاب «قره قشلاق» کمک می کنند. ۲۰ زن روستای «قره قزلو» حتی از کاشت «گوجه» و «هندوانه» توسط مردانشان به دلیل «پر آب بودن» جلوگیری کردند. به جای آن با سرمایه اندک خود کارگاه خیاطی راه انداختند تا با کسب درآمد از دوخت و دوزی که آب نمی خواهد هم کمک خرج خانواده باشند و هم با ذخیره آب، به احیای دریاچه ارومیه و تالاب قره قشلاق کمک کنند.

آنها ۵ میلیون تومان سرمایه مشترک را در یک صندوق ریختند. ۱۷۰ مانتو دوختند اما فقط دو میلیون تومان فروش داشتند. با وجود این در گفت و گو با روزنامه ایران می گویند که شک ندارند در سال های آتی یک کارگاه بزرگ مانتو و لباس های فرم خواهند داشت. همین ریسک پذیری، تفاوت آنها با زنان روستای «چپقلو» است که منتظرند تا وام قرض الحسنه وعده داده شده توسط فرمانداری به آنها برسد و با اجاره یک مکان کار خیاطی را شروع کنند.



پس از شکست طرح هایی همچون انتقال آب از دریای خزر به دریاچه ارومیه، سرانجام دبیر ستاد احیای دریاچه ارومیه از انتقال آب دو رودخانه زرینه رود و سیمینه رود به این دریاچه ارومیه خبر داد. عیسی کلانتری، دبیر ستاد احیای دریاچه ارومیه یکشنبه یکم آذر اعلام کرد که از روز پنج شنبه ۲۸ آبان ۳۰ متر مکعب آب در ثانیه از محل اتصال زرینه رود و سیمینه رود به دریاچه ارومیه می ریزد. بنابر گزارش ستاد احیای دریاچه ارومیه، یکی از پروژه های اصلی این ستاد اتصال زرینه رود به سیمینه رود، و جاری شدن آب از محل اتصال این دو رود به دریاچه ارومیه بوده است. علت این اقدام نیز جلوگیری از تبخیر آب زرینه رود اعلام شده است. هزینه طرح اتصال این دو رودخانه به دریاچه ارومیه بیش از ۱۷ میلیارد تومان ذکر شده است. مجریان طرح احیای دریاچه ارومیه قصد دارند با راهسازی آب سد بوکان و انتقال این آب به محل اتصال زرینه رود و سیمینه رود، سالانه ۱۰۰ میلیون متر مکعب آب به دریاچه ارومیه منتقل کنند. علاوه بر این، رودخانه آجی چای نیز به دریاچه ارومیه متصل شده و در صورت جاری شدن آب در این رودخانه آب به دریاچه ارومیه منتقل خواهد شد.

پروفسور رحیم رحمان زاده در تاریخ ۲۳ خرداد ماه ۱۳۱۳ (۱۳ ژوئن ۱۹۳۴) در شبستر و در یک خانوادهٔ اصیل، با فرهنگ و مرفه متولد شد. پدر بزرگ ایشان مرحوم حاج علی احمد رحمان زاده و برادران ایشان از معتمدین شبستر بودند. پدر خودشان مرحوم حاج یوسف رحمان زاده، قاضی، وکیل دادگستری و سیاستمدار بزرگی بود و به دلیل شغل دولتی در شهرهای همدان، کرمانشاه، رشت و تهران ساکن و مشغول خدمت بود لذا رحیم جوان نیز همراه پدر و مادر خود تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی را در شهرهای مذکور گذرانده است. از ابتدا به پزشکی مخصوصاً جراحی علاقه داشت و بر ای پیوند مغز زیاد فکر می کرد.

بعد از اخذ دیپلم در دبیرستان البرز تهران برای ادامهٔ تحصیلات و ورود به عالم پزشکی عازم آلمان بود که در مسیر، برای دیدن عموی خود که مقیم ترکیه بود به شهر استانبول می رود. با صلاح دید عمو و با اصرار آموزادگان خود در استانبول می ماند و وارد دانشگاه شده در رشته پزشکی مشغول تحصیل می شود و در همانجا با همسرش خانم دکتر زهره اساسی که او هم ایرانی و دندان پزشک بود ازدواج می کند. حاصل این وصلت دو فرزند به نام های میترا و مازیار است که هر دو در شهر مانهایم آلمان به دنیا آمده اند، آقای دکتر مازیار اکنون در آلمان شغل پدر را ادامه می دهد.

مفاخر و نیکنامان

پروفسور رحمان زاده افتخار ملی و بین المللی از شبستر

پروفسور رحمان زاده اکنون دهه هشتم زندگی اش را در آلمان سپری می کند ولی دلش همواره برای وطن عزیزش تپیده است، مهر ماه گذشته ایشان مسافرتی به وطنش داشت، این امر فرمتنی داد تا فصلنامه پیام شبستر با ایشان مصاحبه ای داشته باشد که حاصل آن در زیر می آید:



● **تحصیلات دبیرستان و دانشگاه شما چگونه سپری شده است؟**

چ (بعد از اتمام مدرسه و کالج البرز تهران، در دانشگاه استانبول ترکیه در رشته پزشکی به تحصیل مشغول شدم. پس از آن برای تکمیل تحصیلات تخصصی خود در رشته جراحی عمومی و جراحی تصادفات ارتوپدی راهی آمریکا بودم ولی تقدیر این بود که در شهر مونیخ آلمان با یکی از دوستان دوران دبیرستان خودم که ایشان هم تحصیلات پزشکی خود را اتمام کرده بودند ملاقات کنم با پیشنهاد و اصرار ایشان در بیمارستان سن هدویگ که به ریاست دکتر گوکل اداره می شد مشغول به کار و ادامهٔ تحصیل شدم.

از سال ۱۹۶۴ در کلینیک دانشگاه جراحی مینز آلمان مشغول به کار شدم از سال ۱۹۷۰ به عنوان دستیار مدیر پزشکی کلینیک برای جراحی تصادفات کلینیک دانشگاه مینز انتخاب شدم در سال ۱۹۷۳ در دانشگاه مینز به مقام پروفیسوری نایل آمدم و از همان سال ریاست کرسی جراحی دانشگاه برلین را برعهده

رئیس بخش جراحی پلاستیک و ترمیم چهره و مفصل و استخوان آلمان (۱۹۹۳)

● **عضویت چه گروهها یا جوامعی را داشته اید؟**

- * گروه جراحی برلین
- * جراحی مربوط به تصادفات برلین
- * جامعه جراحی آلمان
- * جامعه جراحی مربوط به تصادفات جامعه آلمان
- * عضویت در جامعه ارتوپدی و پزشکی ورزشی آلمان
- * عضویت در جامعه جراحی پلاستیکی و ترمیم چهره آلمان
- * عضو افتخاری چندین جامعه جراحی ارتوپدی و تصادفات
- * ۲۰۰۱ به عنوان عضو افتخاری جامعه عمل جراحی مربوط به تصادفات آلمان
- * ۲۰۰۳ به عنوان عضو افتخاری جامعه عمل پلاستیکی آلمان

● **افتخارات کسب شده تان را بفرمایید؟**

برنده جایزه جراحی و دارای مدال درجه یک لیاقت از رئیس جمهوری آلمان به واسطه نوآوری های مهم و بدیع در رشته ارتوپدی است. ۱۹۹۸ کسب نشان لیاقت جمهوری فدرال آلمان از رئیس جمهور فدرال Richard von Weizsaker

● **چه تألیفاتی از جنابعالی تاکنون چاپ شده است؟**

تاکنون مقالات، تألیفات و کتب متعددی در زمینه ارتوپدی چاپ و منتشر شده است که مشتمل بر بیش از ۳۵۰ مقاله، کتاب و جزوه می باشد.

● **آقای پروفیسور نگاه ایرانیان خارج از کشور به ایران را چگونه می بینید، آنها نسبت به وطن خود چه باوری دارند و با توجه به حضور شما در ایران، این باورها را تا چه اندازه منطبق بر واقعیات می بینید؟**

خوشبختانه در سال های اخیر سیر امیدوار کننده ای را در ایران و در دیگر نقاط جهان، در جهت بسط ارزش های انسانی و گسترش آزادی های فردی و جمعی شاهد بودیم. البته در مورد ایران،

کشورهای خارجی نگران هستند. البته این نگرانی بیخود است. به نظر می رسد که ایران در مسیر گسترش آزادی قرار گرفته و هیچ زمامداری هم نمی تواند جلوی آن را بگیرد و همان پیشرفت های گذشته ادامه پیدا خواهد کرد. آنچه در این بین مهم است، سرمایه های بزرگ مملکتی است که ۶۰ درصد از جمعیت آن، زیر ۳۰ سال سن دارند. باید به این جوانان توجه شود. سرمایه های ماجوانان هستند و ایران به نیروی جوان احتیاج دارد و این نیاز گریز ناپذیر است.

● **همان طور که شما کاملاً اطلاع دارید، کشورهای غربی به علت تضاد منافع و تخصص ارزشی که با جمهوری اسلامی دارند، جنگ روانی وسیعی را علیه ایران شکل داده اند. در این میان، در داخل کشور نیز بعضی حرکت ها به این موج تبلیغاتی منفی، مهر تأیید می زند، اما موضوع دولتمردان و سران نظام ما، همواره تقابل با سیاه نمایی های غربی است. نظر شما پیرامون نقش این جوسازی ها علیه ایران چیست؟**

ج (در خارج، تبلیغات منفی بسیار می شود. افکاری را به غلط القا می کنند و واقعیت های داخل ایران را سانسور می نمایند، بر اثر این موج منفی روانی، نسبت به وضعیت داخل ایران بدبین می شوند که دولت ایران می بایست این فضا را بشکند.

● **دولت ایران، برای بازگشت سرمایه های ایرانی مقیم خارج از کشور و نیز برای بازگشت نخبگان علمی و فرهنگی به وطن، چه باید بکند؟**

ج (آنها را برای بازگشت به میهن تشویق کنند، دولت امکانات بدهد و موانع بازگشت را تا حد



امکان بر دارد. از آنها پذیرایی نکند، با هتل و سمینار و شام و نهار، جذب نمی شوند، ایرانیان برای کار در داخل کشور، امکانات می خواهند. خیلی از ایرانیان سرشناس و نخبه مشهور در جهان را می شناسم که می خواهند به ایران بازگردند. باید درهای کشور را به روی آنان و به روی جهان بگشاییم

● **اگر امکان دارد، می خواهیم که پدر علم ارتوپدی اروپا و مشهورترین متخصص جراحی استخوان در جهان، یکی از آرزوهای خود را به ما بگوید؟**

ج (آرزو دارم که ایران وضعی داشته باشد که جهان، بادیه احترام به آن بنگرد. درها را باید باز کنیم، با جهان حرف بزنیم، تا ایران و توانایی ها و فرصت های داخلی را به دیگران بشناسانیم. ما امکانات بسیاری در ایران داریم، اینها را باید به جهانیان نشان بدهیم. و با جهان تعامل کنیم و از راههای تجربه شده جهانی، برای پیشرفت استفاده کنیم. پروفیسور رحیم رحمان زاده در حال حاضر به عنوان پرزیدنت سمینارهای اروپایی و جهانی، مقام پرزیدنتی جمعیت جراحان ارتوپدی تصادفات و سوانح، جمعیت جراحان پلاستیک آلمان و جمعیت جراحان عمومی آن کشور را نیز برعهده دارد. این همه در حالی است که تاکنون هیچ تبعه خارجی موفق نشده است به این مدارج علمی در کشور آلمان دست یابد. در این مورد از سخت گویی، دقت، برنامه ریزی و شایسته سالاری آلمانی ها تعریف می کند. در حالیکه او و چند آلمانی دیگر متقاضی شغل واحدی بودند هر چند با تاخیر! او را انتخاب می کنند و این انتخاب آنها بی دلیل نبود، بقول خودشان، «دلیل اعتماد آنها به من، خدماتی بوده که من به جامعه آلمان انجام داده ام». دلیل اصلی شهرت، پایه گذار جراحی مدرن تروماتیک ارتوپدی، تکنیک های جراحی خاص همراه با سختکوشی و نظم می باشد.

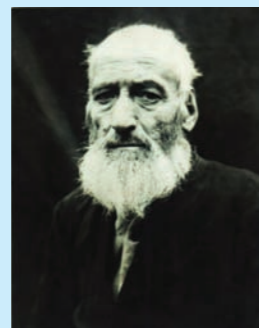
● **چه توصیه ای به جوانان دارد؟**

با اینکه شانس مؤثر است ولی به هیچ وجه ناامید نشوند با پشتکار به هر هدفی می توان رسید. تهیه و تنظیم: دکتر ابوالفضل هدایتی آذر

هر آن کوی علم و دانایی است
بداند که وقت صف آرایی
الای غزالان دشت ذکاوت
به بیرون روید از برای سیاحت

میرزا حسن (رشدیه) در اواخر عمر برای درمان ماندن از دشمنی مخالفان به قم رفت و در سال ۱۳۲۳ و در سن ۹۷ سالگی در همانجا درگذشت و در قبرستان نوبه خاک سپرده شد (آرامگاه شخصیت های بزرگ دیگری از جمله مرحوم آیت الله حاج میرزا کاظم آقا مجتهد شیستری نیز در همانجا می باشد) در مورد چگونگی مرگ رشدیه می نویسند؛ وی در صف اتوبوس ایستاده بود که راننده خوشمزگی می کند و می خواهد صف را تا لب جوی آب عمیقی که پشت سر مسافری بود، عقب ببرد. رشدیه به علت کهولت سن نمی تواند خود را کنترل کند و در جوی آب می افتد و قلم پایش خرد می شود. در اثر همین حادثه پس از مدتی بستری بودن در منزل، از دنیا می رود.

یادآوری: اولین مدرسه ابتدایی به سبک جدید یعنی مدرسه رشدیه شبستر نیز که شرح و عکس ماندگار آن در شماره های گذشته آمده بود با الهام از سبک و روش رشدیه، با همت همشهریان محترم شبستری و به کمک تربیت یافتگان مکتب آن بزرگ مرد ایجاد شده بود.



اولین مدرسه ابتدایی به سبک جدید یعنی مدرسه رشدیه شبستر نیز که شرح و عکس ماندگار آن در شماره های گذشته آمده بود با الهام از سبک و روش رشدیه، با همت همشهریان محترم شبستری و به کمک تربیت یافتگان مکتب آن بزرگ مرد ایجاد شده بود.

نکات برجسته مدارس رشدیه عبارتند از:

- ۱- داشتن برنامه درسی معین از نظر محتوی و زمان
- ۲- تربیت معلم برای اجرای برنامه های فوق
- ۳- استفاده از میز و نیمکت و تخته سیاه و وسایل کمک آموزشی در حد امکان
- ۴- آموزش حرفه هایی مانند قالی بافی به دانش آموزان
- ۵- ارزشیابی و پیگیری مستمر کارها و برنامه ها
- ۶- داشتن ایمان و اعتقاد به راهی که در پیش گرفته بود که گفته اند رشدیه چون کوه استوار و چون رود خروشان می تازید و پیش می رفت.

منابع و مأخذ:

- ۱- استفاده از سایت های مختلف در اینترنت
- ۲- سخنرانی ها و زندگی نامه میرزا حسن رشدیه، ناشر انجمن مفاخر فرهنگی ایران در بزرگداشت مشارالیه.
- ۳- برداشت های شخصی

مفاخر و نیکنامان

آگاه شدن از نیت رشدیه و علاقه او به تغییر و تحول، او را به ایران دعوت نمود تا مدرسه مشابه را در کشور خود دایر کند. اطرافیان کوردل شاه با بهانه اینکه تعلیمات جدید برای سلطنت زیان آور است رأی شاه را چنان عوض کردند که دستور داد مانع آمدن رشدیه به ایران شوند.

لذا در موقع حرکت مدتی رشدیه را سرگرم (مانع حرکت) و بعد آزاد نمودند تا نتواند همراه شاه به ایران بیاید. بعد از مدتی مدرسه ایروان را به برادر خود واگذار نموده به تبریز برگشت و بارها در نقاط مختلف شهر مدرسه دایر کرده به تربیت شاگردان و معلمان همت گماشت ولی عوامل ارتجاع، رشدیه و شاگردانش را کتک زده مدرسه او را تعطیل نمودند. یک بار هم قصد جان او را کردند ولی تبر به پایش خورد و مدرسه تعطیل گردید. با توصیه پدرش به مشهد رفته در آنجا مدرسه دایر کرد، باز هم با مخالفت سنت گرایان مواجه شد و این بار دست او را شکستند و مدرسه را تعطیل کردند.

دوباره به تبریز آمد و با حمایت میرزا علی خان امین الدوله والی تبریز مدرسه رشدیه به سبک جدید را در تبریز دایر کرد، خوشبختانه این بار مدرسه دوام داشت و رونق گرفت. بعد از رفتن امین الدوله به تهران، رشدیه رادعوت کرد تا در تهران نیز مدرسه دایر کند. رشدیه قبول کرده به تهران رفت و اقدام نمود. به این ترتیب بعد از دارالفنون اولین مدرسه در تهران را رشدیه در سال ۱۲۷۶ شمسی و در باغ کربلای عباسعلی در دروازه قزوین دایر کرد. در مدارس رشدیه برای اعلام شروع و یا پایان کلاس چون زنگ اخباری نبود این شعر را می خواندند:

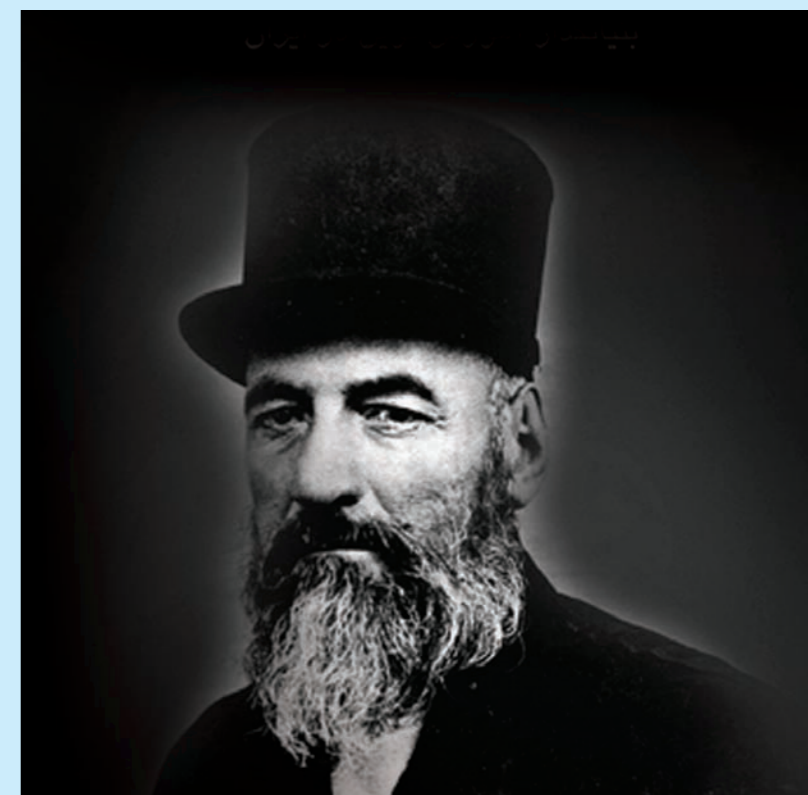
رشدیه کیست؟

این روزنامه نوشته بودند «در غرب از هر صد نفر یک نفر بی سواد، ولی در ایران از هر هزار نفر یک نفر باسواد است و این مربوط روش غلط تعلیم و تربیت ایران می باشد» این مطلب چنان آشوبی در دل میرزا حسن ایجاد کرد که تصمیم گرفت معلم شود و این روش را عوض کند. لذا بعد از پایان تحصیلاتش در بیروت مدارس مصر و ترکیه را نیز مطالعه نمود. اسم رشدیه را هم از مدارس ترکیه گرفته است؛ چون در آنجا مدارس ابتدایی را «رشدی» می گفتند.

بعد از برگشتن از بیروت چون می دانست با مدارس به سبک جدید در ایران مخالفت خواهد شد در سال ۱۲۶۳ شمسی پیش برادرش در ایروان رفت و نخستین مدرسه اسلامی با روش جدید به نام رشدیه را برای ایرانیان مقیم آنجا تأسیس کرد، در مدت چهار سال این مدرسه رونق بسیار گرفت؛ ناصرالدین شاه در بازگشت از سومین سفر خود به غرب، در ایروان از مدرسه رشدیه بازدید نمود. با

خود گفت ای غافل نادان، برای رضای خدا سخن می گفتمی و مردم را از اطاعت بر ظالم باز می داشتی، حال به اطاعت شیطان می خوانی؟ این واقعه چنان اثری بر او داشت که مسجد و منبر را رها کرد و به فکر ادامه تحصیل افتاد.

آن زمان رسم بر این بود که روحانیان برای تکمیل تحصیلات خود به تجف می رفتند ولی رشدیه از پدر خود خواست که او را به قاهره و یا بیروت بفرستد، زیرا می دانست فرانسوی ها و انگلیسی ها در آن دو شهر دارالمعلمین (دانشسرا) دایر کرده اند و رشدیه سخت عاشق تحصیل در رشته معلمی بود، سر انجام با موافقت پدر به بیروت رفت و در دانشسرای آن شهر به تحصیل پرداخت. مدت دو سال در آنجا تحصیل کرد و در اصول آموزش و پرورش صاحب نظر شد. در مورد انگیزه او به معلمی می گویند، آن زمان سه روزنامه در ایران منتشر می شد که هر سه در خارج از ایران به چاپ می رسید. در یکی از



احمد اشرفی زاده

بدون تردید رشدیه یکی از بنیان بزرگ آموزش و پرورش امروز و بنیان گذار مدارس جدید در ایران است. او در سال ۱۲۲۹ شمسی در تبریز و در یک خانواده روحانی پا به عرصه وجود گذاشت. تحصیلات ابتدایی را در محضر پدر خود فرا گرفت و به سلک روحانیت در آمد. حاج میرزا حسن تبریزی (رشدیه)، در سن ۲۲ سالگی پیش نماز مسجدی شد. روزی در بالای منبر وعظ می کرد و از حرام بودن اطاعت از حاکم ظالم سخن می گفت؛ قضا را مظفرالدین میرزا (ولیعهد) که از شکار بر می گشت برای ادای نماز وارد مسجد شد به محض ورود وی، میرزا حسن ولیعهد را اعدل ناس معرفی نموده مردم را به اطاعت از حضرت والا ترغیب کرد.

سخن به پایان رسید، ولیعهد رفت و مردم متفرق شدند، او در بین راه به خود آمد و با

مطلب جدید

مطلب جدید

رخد ادهای دردناک اخیر جنوب بیروت (لبنان) و پاریس (فرانسه) متعاقب وقایع مشابه در برخی کشورهامانند عراق، سوریه، افغانستان، نیجریه، لیبی، یمن و… موضوع افراط گرایی را به یکی از معضلات عصر ماتبدیل کرده است. اما افراط گرایی منحصر به آن وقایع نیست وقتی یک نامزد مطرح ریاست جمهوری در امریکا سخن از وضع قانونی برای جلوگیری از ورود مسلمانان به آن کشور می نماید نشان از خوی افراطی به مراتب خطرناکتری دارد. افراط گرایی با عدم تحمل دیگران اعم از غیر هم کیش و نژاد و غیر همفکر در شکل های مختلف شروع می شود اما تد اوام آن به رفتار هائی منجر می گردد که برای کل جامعه انسانی تهدیدی جدی است. این نوشتار با تلاش در اشکار سازی مشترکات رفتاری افراط گرایان امیدوار است در همه کانونهای جامعه انسانی اعم از خانواده، مدرسه، دانشگاه، احزاب، مجالس و… فرهنگ تحمل، منطق و گفتگو بر خشونت و افراط گرایی چیره گردد.

افراط گرایی

هر چند افراطگرایی پدیده جدیدی نیست اما صورت نوین آن از دهه ۱۹۸۰ میلادی و متعاقب اشغال افغانستان توسط شوروی سابق ظهور نموده است. ظاهر آردوگاه غرب که تمایلی به رویاروئی مستقیم با همتای شرقی نداشت، برای جلوگیری از گسترش نفوذ آنها تر جیح داد گروه هائی از افراد متعصب ساخته و با حمایت وسیع مالی و تسلیحاتی، آنها را به جنگ ظاهر آیدئولوژیک با حکومت منصوب شوروی در افغانستان گسیل نماید.

القاعده و طالبان که مسلح به سلاح های غربی و ایدئولوژی افراطی و هابیت بودند بعنوان شاخص ترین آن گروهها توانستند حکومت رادر افغانستان بدست بگیرند. اما آنها که تعهدی به آرمانهای واقعی ملت مسلمان افغان نداشتند و پیروزی در چنین نبردی به مذاقشان خوش آمده بود به فکر توسعه فتوحات و مطرح کردن بیشتر خود افتادند. اولین گام که ضمناً به آنها امکان رفع اتهام از دست نشاندگی امریکارا می داد و نیز افراطیون بیشماری را از سراسر جهان جذبشان می نمود طراحی حملات یازدهم سپتامبر بود که سر آغاز تحولات عظیمی در عصر ما گردید. تقابل های بعدی و لشگر کشی های امریکانه تنها کمکی به حل موضوع نکرد بلکه نبرد ظاهر اُصد امپریالیستی –ایدئولوژیکی سبب جذب افراد بیشتری به این گروه هاشد و طعم خوش پیروزی ها حتی منجر به تشکیل گروه های مشابه جدید گردید. اما فارغ از علل موسس، افراط گرایی اغلب با رفتار هائی مانند: ۱) عدم رواداری به دیدگاه های غیر خودی و ۲) بی حرمتی نسبت به زندگی، آزادی و حقوق انسانی دیگران در راه کسب اهداف سیاسی همراه است.

داشتن دیدگاه رادیکال فی النفسه امر مذمومی نیست به شرط آنکه باشیوه ای منطقی و معقول و فارغ از جزم اندیشی بیان شود. باید توجه داشت که روش معقول در دفاع از آرمان هائی که در پیوستار سیاسی یک جامعه، مواضع حاشیه ای محسوب می شوند بیان مسائلی است که جریان غالب به راحتی از کنار آنها می گذرد و در این حد، حتی لازمه دمو کراسی

سیدحسین غزالی

است. در حالی که افراط گرایی نتیجه عکس داشته و مانع درک مسائل مهم شده و از این طریق به فرآیند انتخاب هوشمندانه و آگاهانه لطمه می زند. این نکته نیز باید یادآوری شود که افراط گرایی منحصر به هیچ یک از بخش های پیوستار سیاسی جامعه نیست و در هر قسمتی از آن اعم از چپ، راست و میانه می تواند وجودداشته باشد. اما آنچه از خود افراط گرایی خطرناک تر است فقدان قدرت تحمل دیگران است. برای آشنائی بیشتر با روش های مورد استفاده افراط گرایان و نیز ارزیابی رفتارها به تعدادی از مشترکات رفتاری گروه های افراط گرا اشاره می شود:

۱.خشونت طلبی؛

فقدان منطق یا عجز از توضیح و همراه ساختن مردم و نیاز به فضای ناامن و متشنج برای امکان حیات موجب می گردد که این جماعت خشونت را وسیله اصلی رسیدن به اهداف خود قرار دهند و گاهی چنان در این روش غرق می شوند که عملاً خشونت تبدیل به راهبرد می گردد. چنانچه برخی از این گروه ها پس از کسب قدرت سیاسی نیز به همان روش ها عمل می کنند.

۲.برچسب زدن؛

افراط گرایان بجای ارائه دلایل و شواهد موید مدعای خود، به مخالفین انگه های مختلفی مانند مزدور بیگانه، برانداز، منحرف، فاسد، بی بصیرت، جاسوس، بدعت گذار و… می زنند. این روش حتی برای مقابله با جریانهای مشابه (مانند تقابل داعش با القاعده) نیز مورد استفاده قرار می گیرد.

۳.قیاس های غیر منطقی؛

گاهی اوقات وجود یک شباهت کوچک بهانه ای برای تعمیم کلی برای افراط گرایان است، مثلاً اگر یک جمله از یک سخنرانی طرف مقابل شبیه گفتار کسی باشد که در جامعه دشمن محسوب می شود بلافاصله با تعمیم تمامی مواضع او سعی می شود وی را به طرفداری از دشمن متهم کرد یا اگر موضعی مورد تمجید یک دشمن خارجی قرار بگیرد تمامی رفتارهای وی از این دست معرفی و همه مواضع و

رفتارهای او را زیر سوال می برند.

۴.هویت یابی از ضد خود؛

افراط گرایان اغلب بجای معرفی و توضیح برنامه و دیدگاه خود، از اینکه دشمنانشان چه کسانی هستند برای خود هویت می تراشند.

۵. ترور شخصیتی؛

افراطیون بجای نقد اصولی مواضع حریف به شخصیت او حمله می کنند و با برجسته کردن نکاتی مانند دلبستگی های قبلی، سوابق و امثال آن سعی می کنند اذهان عمومی را منحرف نمایند

۶.داشتن معیار های دوگانه؛

بسیاری از افراطیون خودشان را معیار ارزیابی درست از غلط می دانند. لذا رفتاری را که خود انجام می دهند با انتساب به نیت خیر خواهانه خوب جلوه می دهند اما اگر همان رفتار از دیگران سر بزند آن را محکوم می نمایند.

۷.قائل شدن امتیازات ویژه برای خود؛

افراط گراها همه تربیون هارابرای خود می خواهند و با برهم زدن اجتماعات و رسانه های غیر همفکر خود، سعی می کنند از رسیدن صداهای "دیگر" به گوش هواداران خود و سایر مردم جلوگیری نمایند. آنها به دنبال افرادی مطیع و مقلد و نه متفکر و اندیشمند هستند.

۸.سطحی نگری؛

با ارائه شواهد ساده و ذکر تمثیل و سوابق تاریخی و بدون توجه به محتوای حقیقی مدعا در مورد آن مبالغه می کنند.استناد به یک رخداد خاص و یا نقل یک عبارت از رهبری مقبول، بدون در نظر گرفتن بقیه مطالب و شرایط آن، از خصایص این گروههاست. بطور کلی دلایل مورد استناد آنها عموماً نقلی است.

۹.نگرش تمامیت خواهانه؛

افراط گراها همه چیز را سیاه و سفید می بینند و وانمود می کنند هر کس با آنها نیست حتماً بر علیه آنهاست، لذا از نظر آنها، مخالفین حق اظهار نظر و در برخی مواقع حتی حق حیات هم ندارند.

۱۰.استفاده گسترده از انواع شعارها و

جمله های قالبی؛

شعارهای ساده جای اندیشه های پیچیده رادر نزد افراطیون می گیرد تا ذهن هواداران عامی را کور کنند. تخریب اماکن تاریخی و میراث تمدنی گذشتگان با شعار مبارزه بابت پرستی از این دست است.

۱۱.توجیه وسیله توسط هدف؛

اغلب افراطیون هدف خود را مقدس جلوه می دهند لذا استفاده از هر وسیله ای برای رسیدن به آن را توجیه می کنند. توجیه تجاوزهای وحشیانه به زنان و دختران و اعزام آنها به جبهه های نبرد نمونه ای از این گونه رفتارهاست. این در حالی است که دین مورد ادعای این جماعت توسل به هر وسیله ای را حتی در امور واجبی مانند عبادات و تامین معاش خانواده رمی کند یعنی در همه این امور رعایت اصول پایه مانند کسب حلال و … الزامی است.

۱۱.ارعاب؛

ارعاب فیزیکی و معنوی یکی دیگر از ابزارهای افراطیون برای کنار زدن حریفان است. بارها صحنه های دلخراش گردن زدن افراد بیگناه و یا گروگان گیری کودکان و دختران را بوسیله این گروهها شاهد بوده ایم.

استفاده از واکنش های عاطفی هواداران، شرور خواندن مخالفان و رفتار هائی از این دست نیز در زمره کنش های مشترک افراط گرایان هستند.

–لذا در مقابله با افراط گرایی باید توجه داشت که:

۱.انسان ها دارای حرمت یکسانی هستند. فردی که در یک کشور محروم قربانی رفتار تروریستی می شود با کسی که در اروپا یا امریکای شمالی هدف چنین حملاتی قرار می گیرد تفاوتی ندارد و اتفاقاً اگر جامعه انسانی به رفتارهای خشونت بار در کشورهای توسعه نیافته حساسیت نشان می داد بهتر می توانست از اشاعه رفتارهای خشونت طلبانه جلوگیری نماید ضمن آنکه مردم این کشورها می توانستند به ادعاهای حقوق بشری آنها اعتماد بیشتری پیدا کنند. اما متأسفانه تبعیضات موجود در واکنش به اقدامات تروریستی، چنانچه در رخدادهای اخیر نیز شاهد

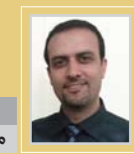
بودیم، سبب کم اثر شدن آنها شده است.

۲.رفتارهای افراطی چنانچه مدام شاهد بوده ایم منحصر به گروه خاصی نیست، لذا انتساب آن به پیروان یک مذهب یا افراد یک جامعه یا نژاد و جنسیت خاص، چنانچه در رفتار برخی از سیاستمداران افراطی کشورهای مدعی مبارزه با ترور یسم مشاهده می شود کشاندن دوباره جهان به ورطه تبعیضات نژادی و جنگهای تمدنی و مذهبی است که جامعه انسانی برای بیرون آمدن از آن هزینه های گزافی پرداخت کرده است.

۳.به یاد داشته باشیم که امر مذموم با فعل سنجیده می شود نا با فاعل . یعنی اگر رفتار خشونت گرایانه، افراط گرایی و ترور امر نکوهیده ای است، تفاوتی ندارد که چه کسی آن را انجام دهد. بدین ترتیب نمی توان در بر خورد با چنین گروه هائی از روش های خود آنها استفاده کرد. کشتن و ترور حتی تروریستها سبب حذف این جریان ها نمی شوند، بلکه برای مقابله با چنین گروه هائی باید منابع اصلی حمایتهای سیاسی و مالی و عوامل اصلی پیدایش را شناسائی و رفع نمود.

۴.نباید فراموش کرد که حتی یک شخص عاقل، در دست کار و خوش طینت هم ممکن است گاهی به برخی از این ویژگی هامتوسل شود. مثلاً زمانی که احساساتی قوی درباره برخی مسائل دارد که باعث هیجان زدگی او می شود، ولی در عین حال هم نباید فراموش کرد که احترام به شعور، واقعیت ها و نیت خیر نسبت به دیگران را باید حفظ کنیم. با این تفاوت که ویژگی های ذکر شده بخش مستمر و مستقر تفکر افراط گراهاست.

نهایتاً حقیقت هر مسئله، نه در شیوه طرح مباحث توجیه گر آن، بلکه متکی بر شواهدی است که در تأیید یا نقص آن وجود دارد. بدین ترتیب زیر سوال بردن یک مسئله به صرف آنکه افراط گرایان از آن دفاع می کنند نفی چشم بسته آن است فقط به این دلیل که فردی فاقد صلاحیت از آن دفاع می کند. لذا بهتر است با مورد ملاحظه قرار دادن دلایل و شواهد حتی در مقابله با افراطیون از رفتار افراط گرایانه پرهیز نمود.



تهیه و تنظیم محمد رونقی

خامنه از شهرهای زیبای شهرستان شبستر و در ۹ کیلومتری غرب آن در دامنه سرسبز کوه میشو واقع شده و بوسیله بلوار باصفایی به جاده اصلی شبستر-سلماس وصل می‌شود. این شهرداری مردمی فهیم و روشن فکر بوده و از تمام امکانات فرهنگی، بهداشتی، رفاهی و خدماتی برخوردار است. در قسمت غربی خامنه در باغچه مصفایی ده

چنار خامنه

اصله درخت چنار قد برافراشته و گردشگران رابه سوی خود می‌خواند چنار بزرگ با عمر ۱۵۰۰ ساله در مظهرقناتی به این نام قرار گرفته و جزء آثار ملی به ثبت رسیده است. قطر این درخت در محل تماس با زمین ۴ متر و ۱۵ سانتی متر و ارتفاع آن ۱۰ متر است اگر ۴ نفر دستهایشان را بهم دهند بزحمت چنار را بغل می‌گیرند. به سبب وقوع حوادث طبیعی از جمله صاعقه چندین بار دچار آتش سوزی شده و حفره‌ای در تنه آن بوجود آمده که ۳ نفر براحتی در آن

در اینجا ایاتتی از شعر زیبای شاعر بنام خامنه عبدالکریم منظوری را که در مورد چنار سروده زینت بخش مطالب بالا می‌نمائیم.
من چینارم اوزون - اوزون زاماندان
کوک سالمیشام معلوم دئیل هاچاندان
گوژل خامنه دیاریندا یاشارام
سینه گریب، تاریخن سۆز آچارام
اؤزوم قوجا آغارمیش، چال باشیم وار
یارپاغیمین ساینندان چوخ یاشیم وار
مین بئش یؤز ایل بوردا عؤمور سورموشم
حادثه لر قاباغیندا دورموشام
اوزون زامان کئچیب منیم یاشیمدان
چوخ توفانلار گلیب کئچیب باشیمدان

جاذبه‌های گردشگری

جامی گیرند چنار دومی که جوانتر بوده و احتمالاً از ریشه چنار اولی رویده در فاصله ۳۰ متری و در کنار مسجدی به این نام که از زمان قاجاریه به جامانده قرار دارد. قطر آن ۳ متر و ارتفاعش در حدود ۲۵ متر است و از تمام نقاط خامنه قابل رویت می‌باشد. عمر چنار دومی را ۷۰۰ سال تخمین می‌زنند این دو چنار را می‌توان جزئی از فرهنگ خامنه قلمداد کرد و در عرض سالیان چندین داستان درباره آنها نقل و چندین قطعه شعر در این باره سروده شده است.

بو اولکه ده یاشیب مودریک بابالار
یاشا دولوب شیرین دیلی بالالار
خوش یاشاردیم دؤرد بیر یانیم باغ ایدی
باشیم اوستو اوچا بو یوک داغ ایدی
میشوو داغی آته بینده یئریم وار
آلنی آچیق، گوژل شانلی ائلیم وار
دده قورقود نغمه سیله بوی آتدیم
جوانلیغی یامان یئرده قوجاتدیم
آدیم کریم "منظوری" دیر شوهرتیم
ائل ایچینده وار دیر منیم حورمتیم
بو سؤزلری دئدیم چینار دلیندن
شرف تاپار هر کیمسه اؤز ائلیندن



جاذبه‌های گردشگری

کول تپه



حسن مرادزاده شهردار بندر شرفخانه

کهن ترین آثار باقی مانده از ساکنان باستانی « منطقه گونسی»، «کول تپه ها» هستند. که در سراسر منطقه، بویژه در کنار دریاچه ارومیه در امتداد جاده ابریشم گسترده اند. با توجه به اینکه کشاورزان در دهه های گذشته از خاکسترهای آنها سالهای متمادی برای کود دادن زمین های کشاورزی باغات و مزارع خود استفاده کرده اند، برخی از این تپه ها بکلی از بین رفته اند. در بین اهالی محل، این تپه ها به آتشکده های زرتشتیان معروف هستند. در تعدادی از شهرها و روستاهای شهرستان از این کول تپه ها وجود دارد. بزرگترین کول تپه منطقه در نزدیک روستای قره تپه در نزدیکی شهر تسوج قرار دارد.

در مورد علت پیدایش این تپه ها سه نظر عمده وجود دارد. برخی از باستان شناسان و مورخین بر این عقیده اند که این تپه ها و خاکسترها بقایای آتشکده های دوره زرتشتیان هستند و برخی معتقدند آریاییان مزدایرست در اوایل مهاجرت به ایران قبل از ظهور زرتشت مانند هم تباران هندی خود اجساد را در جایگاه مخصوص با فراهم آوردن چوب و هیزم های زیادی می سوزاندند و این «کول تپه ها» بقایای خاکستر همان چوبها و هیزم های انبوه است. بر اساس سنت ما قبل زرتشتی برای سوزاندن جسد، مقدار زیادی هیزم جمع می کردند و جسد را روی آن قرار می دادند بعد از آتش زدن جسد برای زندگی پس از مرگ متوفا ظروف سفالی یا فلزی و سایر اشیاء وی را در میان خاکسترها و نزدیک جسد می گذاشتند و برای سوزاندن جسد بعدی مقداری خاک نرم روی خاکسترهای قبلی می ریختند و به روش فوق ادامه می دادند تا اینکه به مرور زمان تپه های بلندی از خاکستر و زغال، استخوان و خاک بوجود می آمد. برخی نیز

معتقدند این تپه ها، علامتی بوده است که موقع بروز جنگ یا وقوع حادثه مهم باروشن کردن آتش بر روی این تپه ها خبر را به مرکز می رساندند. در ضلع جنوب غربی شهر بندر شرفخانه با فاصله حدود ۱۵۰ متر از منازل مسکونی در میان باغات آثار و بقایای یک «کول تپه» بزرگ وجود دارد. بنا بر نقل معمرین شهر، این تپه حدود یک هکتار مساحت و ۵۰ متر ارتفاع داشته است ولی متأسفانه در دهه های گذشته کشاورزان خاکسترهای آن را به عنوان کود به مزارع و باغ های خود برده و امروزه این تپه بزرگ در ضلع شمالی، شرقی و غربی فقط دو متر و در ضلع جنوبی حدود ۱۰ متر ارتفاع دارد و در اثر برداشت خاکسترها در وسط آن گودالی در ابعاد ۲۵*۲۰ و عمق ۶ متر ایجاد شده است. کشاورزان نقل می کنند که موقع کندن و بردن خاکسترها مقدار زیادی انواع استخوان انسان و تکه های ظروف سفالی، طلا و نقره در میان آنها پیدا می شد.

دیواره های این کول تپه به ترتیب از لایه های زغال، خاکستر و استخوان و خاک رس تشکیل شده است و تکه های ظروف سفالی زیادی نیز در میان لایه ها و محوطه وجود دارد و ابعاد بقایای آن در حدود ۱۵۰*۱۲۰ می باشد. علت مقاومت و عدم فرسایش این تپه ها در مقابل باد و باران وجود زغال و استخوان و سفال در لایه های آن است.

یکی از معمرین بندر شرفخانه نقل می کرد که در حدود سال ۱۳۱۲ (ش.ه) موقعی که مادانش آموز بودیم معلم، هر کلاس را هفته ای دو ساعت

به کنار این کول تپه می برد و با پخش یک موزیک از گرامافون ما را تشویق می کرد تا گل های سفید جمع کنیم و هر کس گل سفید بیشتری جمع می کرد به او یک مداد جایزه می داد و ما این گل ها را از میان خاک های تپه جمع می کردیم و از آنها برای نوشتن بر روی تخته سیاه استفاده می کردیم و در روی تپه و دیواره های آن هزاران پرنده «زنبور خوار» و «اورموقله سی» (نوعی زاغ کوچک آبی رنگ) لانه داشتند. امروزه هر از چند گاهی سارقان عتیقه حفاری های غیر مجازی در اطراف این تپه انجام می دهند. این منطقه در بین اهالی محل به «تپه کوچلری» معروف است. علاوه بر کول تپه فوق یک کول تپه هم در ضلع شمالی جاده اصلی شبستر به تسوج در سه راهی ورودی بندر شرفخانه به مساحت حدود ۶۰۰ متر وجود داشت که کشاورزان طی سالیان متمادی آن را به عنوان کود به زمینهای کشاورزی خود برده و امروزه هیچ اثری از آن باقی نمانده است و اکنون نیز این محل در بین عموم مردم به «تپه یری» (زمین تپه) معروف است. در سال ۱۳۸۴ (ش.ه) زمین فوق توسط شهرداری در زمان مسئولیت بنده (نگارنده) تملک و به پارک تبدیل شد و پارک مسافر نام گذاری گردید. در زمان تسطیح زمین فوق انواع ظروف سفالی، استخوان و دیواره تنورهای قدیمی پیدا شده است. لازم است با تحقیقات علمی و حفاری های باستانشناسی ماهیت دقیق تر این تپه ها روشن تر شود.



وایقان



دکتر حسن امین لو

وایقان یکی از آبادی‌های بزرگ و تاریخی منطقه ارونق و انزاب (شبه‌ستر) است. وجود چند اثر تاریخی از جمله سرستون سنگی که در اراضی آغاچی پیدا شده و چندین مجسمه قوچ که در آبادی‌های آذربایجان از دوره حکومت "آق قویونلوها" باقیمانده است نشانه‌های بارزی بر قدمت این آبادی است.

در اسناد تاریخی، قدیمی‌ترین سندی که تا کنون دیده‌ام و نام وایقان در آن وجود دارد کتاب زهت القلوب است. مؤلف این کتاب فرد دانشمند و جهانگردی به نام حمدالله مستوفی است. این کتاب که به شکل سفرنامه می‌باشد در زمان حکومت ایلخانیان (احفاد چنگیز مغول) اواخر قرن هفتم هجری به رشته تحریر درآمده است.

ایشان در کتاب زهت القلوب ص ۹۰ چاپ تهران ۱۳۳۶ شمسی شرح سفر خود را به تبریز و حومه آن بیان می‌کند. ضمن بیان اینکه تبریز هفت ناحیت دارد در مورد ارونق چنین می‌نویسد:

"چهارم ناحیت ارونق در غرب شهر است" آغازش سه فرسنگی شهر است تا پانزده فرسنگی و عرضش پنج فرسنگ باشد و حاصل نیکو دارد از غله و انگور و میوه و مدار تبریز بر ارتفاع آنجا باشد و سی پاره دیه است و اکثر معظم که هر یک قصبه ایست چون سیس، شبستر، وایقان، کوزه کنان، صوفیان و غیره. از این عبارت حمدالله مستوفی چنین استنباط می‌شود که وایقان در قرن هفتم هجری آبادی بزرگ و مهمی بوده است.

سند قدیمی دیگری که نام وایقان در آن ذکر شده است وقنامه ربع رشیدی است. که در اوایل قرن هشتم هجری توسط مورخ و طبیب دانشمند و شخصیت بزرگ خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی وزیر اعظم غازان خان از پادشاهان ایلخانیان تدوین گردیده است. در وقنامه فوق‌الذکر نام وایقان در چند جا آمده است یکی دیگر از اسناد تاریخی که در مورد وایقان وجود دارد و دال بر قدمت آن است کتاب روایات الجنان و جنات الجنان می‌باشد. این کتاب که یک مزارنامه است توسط حافظ حسین کربلایی متوفی به سال ۹۸۸ هجری قمری نوشته شده است. از جمله عرفایی که مزار و شرح حال آن در این کتاب وجود دارد بابا فرج وایقانی است. مطابق آنچه که در این کتاب آمده بابا فرج در وایقان می‌زیسته و از شاگردان و مریدان شیخ شهاب‌الدین محمود اهری تبریزی بوده است با توجه به اینکه شیخ شهاب‌الدین در سال ۵۸۰ هجری قمری متولد و در سال ۶۶۵ هجری قمری وفات یافته پس تاریخ تولد بابا فرج احتمالاً بین سالهای ۶۰۰ تا ۶۳۰ هجری قمری بوده است. این تاریخ از تاریخ تحریر وقنامه ربع رشیدی و حتی تاریخ حمله مغول به ایران نیز قدیمی تر است. ایشان هم تراز با شیخ جمال‌الدین تبریزی شاگرد شیخ شهاب‌الدین اهری بوده است. شیخ جمال‌الدین استاد شیخ زاهد گیلانی و او نیز استاد شیخ صفی‌الدین اردبیلی مؤسس سلسله صفویه می‌باشد. مقبره بابا فرج وایقانی تا سال ۱۳۳۸ هجری شمسی باقی بود. در سالهای اخیر بقعه کوچکی برایش ساخته اند.

وجه تسمیه وایقان:

در مورد وجه تسمیه وایقان روایات مختلفی وجود دارد. یکی از آنها که بین اهالی و مخصوصاً قدما وجود دارد این است که در

محل وایقان کنونی قبلاً شهری بوده که نام آن "آغاچی شهر" بوده است. در زمان حمله مغول به ایران یادر یک جنگ یادرگیری دیگری که قتل و کشتار زیادی در این شهر بوجود آمده و خون جاری شده است. مردم از ترس و وحشت زیاد فریاد برآورده اند که "وای! قان (خون)!" و از آن به بعد نام این آبادی ار آغاچی به وایقان تغییر یافته است. اگر این نظریه را بپذیریم می‌توانیم بگوییم که بنای این شهر توسط یکی از کارگزاران یکی از پادشاهان نهاده شده است. چون آغاچی عنوان سمتی بوده که در دربار سلاطین، صاحبان این عناوین، نامه‌ها و پیامهای محرمانه را به شاه می‌رسانند و در واقع محرم اسرار سلطان بودند.

در تأیید این نظر می‌گویند قناتی در شرق وایقان به نام "آغاچی" وجود داشت که تا این اواخر آب در آن جاری بود. اراضی وسیعی در محدوده قنات مزبور وجود داشت که به نام "اراضی آغاچی" مشهور بود. اعتقاد دارند که این اسامی باقیمانده‌ای از نام آغاچی شهر است. در این اراضی گاهی آثاری از بقایای خانه‌ها یافت می‌شود. در چند سال گذشته یک پایه ستون سنگی نیز در این منطقه پیدا شده است. شاید اگر کاوشهای باستانشناسی انجام گیرد آثار دیگری نیز یافت شود.

ضمناً در نزدیکی منطقه مزبور (حدوداً در ۳ کیلومتری وایقان کنونی) تپه‌ای به نام "تپه حسنلو" وجود دارد که در واقع بقایای یک آتشکده است. تا چند سال پیش که زراعت در وایقان رونق داشت از خاکسترهای این تپه برای تقویت اراضی کشاورزی استفاده می‌شد. گاهی نیز بقایایی از اشیاء تاریخی در آن پیدا می‌شد. بدیهی است وجود یک آتشکده در محلی بیانگر یک شهر یا آبادی بزرگ در حوالی آن است که آن آبادی می‌تواند همان

آغاچی شهر باشد.

مطالب فوق گرچه تا حدی مؤید نظریه فوق‌الذکر است ولی در مقابل این نظریه دلایلی وجود دارد که نافی نظر فوق است و آن را مردود می‌سازد.

نظریه دیگر در مورد وجه تسمیه وایقان این است که وایقان از ترکیب دو واژه "وای" و "گان" تشکیل شده است. در مورد واژه "وای" در لغتنامه برهان قاطع این گونه آمده است "وای بر وزن لای، چاهی را گویند که زینه پایها بر آن ساخته باشند تا باسانی بته رفته آب بردارند. واژه "گان" نیز که باصور و تلفظ های مختلف از جمله "جان"، "قان"، "قند"، "گند"، "چند"، "گد" در اسامی برخی روستاها و شهرها وجود دارد به معنای آبادی است. اگر این نظریه را بپذیریم، وایقان به معنای آبادی دارای چاه خواهد بود. البته به دلیل وجود قنات‌های متعدد که تا این اواخر هم پرآب بودند و به طرف محلات وایقان، مزارع و باغات جاری بودند این تعبیر زیاد هم بعید به نظر نمی‌رسد. باید بگوییم گرچه این نظریه به نظر پسندیده می‌آید ولی باز حدسی بیشتر نیست و احتمالات دیگر نیز وجود دارد که باید بیشتر تحقیق شود.

موقعیت جغرافیایی وایقان

وایقان در منطقه ارونق، در پنج کیلومتری جنوب شهر شبستر واقع است. فاصله وایقان از تبریز به صورت میانبر کمی بیش از شش فرسنگ یعنی حدود چهل کیلومتر می‌باشد. این راه میانبر پس از عبور از جنوب علیشاه، "قزل دیزج"، رودخانه "آجی چای" و مایان به تبریز می‌رسید. جاده شوسه کم عرضی از جانب شمال غربی پس از عبور از باغات سرسبز شرف‌الدین و قطع نمودن جاده استانبول مشهور به "استانبول جاده سی" و جاده انزاب - شبستر به خامنه و از آنجا نیز به دریان منتهی می‌گردید. وایقان از طرف جنوب نیز با جاده‌ای به روستای سرای واقع در جزیره اسلامی متصل می‌گردید. البته این

سال	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
نفر	۲۷۳۰	۲۹۵۹	۳۹۵۰	۴۳۲۹	۴۱۵۹	۴۰۹۱	۴۲۹۸

جمعیت: جدول ۱ نمایانگر جمعیت وایقان در سرشماری‌های سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰ می‌باشد.

مرحومان مشهدی هاشم قصاب و علی عسگر بافنده را از دست می‌داد مسلماً این تعداد اندکی که از سروده‌های او به دست ما رسیده است از آنها نیز محروم می‌شدیم. خداوند روح همه آنها را شاد فرماید. ضمناً چند بیت شعر نیز از سروده‌های وایقانلی آدم توسط مرحوم میرزا صالح صاحبی در کتاب گردآورده شده مرحوم دکتر زهتابی وجود دارد.

مشاهیر وایقان:

۱- بابا فرج وایقانی: در مورد بابا فرج وایقانی ذیل تاریخچه وایقان به نقل از کتاب روایات الجنان و جنات الجنان شرح داده شد.

۲- وایقانلی آدم (کربلایی آدم وایقانی): از افراد شاخص که حدود یکصد سال قبل در وایقان زندگی می‌کرد می‌توان از "وایقانلی آدم" نام برد. او شاعر خوش قریحه‌ای بود که در سرودن غزل توانایی داشت. متأسفانه سروده‌های خود را بدون نموده تادیوانی از او داشته باشیم. فقط تعدادی از غزلها، دوبیتی‌ها و قطعات شعری از او در حافظه دوستان اران اشعار او باقی مانده بود که در سالهای اخیر توسط دانشگاه تبریز جمع‌آوری گردیده و در جزوه‌ای کوچک با مقدمه مرحوم دکتر محمد تقی زهتابی از اساتید زبان و ادبیات آذری دانشگاه تبریز به چاپ رسیده است. دکتر زهتابی در این مقدمه کوشیده است که شرحی از زندگی این شاعر به دست آورد و اسناد مطالب او در این زمینه بیشتر روایت افرادی مسنی بوده که زمان حیات شاعر را درک نموده بودند، مخصوصاً از زبان مرحوم مشهدی هاشم قصاب و مرحوم علی عسگر بافنده از اهالی شبستر و از ارادتمندان این شاعر مواردی را در یافت و نقل نموده است. ضمناً از زبان این دونفر تعدادی از اشعار شاعر را نیز نقل نموده است. مرحوم دکتر زهتابی خدمت شایانی برای ماندگاری اشعار کربلایی آدم نموده و اگر او فرصت حیات

۳- مرحوم شیخ غلامحسین وایقانی: شیخ غلامحسین وایقانی معروف به «شیخ غلامحسین ترک تبریزی» در سال ۱۲۶۰ شمسی در خانواده‌ای مذهبی در وایقان چشم به جهان گشود. وی در مدرسه طالبیه تبریز به تحصیل پرداخت. در این مقطع، شیخ محمد خیابانی هم حجره وی بود و سید احمد کسروی نیز هم دوره او. تبریزی پس از گذراندن دروس سطح، برای ادامه تحصیل، به حوزه علمیه نجف هجرت نمود و از درس استادان آن جا بهره‌مند شد و برای مقابله با افکار کمونیسم، در میان مردم و جوانان جلسات تفسیر قرآن و سخنرانی راه‌اندازی کرد. وی در سال ۱۳۰۳ اقدام به تأسیس جمعیت دیانتی کرد تا مردم تبریز را در مقابل تبلیغات سوء افرادی که آن‌ها را عوامل بیگانه و روشنفکران غرب‌زده می‌دانست، قدرتمند سازد. وی همچنین نشریه‌ای به نام «تذکرات دیانتی» را چاپ و به شهرهای مختلف ایران می‌فرستاد. در هفدهم دی ۱۳۱۴ که رضا شاه رسماً اعلام کشف حجاب کرد، او در مشهد بود؛ زیرا بعد از قیام مردم و روحانیت تبریز، به مشهد تبعید شده و در همان جا ماندگار گردید. وی در یکی از شبستان‌های مسجد گوهرشاد نماز جماعت اقامه می‌کرد. فردی به نام سینا واحد، نام ۳۱ نفر از عالمانی را که در قیام مردم در مسجد گوهرشاد شرکت داشتند را می‌آورد که نام او نیز جزء آنان است. در

های آجرپزی است که به نام کتابخانه کارگران می باشد. وایقان اولین جایی است در ایران که باهمت اهالی برای کارگران کتابخانه‌ای تأسیس شده است. مؤسس فرهنگی دیگر دارالقرآن است که دارای امکانات بسیار خوبی بوده و کاملاً فعال می باشد. استقبال زیادی برای آموزش قرآن در این مؤسسه وجود دارد.

محللات وایقان:

وایقان دارای نه محله است که نام آن ها به شرح زیر است: ۱- محلهٔ جان احمد ۲- محله مرکید یا مرقیت ۳- محلهٔ گویلو کوچه سی ۴- محلهٔ قیاسلو (قیاسلی) ۵- محلهٔ توتونلوق (توتونیک) ۶- محلهٔ داش کوچه سی ۷- محلهٔ محمودلو (ماهامادی) ۸- محلهٔ شیخلو (ایشیخلی) ۹- محلهٔ پایین (پینه کوچه سی یا حمام کوچه سی)

اقتصاد وایقان:

در زمان سابق وایقان دارای تعداد زیادی چشمه و قنات بود و باداشتن زمینهای وسیع و حاصلخیز کشاورزی در آن بسیار رونق داشت. گندم و محصولات درختی مخصوصاً انگور در آن به وفور تولید می گردید. تولیدات کشاورزی وایقان توسط چارواکارها به شبستر و تبریز حمل می شد. از سال ۱۳۱۲ شمسی صنعت قالیبافی به وایقان آمد و در مدت بسیار کمی سریعاً گسترش یافت. در نتیجه کودکان وایقانی به عوض تحصیل یا اشتغال به کار کشاورزی در کارخانه های قالیبافی مشغول کار شدند. حفر چاههای عمیق و خشکیدن قنوات نیز کشاورزی را بسیار پر هزینه نمود. در نتیجه کار کشاورزی به تدریج از رونق افتاد خشکسالی های بعدی نیز مزید بر علت شد و اقتصاد کشاورزی را به کلی مختل نمود. از نظر دامپروری نیز به علت داشتن مراتع وسیع در جنوب آبادی که وسعت آن تا محال شور کات ادامه داشت وایقان در منطقه شبستر نمونه بود لبنیات وایقان مخصوصاً خامه آن بسیار مشهور بود.

متأسفانه به علت رونق قالیبافی و کم شدن آب و ایجاد تأسیساتی به عنوان میدان تیر که مراتع را از دسترسی دامداران خارج نمود دامپروری نیز روبه زوال رفت و زمانی که محصولات لبنی وایقان علاوه بر اشباع بازار شبستر در بازار تبریز نیز عرضه می شد خود وایقان تبدیل به وارد کننده فرآورده های لبنی شد. از اوایل انقلاب نیز به تدریج کوره های آجرپزی در وایقان رونق یافت. گرچه گسترش کوره ها اقتصاد وایقان را رونق داد ولی به علت مصرف بی رویه خاک خسارات زیادی به بار آورد. رونق کوره ها باعث مهاجرت معکوس گردید و خیلی از افرادی که برای کار به تهران رفته بودند باز به وایقان برگشتند.

بدین ترتیب اقتصاد وایقان تک محصولی شد. در این اواخر با تغییر تکنولوژی در ساختمان سازی نیاز به آجر فشاری کاهش یافته و در نتیجه کوره های آجرپزی به تدریج رونق خود را از دست می دهند. بنابراین مردم وایقان در تکاپوی اشتغال جدید و ممر درآمد دیگری می باشند.



دیوانی قریه وایقان موضوع داند و مطالبه نماید کتاب سعادت اکتساب شرح رقم مبارک ثبت دفاتر خلود ساخته از تغییر و تبدیل بری و مصون دانند و در عهده شناسند. تحریر فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۴۳

مدارس و سایر مؤسسات فرهنگی و عمومی:

اولین مدرسه در وایقان با کمک مردم و استخدام معلم خصوصی در یک خانه استیجاری در سال ۱۳۱۲ شمسی تأسیس گردید. ولی متأسفانه با مخالفت‌هایی روبرو شد. بنابراین به زودی تعطیل شد. در سال ۱۳۲۵ که در دیزج خلیل روستای همجوار وایقان مدرسه تأسیس گردید دانش آموزان وایقانی نیز به روستای مزبور می رفتند. در سال ۱۳۳۰ مرحوم ابراهیمی دریانی در زمین اهدایی مرحوم رحیم ناصری مدرسه ای بنا نمود اینجانب جزو اولین دانش آموزان این مدرسه هستم و اولین مدیر این مدرسه مرحوم میر اسماعیل ساداتیان بود. مدرسه دیگری به نام مدرسه وحدت در سال ۱۳۴۵ شمسی مقارن با جشن ۲۵۰۰ ساله و با همین عنوان برای دختران تأسیس گردید در سالهای اول انقلاب مدرسه راهنمایی و در سال ۱۳۶۲ دو مدرسه ابتدایی برای دختران و پسران به نام های احرار و ابرار تأسیس گردید و حدود ده سال قبل مرحوم حاج نجف بیاضیان ساختمان دبیرستان دیگری نمود بنابراین در حال حاضر شش باب مدرسه در وایقان وجود دارد و دختران و پسران تا آخر متوسطه می توانند در خود وایقان به تحصیل بپردازند.

در وایقان دو کتابخانه عمومی وجود دارد که یکی از آن ها در کنار کوره

عنوان کوه جهت تقویت اراضی خود استفاده می کردند و گاهی اشیایی نیز از آن یافت می شد. باید یاد آور شوم نظیر این تپه در اطراف دریاچه ارومیه در جاهای مختلف وجود دارد و احتمالاً باقیمانده ای از آتشکده های زرتشتیان است. چون آذربایجان مهد زرتشت پیامبر می باشد. از این تپه در وقفنامه ربع رشیدی به نام تپه سنقریان نام برده شده است. سنقریان در حدود قرن هشتم هجری در آذربایجان حکومت می کردند.

اسناد تاریخی:

اسناد تاریخی زیادی از زمانهای قدیم مخصوصاً فرامینی توسط شاهان قاجار باقیمانده است که اینجانب آن ها را در کتاب «وایقان و خاطرات من» آورده ام فقط در اینجا جهت پرهیز از اطاله مطلب یک مورد را به عنوان نمونه می آورم و برای بقیه موارد خواننده علاقمند را به کتاب مزبور ارجاع می دهم. سند زیر توسط عباس میرزا ولیعهد فتحعلیشاه صادر شده است. وی این فرمان را زمانی که به جنگ باروسها می رفت و در آن زمان چند روزی در وایقان بوده و بسیار از وایقانیها محبت دیده، صادر نموده است.

فرمان عباس میرزا پسر ولیعهد فتحعلیشاه قاجار:

متن فرمان: فرمان به خط نستعلیق بسیار زیاده در هفت خط نوشته شده و به شرح زیر است.

آنکه امسال موبک مسعود والا از وایقان ارونق عبور می کرد در ذهاب و ایاب نوعی ارادت و صداقت و دعاگویی از اهالی آنجا بدیم که از هیچ رعیت آذربایجان ندیدیم آنها خدمت کردند و شکر نعمت نمودند ما هم مرحمت فرمودیم و بر نعمت افزودیم مبلغ چهار صد و پنجاه تومان در هذه السنه میمونه سیچقان ثیل و ما بعدها از متوجهات دیوانی قریه مزبور را که نهصد و پنجاه تومان است بتخفیف و تصدق دائمی مقرر داشتیم که هر ساله پانصد تومان بدیوان بدهند و زیاده ندهند و آن چهار صد و پنجاه تومان را بتخفیف دائمی رعایای قریه مزبوره مرحمت فرموده ایم بسرائه و خانه شمار و سایر وجوهات بقسط و عدل تقسیم بکنند که هر یک از افراد و رعایای آنجا حصهٔ خود را درست ببرد و حیف و میل نباشد مقرر آنکه مباشر امور دیوانی محال ارونق وجه مزبور را هر ساله بموجب همین رقم مطاع بتخفیف معمول داشته از متوجهات

▼ مجسمه قوچ



▼ سر ستون سنگی



▼ حمام عمومی



مشهد شاخه ای از فدائیان اسلام تشکیل گردید که در رأس آن غلامحسین تبریزی قرار داشت. وی نشریه «خداپرستی» را به درخواست اعضای این حزب به زبان ساده منتشر کرد.

او اقامه نماز جمعه را واجب می دانست؛ به همین جهت از سال ۱۳۲۸ تا اوایل سال ۱۳۵۹ در مسجد گوهر شاد، نماز جمعه اقامه می کرد. وی در تبریز و مشهد عصرهای جمعه برای مردم، تفسیر قرآن می گفت و سالیان متمادی در منزل خود، خارج اصول و سطح را تدریس می نمود. وی علاوه بر مجموعه نشریه های «تذکرات دیانتی»، «راحت»، «ندای حق»، «خداپرستی»، حدود هفتاد جلد کتاب به نگارش در آورده است. وی در سال ۱۳۵۹ در مشهد دار فانی را وداع گفت.

آثار تاریخی:

۱- **درونی عمومی:** این حمام بیش از دوست سال قدمت دارد. قسمت بیرونی حمام همان بنای اولیه داشته و سقف آن دارای یک گنبد بزرگ و نسبتاً مرتفع است. قیمت درونی حمام در سال ۱۳۳۹ شمسی باز سازی شده و از حالت خزینه به صورت دوش درآمده است. از این حمام به خوبی نگهداری می شود و هنوز هم مورد استفاده است حتی از آبادیهای اطراف مراجعینی دارد.

۲- **سرسون سنگی:** این سرستون از اراضی آغچه چندین سال قبل از زیر خاک کشف شد که نشانه ای از وجود بنای بزرگ در این قسمت از وایقان می باشد. در حال حاضر در منطقه آغچه فقط باغ و اراضی کشاورزی وجود دارد.

۳- **مجسمه دو عدد قوچ:** مجسمه قوچ ها در آبادیهای آذربایجان یادگاری از دوران حکومت آق قویونلو هاست که در سده هشتم هجری حکومت می کردند. دو تا از این مجسمه ها هم در وایقان وجود دارد.

۴- **سنگ سیاه معروف به سنگ کرچک:** در زمان سابق چراغهایی بود که سوخت آن روغن کرچک بود. سنگ خارا ای سیاهی در وایقان وجود داشت که از آن برای گرفتن روغن کرچک استفاده می شد.

۵- **تپه حسنلو:** این تپه در قسمت جنوب شرقی وایقان قرار دارد. و جنس آن از خاکستر است. تا چند سال پیش کشاورزان وایقانی از خاکستر آنجا به



آشنائی با زبان مادری (۴)



اکبر صالحی "قاداش"

در عرصه‌ی زبان‌شناسی، گرامر (دیل قورولوشو)، لغتنامه (سۆزلوک)، لهجه و گویش محلی، متون، فولکلور و سایر مواردی که همه در چهار چوب آشنایی با زبان مادری می‌کنند، قصد تجزیه و تحلیل و کنکاش نداریم. چرا که کتابهای فراوانی در زمینه‌های فوق است. از دیوان اللغات الترتک محمود کاشغری مربوط به هزار سال پیش گرفته تا سنگلاخ سیدمهدی استرآبادی و ایضاحی لغت بهزاد بهزادی و دهها اثر دیگر در زمینه‌ی لغت و دهها اثر بی بدیل دیگر مانند محاکمه اللغتين امیرعلی شیرنویسی در دسترس است. و هم‌اینک از سوی محققان زبان آذربایجان تورکجه‌سی، این زبان از منظرهای مختلف از جمله اتیمولوژی، لئکسیکولوژی، فراژنولوژی، هرمنوتیک و... بررسی گردیده و در حال بررسی است.

قصد ما در این درسنامه‌ها در حد بضاعت شکل دادن به تجربه‌های شخصی و گاه گروهی دوستانی است که دوست دارند به زبان مادریشان یعنی "آذربایجان تورکجه‌سی" بخوانند و بنویسند. به هر دلیل علی‌رغم وجود اصل پانزده قانون اساسی، که دهها سال از تصویب آن می‌گذرد، هنوز حتی از آموزش الفبای زبان مادریشان در مدارس محرومند. امیدواریم وعده‌ی مساعد امسال مسئولان محترم در این زمینه به بار نشیند. لذا اجبارا هر کس در صدد است به طریقی گلیم خود را از آب بیرون بکشد. و احساسات و اندیشه‌های خود را به طریقی روی کاغذ بیاورد. این عزیزان در این امر با مشکلات عدیده‌ای روبرو هستند.

برای مثال به املاء غلط و سلیقه‌ای

کلمات زیر با الفبای عربی - ترکی دقت کنید:

Dedi - deyl - qaranlıq - evimiz

دَدی (گفت): ددی، دیدی، ددی / دَدی (نیست): ده ییل، دییل، دگیل، دگول / قارانلیق (تاریکی): قرنئیخ، قرندیریخ، قرنقولوق، قاراندوروخ، قارانلوق، قرنلوق / ائومیز (خانه‌مان): ائممیز، اؤمموز، اموز، اومیز، امیز، اووموز و س... و سخت‌تر آنکه بخواهیم، زبان مادری را به وسیله‌ی زبان دیگری آموزش بدهیم که شاید خیلی بی‌شبهت به دمیدن شیپور از طرف گشادش نباشد.

هر چند در این امر اجباری نیست، ولی از آنجا که بسیاری از دوستان در خواندن متون به زبان مادریشان سختی میکشند، اجبارا با زبان رسمی به آموزش زبان مادری آذربایجان تورکجه‌سی پرداختیم. در هر صورت در تلاش خواهیم بود در شکل دهی اورتوگرافی و املائی صحیح عزیزانی

که میخواهند، درست بنویسند، سهیم باشیم. در این درسنامه‌ها اولویت به سه چیز داده شده است:

۱- آموزش آن دسته از قوانین گرامری که موجب میشوند درست بنویسیم. همانگونه که قانون هماهنگی اصوات (سس اویوشومو) که قائده‌ی گرامری بسیار مهم "آذربایجان تورکجه‌سی" است، مد نظر قرار گرفت.

۲- حد المقذور فونوتیک (به شکلی که کلمات تلفظ میشوند) بنویسیم. برای مثال به کلمات وارد شده‌ی زیر از زبان عربی، به زبان مادریمان دقت کنیم. مُلک (سرزمین)، مَلک (فرشته)، مَلک (پادشاه) این سه کلمه در زبان "آذربایجان تورکجه‌سی" به ترتیب به اشکال زیر درمی‌آید: مولک، ملک، ملیک. این گرافیک نوشتاری یا اورتوگرافی زمانی اهمیت دوچندان خود را باز می‌یابد که به این کلمات اک (پسوندها، شکلیچی) افزوده شود. به مثالهای زیر دقت کنیم: مولک + م = مولکوم / ملک + یم = مله ییم / ملیک + یم = ملیکیم

Mülk+üm= mülküm/mələk+im= mələyim/
məlik+im=məlikim

۳- در نوشتارمان شکل و فرم ادبی کلمات مد نظر قرار گیرد. در ابتدا شکل ادبی کلمه‌ی "دئیل" را به همراه برخی از اشکال محاوره‌ای اش مثال آوردیم:

به اشکال محاوره‌ای و شکل ادبی کلمات زیر نگاه کنیم و به خاطر بسپاریم:

بوندان (از این - شکل ادبی): بوندان، بوننان، موندان، موننان bundan

بونلار (آنها - شکل ادبی): بونلار، بوننار، بولار bunlar

سود (شیر - شکل ادبی): سوت sūd

سورت (بمال - شکل ادبی): سوت sūrt

قاناد (بال - شکل ادب): قانات qanad

بولود (ابر - شکل ادبی): بولوت bulud

شاید به نظر بعضی از دوستان قدری ثقیل بیاید که چگونه "سوت" به شکل "سورت" باید نوشته شود. برای پذیرش آن راه بسیار آسانی وجود دارد و آن در نظر آوردن "قوهوم سۆزلر" (کلمات هم‌خانواده) میباشد. سور، سورتومه، سورت و کلماتی که از ریشه‌های "سور" و "سورو" و "سورت" پدید آمده‌اند با هم مجموعه‌ی "قوهوم سۆزلر" را تشکیل میدهند. توضیح لازم است که الف: بن فعل امر ریشه به حساب می‌آید.

وبن "سورو" از بن "سور" پدید آمده است. سور (به ران) از مصدر سورمک (راندن) / سورو (سُر بده) از مصدر سورومک / سورت (معادل فارسی ندارد) از مصدر سورومتک.

سورت، مخفف فعل امر و بن سورت میباشد. از جمله کلمه‌های وارد شده به فارسی هم از این بن مشتق میشود. سُرتمه در فارسی همان کلمه‌ی "سورتومه" در آذربایجان تورکجه‌سی میباشد. شاید به همین بهانه بد نباشد که به املائی کلمات دخیل به آذربایجان تورکجه‌سی بپردازیم.

کلمات وارد شده از زبانهای دیگر در هر زبانی از قواعد زبان میزبان تبعیت میکنند. برای مثال کلمه‌ی سُرتمه در فارسی که از زبان مادری ما گرفته شده است، به درستی طبق قواعد زبان فارسی نوشته میشود، نه تورکی، که در تورکی سورتومه میباشد. و کلمات بیشتر دیگری چون قرمه، سُرمه، بُشقاب، قاشق، قاتیق، سِرَتق و... که شکل نوشتار آنها در آذربایجان تورکجه‌سی به اشکال زیر میباشد: قاویرما، سورمه، بوشقاب، قاشیق، قاتیق، سیرتیق و ...

Qavırma, sürmə, boşqab,
...qaşiq, qatıq, sırtıq və

همینطور است کلمات پذیرفته شده از زبانهای از جمله عربی و فارسی در آذربایجان تورکجه‌سی. اشتباه است اگر بخواهیم خود را مجاب بدانیم که ریشه و یا شکل کلمات را آنگونه که در سایر زبانهاست در زبان میزبان که در اینجا منظور آذربایجان تورکجه‌سی میباشد حفظ کنیم. به مثالهای زیر توجه نمائیم:

عاغیل (عقل)، ناغیل (نقل)، ظرافات (ضرافت)، انداز (اندازه)، نیاران (نگران) و ... و اما قبلا همانگونه که "سس اویوشومو" (آهنگ قانون، قانون هماهنگی اصوات) پرداخته شده است، بخش دیگری از آن قانون را در این شماره پی میگیریم. قبلا حروف صدا دار را به دو بخش اینجه و قالین تقسیم کرده و اهمیت آن را با ذکر نمونه‌هایی یاد گرفته بودیم. اینک همان حروف صدا دار را از زاویه‌ای دیگر به دو قسمت تقسیم میکنیم. حروف صدا دار که هنگام ادای آن حروف لبها گرد میشوند "دوداقلانان" و گروهی که در مورد آن حروف این اتفاق نمی‌افتد، "دوداقلانمایان" نامیده میشوند.

دوداقلانان:

Uu-Üü-Oo-Öö

دوداقلانمایان:

Aa- Əə-Ee-İi-İı

به این کلمه‌ها و چگونگی اک (شکلیچی، پسوند) گرفتشان دقت کنیم:

سورگون، دوشگون / پوزغون، توتقون / آزگین، کسکین / آزغین، ساتقین

Sürgün(sür+gün),

düşkün(düş+kün) /

pozğun(poz+ğun),

(tutqun(tut+qun

),

əzgin(əz+gin),

kəskin(kəs+kin) /

azğın(az+ğın),

(satqın(sat+qın

همانگونه که می‌بینید برای درک بهتر معادلهای آوایی لاتین داده شده است. اگر

دقت کنیم، حرف صدا دار "اک" لر (پسوند کلمات) علاوه بر رعایت توالی حروف صدا دار "اینجه" یا "قالین" سسلی لر (حروف صدا دار)، رعایت "دوداقلانان" و "دوداقلانمایان" سسلی لر را هم کرده اند.

بدین ترتیب، تحریر کلمات زیر به شکلی که ابتدانشان داده میشود غلط است و شکل صحیح آنها داخل پارانتز داده شده است:

دردوق، دردوخ (دردیک) / قاشدوخ، قاچدوق (قاچدیق) / گلدوک، گلدوخ (گلدیک) / دولقین، دولغین (دولغون) / اوستین (اوستون) / یوردیم (یوردوم) / قازدوم (قازدیم)

امیدواریم زبان مادری ما که یکی از زبانهای مهم زنده و باقاعده‌ی دنیاست، در کنار زبان رسمی میهن عزیزمان از پایه تدریس شود. و از آنجا که زبان در حقیقت اندیشه است نه آرایش مکانیکی کلمات بتوانیم اندیشه‌ها مان را با هم به زبان مادری مان هم به اشتراک بگذاریم. چرا که چندی پیش در کنار مادرم بودم و برنامه‌ای ظاهرا به زبان آذربایجان تورکجه‌سی از صدا و سیمای پخش میشد.

صحبت هافنی نبود، ولی مادرم سردر نمی‌آورد و معنی آن را از من می‌پرسید. مادرم وقتی فعل "اولدو" (شد) را میشنید، به من میگفت: نه اولدو؟ (چی شد؟) چون از یک جمله‌ی طول و دراز فقط اولدورا میفهمید و بس. زبان میراث گذشتگان است. همانگونه که وظیفه‌ی خود میدانیم، اینیه‌ی تاریخی و منابع طبیعی به ارث مانده از پدرانمان را حفظ کنیم و غنا بخشیم، باید زبان مادریمان را که به مادر ک و فهم عمیقی از حال و گذشته میدهد بیاموزیم و در رشد و شکوفایی اش سهیم باشیم.

سَر چه لره خیطاب

(شعریندن نئچه پارچ شېستری علی معجز)

بو مؤولری سن اکمیس، و یا ددن حرامزادا؟
حلال اولوب منیم مالیم، سنه نه دن حرامزادا؟

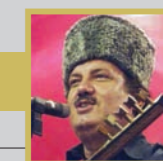
همینکی چیخدی گون گلر، سپاه - سرچه جنییشه
حرامی زاده لر بوتون، هوجوم ائدر له کیشمیشه
او کیشمیشی من اکمیشم، بیئه م و ساخالایام قیشه
مگر بو مؤولرین کۆکون، سن اکمیسن حرامزادا؟

باهار فصلی وئرمیشم، ناهارین عصریانه سین
بئش آلتی فعله توتمیشام، دوزلادیب آرخ و بانه سین
و هر بیر یی یکی قیران، آلیب آچیپ کمانه سین
و وئرمیشم بئمک اونا، بئش اون تومن حرامزادا

او گون کی، خلیلی به گیله دوشه ر شرارت ائیلیسن
سپاه - بی شماریله، خیامی غارت ائیلیسن
هر ایشده انگلیس کیمی، نه چون دخالت ائیلیسن؟
ائدر قضا قانادیوی، پرن - پرن حرامزادا

ائدر له حمله کیشمیشه، شاهانی یا تبرزه یه
بیر آز دا قوی قالا بیزه، یئیرسن هاممیسین نییه
زاواللی سالخیمی نئجه، سوخوم میان - توربییه
اوزوم نئجه دیری - دیری، گئیبه کفن حرامزادا؟

سیچان دا چوخ ضرر وورار، و لیک نصف لیل تار
حیالی دیر او سرچه ی شرور دن هزار بار
او خلوتی گونا ائدر، نه مثل - سرچه آشکار
خدادن ایستیرم، شیل اول، کور اول، دیله ن حرامزادا



کپه نک (گرایلی)

آشیق احد علیشاهلی

شمع اودونا یانان سن، سن!
ائل اودونا یانان من، من!
گول - چیچکلردن شهد آمه ن
قانادیندا خال کپه نک
"احد" دوشوب دیلدن دیله
گۆزوم یاشی دۆنوب سئله
یولون دوشسه بیزیم ائله
منی خبر آل کپه نک

سن گوللرین همدمی سن
گولون اوسته قال کپه نک
چیچکلر اوسته بیر به بیر
قاناد آچیپ، چال کپه نک
طبیعت سویون ایچرسن
باغدان باغلارا کئچرسن
قیزیل گوللردن چکرسن -
شهد، شکر، بال کپه نک

سایین شاعیر، یازیچی، شیخ محمود شېستری ادبی انجمنی نین دبیری،
جناب داور زمانخانی، "پیام شېستر" درگی سینین تحریره هئیتینه بیر کیتاب
پای وئره رک، بئله یازمیشدی:

بسمه تعالی، اهدایی به هئیت محترم تحریریه فصلنامه ی "پیام
شېستر" که الحق پنجره ایست به روشنائی و آگاهی! دست مریزاد
عزیزان، خدا پشت و پناهتان!

دبیر انجمن ادبی شیخ محمود شېستری: داور زمانخانی شېستر:
۹۴/۹/۵

پیام شېستر فصلنامه سی بو گۆزل ایشی آلقیشلایراق، موبارک اولسون
دئییب، آشاغیدا گلن یازینی تقدیم ائدیر:

"چکامه گونئی" شئعر مجموعہ سی (۱)

شېستر شهرستانی نین ارشاد اداره سی، شیخ محمود شېستری انجمنی نین
امکداشلیغی ایله "چکامه ی گونئی" ادلی بیرینجی شئعر و بیوقیرافی
توپلوسونو یایینلادی.

بو توپلونون سۆز باشلانقچی شېسترین ارشادینین حؤرمتلی باشچی سی جناب
ابوالفضل اللهوئردیان - ین طرفیندن یئترینجه تواضوعکارلیقلایلمیشدی.
آردینجا دوغولو شاعیر عباسعلی دهقان "درزی" انجمنین مسئولو باش سۆزو
دوام ائتدیرندن سونرا، جناب داور زمانخانی "دۆنمز" شاعیر، یازیچی، آشیق
قشم یکی کیتابی نین توپلاییی سی و انجمنین باش یازاری، گیریش ایله
شاعیر لر حاقدا تانیتم لارا و شئراؤرک لرینه یول آچمیشلار.

بو توپلودا سیرا ایله دئسه ک آشاغیدا سادالادیغیمیز شاعیر و قلم بییه لریندن آد
آپاریلیب، بیوقیرافی یازیلیب و شئراؤرکلری وئرلییدیر. عباسعلی دهقان "
درزی"، داور زمانخانی "دۆنمز"، رحمتلیک مناف مرحمتی خامنه، محمد لزگی
پور "لزگی"، صادق شناور "آغلار"، بهروز اسراری "ائلدار"، آشیق یعقوب
چوپانیان "بینیسیلی یعقوب"، علی نوشادی شېستری، محمد رضارسولی، محمد
ابراهیم نیک رفتار خامنه، قربان جلالی، هاشم نظامی حضرت، اللهقلی امیری
سیسی "یانار"، سید بیوک ممدوحی، اسدالله ره نورد، مقصود آذر دیزجی، باقر
موحدشندی، علی علیزاده، جوادخوش نیت "عاشق حقیقت"، ابراهیم
غفاری "آشفته"، مهدی فرشته سندی، احمد نوجهانی "سائل"، محمد باقر پور
حسینی، محمد ابراهیمی "سؤنمز"، علی موسی زاده "ناقب"، سعیده آقاپور،
مهسالا اللهوئردی زاده، مینا اللهوئردی زاده، محمد علی نقابی، آشیق احد ملکی
علیشاه و نیمایوسف زاده. "پیام شېستر" - ین گلن ساپلاریندا، بوتون
عزیزلریمیزین یارادجیلیقلاریندان، اؤرنک وئره جه بیک. آنجاق بوسایی دا،
اولو آشیق قشمین یکی لیاقتلی ساز - سۆز داوامچی لاریندان یکی شئعر
کتیربریک"



آنا - قیز

آی منیم نازلی قیزیم
سئومه لی دوزلوقیزیم
گۆزومون آغ - قاراسی
اوره بیمین پاراسی
قونومدا بسله میشم
سنه لایلی دئمیشم:
"لایلی دئدیم اوجادان
سسین گلین باجدان
آللاه سنی قوروسون
چیچک دن قیزیلجادان"
بؤیوبوب بوی آتیبسان
آدینی اوجادیبسان
گۆزل لرین گۆزلی
شؤوقیله تویون توتوب،
دیله بیمه چاتمیشام
ایندی قوجا چاغیمدا
لاپ اولوم آیاغیندا
سنه نئجه سۆزوم وار:
"داغلارباشی توتون دور
کیمین باغری بوتون دور
اثشیت اورک سۆزونو
دونیا اولوم ایتیم دیر"

بایرام گونلری (دیوانی گۆز لئمه سی)

قیش قور تاردی، خبر اولسون ائله بایرام گونلری
جمع گۆزلرلر شانه وورار تئله بایرام گونلری
قار اریبه ر قوزئی لرده سویو دولار چایلارا
دریالار دا اینتیظار دیر سئله بایرام گونلری

گلدی بایرام شئیدا بولبول غونچه نی یاد ائيله دی
سس سالدی بوتون ماحالا ائللری شاد ائيله دی
آدقلی لار توی باشلابیب، خانه بونیا ائيله دی
تازا گلین شال باغلابیب، بئله بایرام گونلری

محمد رضا رونقی (قاینار)



کپه نک لر

سر کندیزه دن: محمد فداکار "سلیم اوغلو"

شام یانماددیر، سیز ده ائدین ناز کپه نک لر
بیر از دا دۆزون کلمه ده دیر یاز کپه نک لر
یاز گلسه آچار گولریمیز باغجا - باغدا
بونندان سورا گوللر ده سارالماز کپه نک لر
گولشن گوله جک، ائل گوله جک، سیز ده گولرسیز
ائل شنلییی نه سیز ده چالین ساز کپه نک لر
آزاد یاشایان ائل سانا تاریخده چینار دیر
قالماز طولومون بوچوسو چارپاز کپه نک لر
اؤیرن میشیدیزهانس گولون خوش نفسیدن،
دونیانای آیاقلیب، کئچه سیز واز کپه نک لر؟
سیز خوش یاشادیز، تانری وئرن عشقه سیغیندیز
سئوگی بئجه ریب ائيله دیز اعجاز کپه نک لر
آزاد یاشادیز آز یاشادیز بخته ور اولدوز
دوز یولدا یانار شئعده لامپاز کپه نک لر
شاد قالمالی سیز خوشلوق ایله باغلی لیغیز وار
سیز له گله جک بولبوله آواز کپه نک لر
سئیرانا چیخاندا "سلیم اوغلو" یاد ائدر سیز
قویسایدی اجل، عؤمرو قالیب آز کپه نک لر



بینیسیلی یعقوب

اوچ آی قیشی اوجا داغلار آغ گئییب باشدان باشا
سونا کهلیک قاققیدلاییب، قونوبدور داشدان داشا
طبیعتین قورغوسودور، اوچ آی قیش چاتیپ باشا
اوجا داغلار حسرت چکیر یئله بایرام گونلری

گلدی باهارین نسیمی خبر اولسون بولبوله
یا یلاقلاردا آچار لاله، سارماشجاق گول - گوله
"بینیسیلی یعقوب" آرزوی لیر ائلر شاد اولوب، گوله
عاشیق اولان میضراب وورا تئله بایرام گونلری

چىللە نغمە لىرى: «گولوم گل نغمە سى»



ابوالفضل موحد

فولكلور^۱، اينسانلار يىن حياتى نىن معنوى ثروتى و اونلار يىن كىچمىش دوشونجه لىرىن گوزگوسودور. شفاهى خالىق ادبىياتى هله يازىدان و يازىلى ادبىياتدان داها چوخ-چوخ اؤنجه بارانمىشدير و بونا گۆره ده اونون قابارىق^۲ ايزلىرى ادبىياتدا اوزونه يتر اچمىشدير *

بوگونوموزده، فولكلور و بىغماق، اوپىر نىمك و عىلمى آراشديرىپ و تىق ائلمه سى هر بىر جمعيتىن حياتىندا واجىب مسئله يه چئورىلىيدىر.

عىلمى تىققاتدا اىستفاده اولونان فولكلور ماتىريال لارى، اساسن «سؤيلنجه»^۳، ناغىل و داستان متن لىرىن عىبارت دىر.

مىف و اوسطوره نىن تعريفىنده بئله دئىمك اولار: «اينسانلار دانىشيب، قونوشماغى اؤيرىدىي گوندىن يتر اوزونده ياشامىن توره نىشى حاققىندا، طبيعت اولايلىرى، آلاهلار، روجلار و افسانه وى قهرمانلار حاققىندا، اينسانلار يىن ان قديم دوشونوش و اينانچىلار يىن ان يارانان روايتلر.»^۴

اساطير و ميفولوژونون نظرى مسئله لىرىن ده هر شئى دن اول بىز كىچمىش اينسانلار يىن دونيا گۆروشلىرى^۵ و دونيادان نىجه دوشونوندى و كلرى حاقدا تانىش

اولوروق .

مىف و اوسطوره يه گنىش معنادا حىكمت دئىمك اولار. چون ابتدائى اينسانلار يىن، داورانىش^۶ يىنى، اخلاقىنى تنظيم ائيله يىن قانون و قايدالار مجموعه سىدير.

مىف دار معنادا بىر سؤزدور. بو سؤزون سىمبوللارى آلتىندا چوخلو اعتقادلار، اينانچلار، مىفك دوشونمه قابىلىتى گىزلىير.

آشاغىدا، بىر اؤته رى باخىشدا بىر نىچه چىللە نغمە سى و اونلار يىن اوسطوره وى آلامى، گۆز قاباغىنا گىتيرىلىيدىر.

نوروزاهله ۹۰ گون قالمىش، يعنى قىش يىن بؤيوك چىللە سى نىن گىرمه سىله باغلى، چىللە شىن لىك لىرى كىچىرلىپ، موختلىف نغمە لىر اوخوناردى. بعضى يترلرده بو مراسىم لره «چىللە كسىدى»، «چىللە» و ائله جه ده «چىللە دن چىخما» نغمە لىرى دئىلردى.

كىچمىش دوشونجه ده، قىش؛ چىللە لره و بوز آيى^۷ نابؤلونردى. اينسانلار يىن خيال و تصورونده كى، قىش يىن بىر چوخ اوبراز^۸ لارىنا موناسىب و موختلىف

مراسىملر قورولاردى. بوگون بىز بو خصوصىت و اونلار باغلى اينانچ و دوشونجه لىرى فولكلوروموزدا ياشايان چىللە نغمە لىرىن ده گۆره بىله رىك، مثلىن، «گولوم گل» نغمە سىنده، «قار»، آغ اؤرپك^۹ شكىلىنده ترنوم ائدىلىير.

آغ اؤرپه بىم تولوم^{۱۰} گل آى آغ گولوم، گولوم گل اكنىمىن يورغانى قارا كلين درمانى

آغ اؤرپه بىم تولوم گل آى آغ گولوم، گولوم گل «گولوم» بىر سىرا مراسىم نغمە لىرىنده، اسطوره وى و آلت قاتلارردا

ساخلانان بىر شخصىت و اىلاهة كىمى دىر كى، اينسانلار «بوللوق و برىك» گىتيرىر. مثلىن: باشقا بىر چىللە نغمە سىنده اونون نه ايش گۆره جه يى (فونكسىونو) بئله اچىقلانير:

« گىجه يارى گلين باجى جىك جىككه جىككه لندى: قورخو دوردو قصدىمه

قلىنچ چكىدى اوستومه اود- اوجاغىمى سؤندوردو اوزون مىندن دوندردى؛ «گولوم» گلىدى، كؤسؤو^{۱۱} لىرى اودلا دى؛ «گولوم» گلىدى، اوجاغىمى خودلا دى.»

چىللە لره باغلى نغمە لرده، چىللە دؤورونده كى، هاوادان سؤز اچىلىير. شاخ تانىن شىدت لنمه سىندن دانىشيلاراق، اينسانلا اونون بوى - بوخونو، گوجو و عمومىتنله اىچهرى عالمى حاققىندا سؤز گىدير. بو مراسىم لرده بؤيوك چىللە نغمە لىرى گؤزل سىسلىرله اوخونولور. گؤزل سىسلىرله اوخوماق اوندان اؤترو دور كى، بؤيوك چىللە اينسانا چوخ زىان وور مور. بو مسئله كىچىك چىللە ده عكسىنه دىر:

«بؤيوك چىللە بويوبىر بئله (اللرله ايشاره اوزونلوقا) گلىدى ائله گوله، گوله آغ گولونوده گؤستردى

آل^{۱۲} گولونوده گؤستردى، نه، نه مى داغلاتدى! نه، بىر اوشاغى آغلاتدى! تاي قويدوم كروانىنا تايلى اولسون! پاي قويدوم خورجونونا؛ پايلى اولسون!

بؤيوك چىللە نىن شخصى لندىرلىمىش شخصىتى نىن، عكسى اولاراق؛ كىچىك چىللە داها سرت و سويوق طبيعت لى و امان سىز دىر. اونا گۆره ده « كىچىك چىللە بويو بىر بئله، (اللرله ايشاره اولاراق قىسالىغا)

هيككه^{۱۳} سى وار بىر بئله، (اللرله ايشاره انلى اولماغىنا) گلىشى اولدو «هاى» - ينان، گىدىشى اولدو «واى» - ينان اىنده قىرمانچ^{۱۴}



بى نوشت

۱- فولكلور (folklore): خالقين كىچمىش يىن شفاهى فرهنگ و ادبىياتى

۲- قابارىق: بر جسته

۳- سؤيلنجه: اسطوره، افسانه myth,mif

۴- دكتور م.ع. فرزانه- فولكلور بدىعى ادبىيات ترمىن لىرىن اچىقلاما (ال يازما) ص ۱۳۷

۵- دونيا گۆروشو: جهان بىنى

۶- داورانىش: ياشايش طرزى

۷- بوز آى- بهمن آيى منظوردى.

۸- اوبراز: خصوصىت و شخصىت

۹- آغ اورپك: آغ رنگيده اوست اورتوك، گلينين آغ لباسى

۱۰- تول / دول: تور؛ گلينين پرده اور توبى

۱۱- كؤسؤو: اود ايشدىرماق اوچون كؤر- كؤس

۱۲- آل: قىر مىزى

۱۳- هيككه: ان؛ قالىنىق

۱۴- قىرمانچ: قامچى - چوبوق باشىنا باغلانان گون شاللاق

قوشون قيزيل سويو ايله يازمالي سوزلري

سؤيلهين: رحمت ليک لطيفه آرامي (رحمت ليک محمد علي صابري نين حيات يولداشي)

يازان: اکبر صالحی "قاداش"

بالالاريم، بير گون ياز گونلرينده، ياغيش ياغيب، تازا اچميشدى؛ گول-چيچک قوخوسو هريانى توموشدو. گون بولود آلتيندان چيخيب، قارى ننه ده ايشينى اوزالتميشدى. ائله بيزيم بو دوستاقيان آلتيندا، عبدالرحمان داداشين باغيندا، قيزيل گوللرين قوخوسو بولدان كئچه نى كئفلنديريدي. بيزيم ممد علي نى ده عبدالرحمان داداش، دابان سئيرينه، باغا قوناق چاغيرميشدى. ممد علي، بير ايستيكان چاي اچميشدى - ايجمه ميشدى كى، گورور بير گوزل قوش، بو بوداقدان او بوداغا آتيلير. بيزيم ده بو ممد علي نين قوشو قونور او قوشا. قوشون داخبرى خردن بوخ ايدى. ممد علي بوز كونو حاضير لاييب، ايستير اونو توتسون. جانيم سيزه دئسين: ممد علي ده بير ايشه باشلاسا اولدو وار، دؤندو يوخدور! دوشور قوشون داليسيجا. قوش اوچور، او قاچير! قوش اوچور او قاچير! باغ اشير، ديوار دير ماشير. بوروق - بوروق كوچه لرى دولاشير، گلير يئتيشير بيزيم بو كبلايى نين باغينا. قوش قونور بادام

آغاجينين اوستونه. ديمد بييني قويور قانادينين آلتينا، ايسته بير هوشه گنديب، بير آز دنجلسين. ممد علي نين اوره يى تؤوشه بيردى. دا ياندى كى، قوش بونون اوره بينين تاپيلىتى سينا اور كوب قاچماسين. سونرا ياواش - ياواش گندير قاباغا، بوز كونو بيردن آتير قوشون اوستونه. قوش اوزونه گلينجه، باخير گورور كى، ممد علي نين اوووجوندا دير. چابالماق - زاد كار كسمير. تارى طرفيندن آدام ديلى ايله قوش، باشلايير دانيشماغا. قوش چوخ يالوارير - ديل توكور، ممد علي آز ائشيدير. ان - سونو ممد علي دئيبير: - بيلمير سن كى، هارادان سنين دالينجا دوشوب، گليب، سنى بورادا توموشام. قوش سوروشور: - ايسته بير سن منيم باشيما نه كتيره سن؟ ممد علي دئيبير: - گور ك نئجه اولور دا!! هله چوخ فيكيير لشمه ميشم. آنجاق من بيله نى، يئمه لى اتين واردير. بلكه ده باشيني اوزوب، سنى كاباب چكيب، يئديم. قوش دئيبير: - منيم اتيتم بير پيشى يى

دويورماز، سنى هارادان دويوراجا قدير؟! گل سنيله بير آل - وئر ائدك! ممد علي دئيبير: - مندن نه آلماق ايسته بير سن، يئرينه ده نه بين واردير كى، منه وئر سن؟ قوش دئدى: - سندن آزادليغيمى پاي ايسته بيرم. يئرينه اوچ سوز پاي وئريرم. ممد علي، قوشون آخماق - آخماق دانيشماغينا قاققا چكيب، گولوب، دئدى: - دئمك پاي پاي وئرير سن! ياخشى، سوزلرينى دئ! درديمه ديه ن اولسا، سنى بوشلارام؛ يوخسا اليمدن قورتولا بيلمز سن! قوش دئدى: - آل - وئر دئيبيلر، بير آدديم سن گوتور، بير آدديم دا من. ممد علي دئدى: - اول سن! دئ گوروم، نئجه ايسته بير سن آل - وئر ائده سن؟! قوش دئدى: - من بيرنجى سوزو دئيبم، سنين اوره ين ياتسا، اوووجونو اچ! اوندا من باشلاييم ايكينجى سوزو دئيبم. خوشان گليب، راضى اولسان، اوچوب، قونوم ديوار اوستونده اوتوروم؛ باشلاييم اوچونجو سوزو دئيبم. نئجه دير؟ ممد علي دوشوندو - داشيندى، بئنينه باتدى. دئدى: - اما ايشده، فير يلدق - مير يلدق اولماسين ها! قوش دئدى: - من كى، سوزلرين ايكي سيني دئيه نه دك سنين الينده يم، نه فير يلدق - مير يلداغى اولاجا قدير؟ اوزون سوزون قيسساسى، قوش ممد علي نى راضى ائله دى. ممد علي دئدى: - ياخشى آي قوش باشلا گور ك، سوز داغار جيغيندا نه لر وار؟ قوش دئدى: - الينه توندوغونو مؤحك م ساخلا، الدن وئر مه! ممد علي دئدى: داها نه؟



قوش دئدى: - داها نه سى يوخدور. بيرنجى سوز ائله او ايدى كى، ائشيتدين! ممد علي دئدى: - والسلاه او سوز بير قيرانا ديمه زدى. ياخشى، ايكينجى سيني دئ گور ك! اودا بونا تاي اولسا، لاپ هئچ زاد! قوش دئدى: - ايلقار يميرى يئرينه كتيريب، اوووجون اچ، من ده ايكينجى سيني گوزل - گوزل سنه دئيبم! ممد علي بير باخدى قوشون اوزونه، بيرده اوز الينه؛ اوز - اوزونه اچيم - اچماييم دئيه، ايجينده چوخ چركيش - بر كيشدن سونرا، الينى اچيب، اچيقلى - اچيقلى قوشا دئدى: - ياخشى او بيرى سوز ماتاهين نه دير، بو يور دئ گور ك! قوش نفس آيب، ممد علي يه ساغ اول - دئدى. سوزونون اوستونده دوردوغونا گوره ساغ اول دئيب، سوزه باشلادى: - اينسان چوخ واقتلار الينده اولانى، اليندن بوشلايير، سونرا باشليير حئييف سيلنمه يه. ياديندا قالسين بير زادى كى، اليندن وئردين گوزون داليسيجا اولوب، حئييف سيلنمه! ممد علي دئدى: - ياخشى ايشه گلمز سوزلريله منى آلدادير سان ها! قوش دئدى: - هله كى، اوچماييشام! ايسته سن او چونجو سوزو ائشيدنه سن، بوراخ اوچوم قونوم ديوار ين اوستونه؛ ايسته مه سنده كى، هله سنين الينده يم! ممد علي اوز - اوزونه دئدى، بو قوش حتمن سوزون لاپ ديه رلي سيني سونا ساخلاييب دير. بلكه ده او چونجو سوزده ائله بو ايكي سوز كيمي ايكي اون شاهى ياديمه يه. اما اولماز كى، بارماق بويدا قوش وعده سينه عمل ائتسين، من يوخ! يوخ اولماز! سونرا اوزونو قوشا توتوب، دئدى: - ياخشى بيزيمكى بيزدن كئچيب، اوچ، اوتور، ديوار ين اوستونده، گور ك او چونجو سوزون نه اولاجا قدير؟! قوش قالخيب، اوچ يول ممد علي نين باشينا دولاناندا سونرا، اوتور دو ديوار ين اوستونده. اوزونو توتوب ممد علي يه دئدى: - ياديندا



قالسين هئجواقت عقله سيغشمايان سوزو اينانما! ممد علي دئدى: - داها!! قوش دئدى: - داها سى يوخدور، سوز قورتاردى. ممد علي او گوزللي كده قوشو اليندن وئر ميشدى، بير زاد داله كتيرمه ميشدى. ايسته دى يولا دوشسون كى، قوش دئدى: - آي كيشى آياق ساخلا سنه بير سوزوم واردير. ممد علي دئدى: - ايسته مز، حتمن ايستير سن منيم عاغليما لوغاز اوخوياسان. قوش دئدى: - سن منى الدن وئر مك ايله، هئچ بيلدين نه يى الدن وئردين؟ ممد علي دوردوغو يئر ده قورويوب، هوروت - هوروت قوشا باخاراق سوروشدو: - نه يى؟ قوش دئدى: منيم چينه دانيمدا بير باتمان لعل - جواهير واردى. بو سوزو ائشيدنده، ممد علي نين ديلى توتولدو. باشلادى قوشو "بوررا - بوررا!" چاغير ماغا. اما قوش الدن گتميشدى. بوررا - بوررا ايله قاييدب گلن دئيلدى. اونونچون حئييف سيلنيب دريندن بير آه چكدى. كور - پئشمان ايسته دى يولا دوشسون، قوش دئدى: - آياق ساخلا! ايسته بير ديم، سنى سيناقدان كئچيريم، گوروم سوزلريمى دوشونوب سن، يادگار قالسين.

يوخسا بوخ! ممد علي اچيقلى - اچيقلى دئدى: - نه سيناغى؟! ائله بير سن قالميشدين منى سيناغا چكه سن! قاييدب، اليمين اوستونده اوتوراجا قسان، بو يور! يوخسا قوى چيخ گئت! بوندا آر تيق دا جينلريمى جوووت ائله مه! قوش دئدى: - آي كيشى، من سنين اوووجوندا يديم. سنه دئمه ديمى توندوغونو بوراخما؟ سنين الين ايجينده دئمه ديم، الدن وئر ديبينه حئييف سيلنمه؟ آخى سنه دئيه ن اولان من ستر چه جن بير قوشام، هارادان منيم چينه دانيمدا بير باتمان لعل - جواهير اولاييلر؟ من دئديم سنين عقلينه نه گليدير؟ سنه دئمه ديم، اولچو - بيچى سيز عقلينه سالماميش بير سوزو اينانما! اوندا ممد علي ائله بيل كى، ايندى جه يوخودان آييلدى! گوردو كى، سوزلر نئجه قيزيل ايله يازيلمالي سوزلر ايدى. ديمديكى بوز كونو باشيندا گوتوروب، ساغ اول - ساغ اول كيمي قوشا تر پتدى، گلدى ائوه. منه دئدى: - لطيفه تنز اول بير تاوا يوغورت قايعاناغى بيشير، اوشاقلارى دا بيع بير يئر كى، بير عؤمور بوشا ياشاسامدا، نئچه دقيقه ده بير قوشدان اوچ سوز اوئير نميشم. او سوزلرى ايستيه بيرم دئيه م كى، قوشدان منه، مندن ده بالالار يما يادگار قالسين.



آب مجازی؛ راهکاری برای مقابله با بحران آب

علیرضا توکلی
دکترای مهندسی آبیاری

اصطلاح آب مجازی اولین بار در دهه ۹۰ میلادی توسط تونی آلن مطرح شد که تعریف آن: مقدار آبی است که کالا یا یک فرآورده کشاورزی در فرآیند تولید، مصرف می کند تا به مرحله تکامل برسد و مقدار آن معادل جمع کل آب مصرفی در مراحل مختلف زنجیره تولید از لحظه شروع تا پایان است. صفت مجازی در این تعریف بدان معناست که بخش عمده آب مصرف شده در فرآیند تولید، در محصول نهایی وجود فیزیکی ندارد و در حقیقت بخش بسیار ناچیزی از آب مصرفی در پایان به عنوان آب واقعی در بافت محصول باقی خواهد ماند. نکته مهم اینکه، صفت مجازی به معنای غیر واقعی نیست، بلکه صریحا باید گفت آب مجازی، آبی کاملا واقعی است؛ برای مثال: آب مجازی مورد نیاز برای تولید یک کیلوگرم گندم به طور متوسط هزار و ۳۰۰ لیتر است. مطالعه ای موردی که سال ۲۰۰۴ در استرالیا انجام شده نشان می دهد میزان آب مجازی برای ساخت یک آپارتمان مسکونی، معادل ۱۵ سال مصرف آب ساکنان آن ساختمان است. مقدار آب مجازی برخی از مواد غذایی و کالاهای مصرفی در جدول یک ارائه شده است.

طریق واردات تامین شوند یا از منابع آب غیر قابل تصفیه در این بخش استفاده شود. این مورد در تمام صنایع دیگر نیز لازم الاجرا است. آب مجازی رابطه عکس با بهره‌وری آب دارد یعنی با افزایش بهره‌وری آب، مقدار آب مجازی در محصول یا کالای مورد نظر کاهش می‌یابد. با توجه به پایین بودن بهره‌وری آب کشاورزی در ایران، مصرف آب مجازی در این بخش بسیار بالاست، بنابراین بهترین راهکار در شرایط موجود، توسعه هرچه بیشتر تجارت آب مجازی است. در واقع کشورهای کم‌آب (همچون ایران) می‌توانند با تجارت آب مجازی و واردات محصولات آب‌بر، مقدار آب مورد نیاز برای تولید آنها را ذخیره کنند. بیشترین حجم تجارت جهانی آب مجازی مربوط به محصولات کشاورزی است و در بین آنها گندم بالاترین میزان را دارد. در جدول شماره دو، ۱۰ کشور اول صادر کننده و وارد کننده آب مجازی خالص در سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۱ میلادی فهرست شده‌اند.

همان طور که از جدول دو مشخص است ایران فقط با ۱۵ میلیارد متر مکعب واردات آب مجازی در رتبه هشتم است و ژاپن که بحران آب ندارد با واردات آب مجازی به میزان ۹۲ میلیارد متر مکعب (یعنی شش برابر واردات ایران که حدود ۷۰ درصد آب تجدید پذیر سالانه ماست) در رتبه نخست قرار دارد. براساس پژوهشی که در سال ۱۳۸۵ روی محصولات غذایی کشور انجام شده است، غلات، حبوبات، خشکبار و دانه‌های روغنی از

لحاظ آب مجازی، محصولاتی پر مصرف و میوه‌ها، سبزی‌ها و محصولات صنعتی، کم مصرف هستند.

در انتها با توجه به این تحقیق و تحقیقات مشابه لازم است:

۱- مسئولان در نگرش خود نسبت به آب مجازی ترتیب اثر داده و بر اصرار یک دهه گذشته در راستای خود کفایی در بعضی محصولات، به ویژه گندم (به عنوان یک محصول پر مصرف که فشار زیادی بر منابع آبی کشور وارد کرده است) خاتمه دهند. برای مثال گندم با سهم ۵۸/۵ درصدی در واردات آب مجازی، بزرگترین محصول وارداتی در سال‌های ۱۳۶۲ الی ۱۳۸۲ بوده است و با وارد کردن ۱۰/۴ میلیون تن گندم در سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۸۲ بیش از ۱۱/۶ میلیارد متر مکعب آب در کشور ذخیره شده است.

۲- در برخی محصولات نیاز است تجارت آب مجازی در بین استان‌ها نیز انجام شود به این صورت که با توجه به شرایط مناسب شمال کشور از نظر منابع آبی، کشت برنج فقط در این منطقه صورت گیرد و وزارت جهاد کشاورزی با تعیین الگوی کشت مناسب هر منطقه، مانع از بحرانی تر شدن منابع آبی شود.

۳- واردات براساس محصولاتی که بیشترین مصرف آب مجازی را دارند تنظیم و در مقابل بر تولید محصولاتی که مصرف آب مجازی کمتری دارند تأکید و نسبت به صادرات آنها اقدام شود.

جدول یک - مقدار آب مجازی برخی از مواد غذایی و کالاهای مصرفی

آب مجازی (لیتر)	کالا یا مواد غذایی	آب مجازی (لیتر)	کالا یا مواد غذایی
۱۳۰۰	یک کیلوگرم گندم	۲۰۰	یک لیوان شیر (۲۰۰ میلی لیتر)
۱۴۰۰	یک کیلوگرم جو	۱۸	یک فنجان چای (۱۲۵ میلی لیتر)
۲۵۰۰	یک قالب پنیر (۵۰۰ گرمی)	۴۰	یک برش نان (۳۰ گرم)
۱۵۰۰۰	یک کیلوگرم گوشت گاو	۱۳۵	یک عدد تخم مرغ (۲۰ گرم)
۴۰۰۰	یک کیلوگرم گوشت مرغ	۲۵	یک عدد سیب زمینی (۱۰۰ گرم)
۳/۶	گوش پاک کن (۰/۳۳ گرم)	۱۰	یک صفحه کاغذ ۴
۱۹۰	یک کیلوگرم پلاستیک	۱۴۰	یک فنجان قهوه (۱۲۵ میلی گرم)
۴۰۰۰۰	یک خودروی مسافرتی (۱۱۰۰۰ کیلوگرم)	۱۳	یک عدد گوجه فرنگی (۷۰ گرم)
۲۲۰۰	یک عدد همبرگر (۱۵۰ گرم)	۷۰	یک عدد سیب (۱۰۰ گرم)
۸۰۰۰	یک جفت کفش چرمی	۱۷۰	یک لیوان آب پرتقال (۲۰۰ میلی لیتر)
۳۳	یک ریز تراشه کامپیوتر (۲ گرم)	۱۹۰	یک لیوان آب سیب (۲۰۰ میلی لیتر)
۴۱۰۰	پیراهن نخی متوسط (۵۰۰ گرم)	۵۰	یک عدد پرتقال (۱۰۰ گرم)

جدول دو - فهرست کشورهای صادر کننده و وارد کننده آب مجازی

رتبه	کشور	مبادله آب مجازی (میلیارد متر مکعب)			کشور	رتبه
		صادرات	واردات	خالص صادرات		
۱	استرالیا	۷۳	۹	۶۴	ژاپن	۹۳
۲	کانادا	۹۵	۳۵	۶۰	ایتالیا	۵۱
۳	آمریکا	۲۲۹	۱۷۶	۵۳	انگلیس	۴۷
۴	آرژانتین	۵۱	۶	۴۵	آلمان	۳۵
۵	برزیل	۶۸	۲۳	۴۵	کره جنوبی	۳۲
۶	ساحل عاج	۳۵	۲	۳۳	مکزیک	۴۹
۷	تایلند	۴۳	۱۵	۲۸	هنگ کنگ	۲۷
۸	هند	۴۳	۱۷	۲۵	ایران	۱۵
۹	غنا	۲۰	۲	۱۸	اسپانیا	۱۴
۱۰	اوکراین	۲۱	۴	۱۷	عربستان	۱۳



کناره در دو طرف محل نصب پرده قرار می گیرد و پرده د کوری را به حالت نیم هلال به دو طرف جمع می کند. استفاده از شرابه علاوه بر کنترل نور و روشنایی جلوه بسیار با شکوهی به مدل پرده می دهد. قاب پرده: یکی دیگر از تزئینات جانبی قاب پرده است که در طرح ها و رنگهای متنوع در بازار وجود دارد. استفاده از قاب پرده نواقص موجود را به بهترین شکل می پوشاند و در زیباتر جلوه دادن یک پرده تأثیر بسزایی دارد. با استفاده از قاب پرده ساده ترین پرده ها نیز جلوه زیبایی پیدامی کند. انواع مختلفی از قاب پرده وجود دارد که هر کس با توجه به فرم پنجره و مدل انتخابی می تواند یکی از آنها را انتخاب کرده و مورد استفاده قرار دهد.

- نصب قاب پرده باریک را برای پرده های بلند بکار نبرید.
- از نصب قاب پهن برای پنجره های کوتاه خودداری کنید.
- برای پهن تر نشان دادن یک پنجره باریک طرح قاب باید دارای خطوط افقی باشد.
- برای باریک نشان دادن یک پنجره طرح قاب باید به صورت عمودی باشد.



مختلف و استاندارد، میله پرده های پشت دری و مینی استیل، انواع پایه ها (دیواری، دیواری اتوماتیک، پایه سقفی، پایه پشت دری، گونبای ۶/۵ و ۱۲/۵ سانتی متری، پایه فنر یا جک، رابط ایستاده، رابط چیقی).
گل میخ: یکی از تزئینات جانبی پرده گل میخ است که برای جمع کردن پرده های د کوری به طرفین پرده استفاده می شود و امکان اتصال پرده و شرابه را فراهم می سازد. گل میخ در انواع مختلف چوبی، پلاستیکی، کریستال و فلزی در بازار وجود دارد و شما می توانید با توجه به طرح و رنگ پرده و میله پرده یکی از آنها را انتخاب کنید. نوع طلایی و نقره ای و سفید آن بیشتر از مدل های دیگر کاربرد دارد و معمولاً " برای هر نوع پرده ای مناسب است. گل میخ را می توان با توجه به مدل پرده در هر کجای دیوار نصب کرد ولی معمولاً آن را در راستای میله پرده و یک متر بالاتر از زمین نصب می کنند. ساختار بعضی از گل میخها طوری است که نیازی به شرابه و یا بند پرده ندارند و پرده های کناری مستقیماً روی آن قرار می گیرند.

یراق آلات: یراق آلات مصارف زیادی جهت تزئینات پرده های د کوری و والانها دارند و پس از بکار رفتن در مدل پرده تأثیر بسزایی بر زیبایی پرده دارد. یراق ها در طرح های مختلفی وجود دارند و شما باید با توجه به هماهنگی و ثابت بودن رنگ آن با پرده یکی از آنها را انتخاب کنید. برای تعیین متر از مورد نیاز هم آن قسمت از لبه را که می خواهید یراق دوزی کنید اندازه زده و ۲۰ سانتی متر اضافه خریداری کنید. دقت کنید که هنگام اتصال یراق به لبه کار و جلوگیری از چین خوردگی آن را آزاد و شل نگه دارید و دو لبه بالا و پایین آن را چرخکاری کنید.

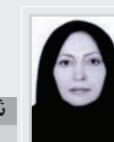
شناخت انواع ریل ها:

ریل های پرده سه دسته هستند. ریل های اتوماتیک دستی، ریل های کارخانه ای، ریل های فیکس
ریل های اتوماتیک دستی: ریل هایی هستند که بعد از نصب در منزل توسط نصاب، لوازم اتوماتیک آن نصب می گردد و ابعاد خاصی ندارد. ریل های کارخانه ای: این نوع ریل ها به اندازه سفارش شده در کارخانه ساخته می شود و جهت نصب آماده می گردد.
ریل های فیکس: ریل هایی هستند که در ابعادی به صورت تاشو آماده می باشد و تا حدودی محدود هستند. بطور مثال اندازه شماره یک آن از ۱/۱۰ سانتی متر تا ۱/۸۰ سانتی متر می باشد و اندازه شماره ۶ آن از ۲/۹۰ تا ۵/۶۰ سانتی متر قابل تنظیم می باشد. از انواع ریل ها می توان به ریل های کروم، فرפוژه، ساده، سوپر اتوماتیک، تیر آهنی و رومن اشاره کرد. انواع ریل های مورد استفاده ریل چوبی، ریل ساده، چوبی مفتول دار، طلایی، شیار دار و طلایی تمام گرد می باشد که این اتوماتیک ها را می توان به صورت برقی یا کنترلی نیز سفارش داد.
بند پرده و شرابه: شرابه ها نوارهای جمع کننده ای هستند که به صورت



آموزش گام به گام پرده دوزی

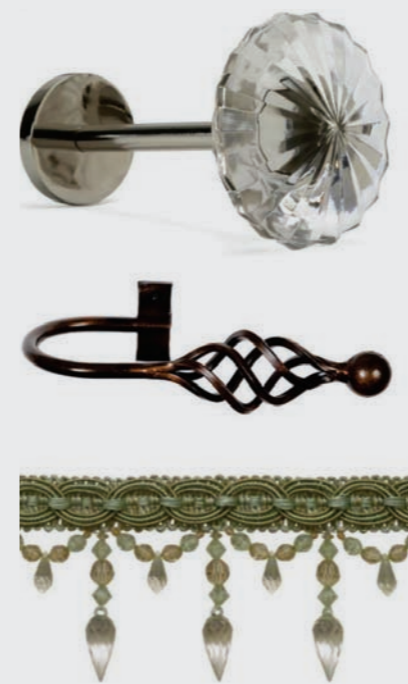
بهترین طرح ها و ایده ها از انواع پرده های د کوری، والانهای دراپه، ترکیبی، ساده، انواع سایبان ها



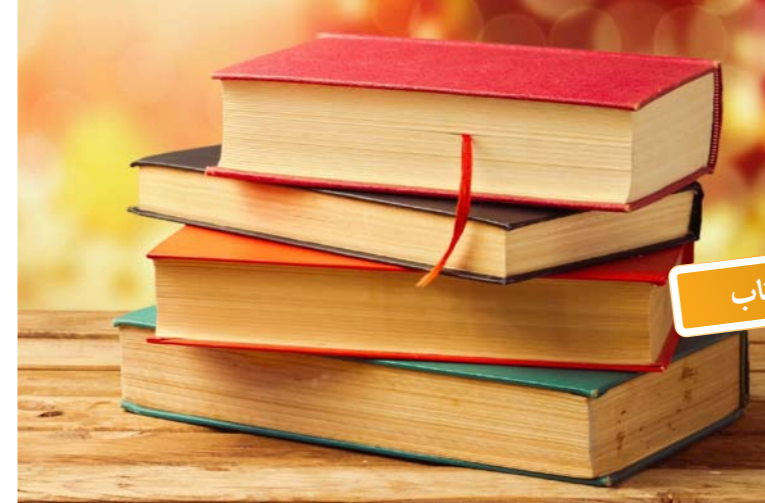
شیدا غلامی

پرده، نوار پرده، گیره پرده، خط کش، کاغذ الگو.

تزئینات جانبی پرده: ریشه های منگوله دار، یراق و شرابه، اسکونس، پرده جمع کن، قاب چوبی، حلقه های چوبی پهن و باریک، سرمه و قیطان، انواع ریل های تزئینی (چوبی، کروم، ریل سوپر، ریل ساده، پشت دری، رومن قابدار، تیر آهنی، بالارو)، انواع گل میخ، (چوبی، فلزی، کریستال، پلاستیک)، رول پلاک، میخ پرچ، دستگاه منگنه، اره آهن بر، متر فنی، پونز، چکش آهنی، چکش پلاستیکی جهت کوبیدن والان، پیچ گوشتی، انواع مته در ساین های



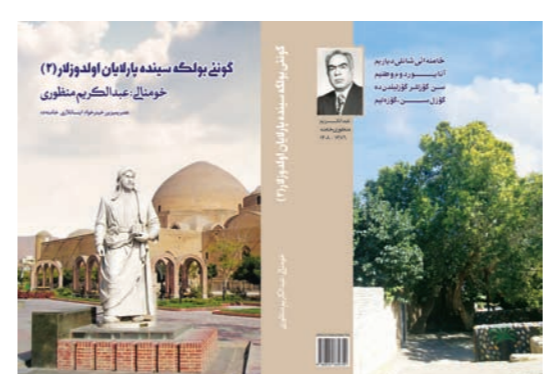
در شماره ۳ فصلنامه پیام شنبستر آشنایی کاملی با ابزار و وسایل مورد نیاز، انواع درو پنجره و پرده های مناسب با آن و هم چنین تکنیک های اندازه گیری، هماهنگ کردن دو پارچه طرح دار به هم و طریقه برش آنها پیدا کردید در این بخش با ملزومات و تزئینات جانبی پرده آشنا خواهید شد.
لوازم مورد نیاز پرده دوزی: چرخ خیاطی، چرخ سردوزی، پارچه، آستری، نخ هم رنگ پارچه، اتوی دستی، سوزن ته گرد، سوزن دستی، قیچی، زیپ چسبان، لایه چسب، لایه نمدی، چسب حرارتی، متر، صابون خیاطی، میله



معرفی کتاب

معرفی کتاب: گونئی بولگه سینده پار لایان اولدوز لار

کتاب «گونئی بولگه سینده پار لایان اولدوز لار (۲)» بیاد و بزرگداشت مرحوم استاد عبدالکریم منظوری خامنه، به همت آقای علی اکبر منظوری خامنه (فرزند آن مرحوم)، جمع آوری و ویرایش و طبع آراسته شده است. مراسم رونمایی از این کتاب ارزشمند در تاریخ ۹۴/۷/۱۶ در مهدیه خیره خامنه ایها با حضور اصحاب فرهنگ و ادب و خامنه ای های مقیم مرکز برگزار گردید:



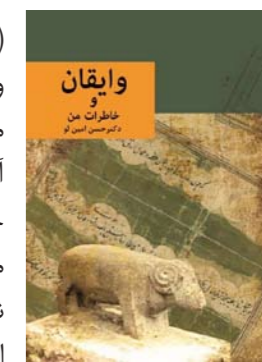
برخی از تألیفات ایشان عبارتند از:

- ۱- تور کجه و فارسجا معمولی دانیشیقلا.
 - ۲- آذربایجان فولکلور لاریندان تاپماچالار.
 - ۳- قوجا خامنایا آتشین سلام بالهام از اشعار استاد شهریار.
- وی علاوه بر کسوت معلمی در خامنه و تهران، در عرصه مختلف اجتماعی و فرهنگی نیز فعالیت داشته و از طبع شاعرانه نیز برخوردار بوده اند. در زیر چند بیت از منظومه زیبای «قوجا خامنه په آتشین سلام» از کتاب نقل می شود:

«قاطر - قاطر دور نا گویده سوزن وقت،
دسته - دسته گولده قاز لار اوزن وقت،
بولود آلتدان، آی دوداغین بوزن وقت
سئیر ائله یک، طبیعتی شوق ایله،
یاد ائله یک، آنا یوردون ذوق ایله.

اوشاق اییدیق، باغدان باغا قاجاردیق،
آغاج آتی مینیب، هریان چاپاردیق،
قیزیل گولو دریب، دوشه تاخاردیق،
ایندی کونول کئچمیش لردن یاد ائله،
خاطیره لر، اوره گیمی شا ائیلر

معرفی کتاب وایقان و خاطرات من



(وایقان و خاطرات من)) به قلم آقای دکتر حسن امین لو می باشد درباره شهر «وایقان» از توابع

شهرستان شبستر آذربایجان شرقی است. تیراژ کتاب یک هزار نسخه و ۴۴۱ صفحه از سوی انتشارات تنزیل روانه بازار شده است. کتاب ((وایقان و خاطرات من)) تشریح برخی از کلمات اصیل آذری که در آداب و رسوم، مشاغل و ضرب المثل های کاربرد دارد، بخشی از این کتاب را تشکیل میدهد و همچنین بخش دیگر کتاب خاطرات خود نویسنده می باشد.

آیین رونمایی از کتاب ((وایقان و خاطرات من)) روز جمعه ۱۵ اسفند ۱۳۹۳ در مجتمع فرهنگی اسلامی وایقانی های مقیم تهران با حضور تعدادی از نمایندگان آذربایجان شرقی برگزار شده است.

دکتر حسن امین لو ۱۳۲۳ در وایقان متولد و در سال ۱۳۴۹ در رشته ادبیات از دانشگاه تبریز و در سال ۱۳۵۹ در رشته پزشکی از دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی) فارغ التحصیل شده و در دوره های سوم و چهارم نماینده مردم شهرستان شبستر در مجلس شورای اسلامی بوده است.



معرفی گروه هایی که در تلگرام توسط شبستری ها تشکیل و مدیریت می شود

- ۱- ادبیات و موسیقی اوجاگی: اشعار و فیلم و موسیقی اصیل آذری .
 - ۲- کافه کتاب شبستریها (گونیلی لر): معرفی هر گونه کتاب و در صورت موجود بودن دانلود رایگان کتابها
 - ۳- طنز پاکیزه برای شبستریها (گونیلی لر): لطیفه، جوک، فیلم و انیمیشن های خنده دار که در آن به هیچ قوم و ملیتی و.... توهین نباید بشود.
 - ۴- انگلیسی برای همه: که نحوی یادگیری زبان انگلیسی به صورت لغت، گرامر، تلفظ و.... به اشتراک گذاشته میشود
 - ۵- زندگی سعادت مند: در مورد روانشناسی مقالات، فیلم و پیام با همکاری اساتید روانشناس و علاقمندان به روانشناسی به اشتراک گذاشته میشود
 - ۶- کانال خبری ایران چیچست نیوز: عکس کلیه صفحه اول روزنامه ها و خبرهای روز جهان ایران و شهرستان شبسترو دریاچه اورمیه با معرفی منابع ولینکهای مربوط به اشتراک گذاشته می شود.
 - شما می توانید به طور مستقیم از طریق لینک کانال https://telegram.me/lranchichast_news چیچست نیوز عضو شوید.
 - ۷- گروه شبستریین گلشن راز فارغ التحصیل لری
 - ۸- گروه شرح و تفسیر مثنوی شهرستان شبستری (گونیلی لر): که در آن تفسیر مثنوی (پی دی اف) و (ام پی ۳) و... ارسال می گردد.
 - ۹- گروه خانه فرهنگ شهرستان شبستری
 - ۱۰- دوستداران فصلنامه پیام شبستری
- شما خواننده عزیز در صورت تمایل به عضویت در هر یک از گروه های اعلام شده می توانید درخواست خود را با مشخصات: نام و نام خانوادگی و شماره موبایل تان و نام گروه یا گروه های مورد نظرتان را به ایمیل آدرس مجله ارسال نمایید.
- آدرس ایمیل مجله پیام شبستری:
payameshabestar@gmail.com



- چند کانال ایجاد شده در تلگرام و پایگاه اطلاع رسانی
- https://telegram.me/khamenei_ir
کانال حضرت آیت الله خامنه ای
<http://www.leader.ir>
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری
<https://telegram.me/hashemirafsanjanir>
کانال آیت الله هاشمی رفسنجانی
<http://hashemirafsanjani.ir>
- پایگاه اطلاع رسانی آیت الله هاشمی رفسنجانی
https://telegram.me/president_iran
کانال ریاست جمهوری اسلامی ایران
<http://www.president.ir>
- پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری اسلامی ایران
<https://telegram.me/mojtahedshabestari2>
کانال آیت الله محسن مجتهد شبستری
<http://mojtahed-shabestari.ir>
- پایگاه اطلاع رسانی آیت الله محسن مجتهد شبستری
https://telegram.me/larijani_ir
کانال دکتر علی لاریجانی
<http://www.larijani.ir>
- پایگاه اطلاع رسانی دکتر علی لاریجانی
<https://telegram.me/mojtahedshabestari>
کانال استاد دکتر محمد مجتهد شبستری
<http://mohammadmojtahedshabestari.com>
- وبسایت دکتر محمد مجتهد شبستری
https://telegram.me/lranchichast_news
- کانال خبری ایران چیچست نیوز (اخبار جهان، ایران، شهرستان شبسترو دریاچه اورمیه)
<https://telegram.me/ShabestarNews1>
- کانال شبستری نیوز
<https://telegram.me/Goneylilar>
- کانال گونیلیر
<https://telegram.me/joinchat>
- کانال رسمی شهر من خامنه
<http://telegram.me/khamene>

پرواز به بلندای همت



فیروز بیگی

هر کسی از روی اراده و اختیار کاری انجام می‌دهد و برای رسیدن به هدفی می‌کوشد. هدف بر دو گونه است:

۱. سود بردن
 ۲. خوبی و زیبایی از خود آشکار کردن.
- سود در جایی طلب می‌شود که کمبود یا نقیصه ای در شخص موجود می‌باشد مثلاً کسی که دیگری را از غرق شدن رهایی می‌بخشد به او سود می‌رساند، زیرا به دوام زندگی او کمک کرده است. قلم در دست نویسنده یا ابزارهای دیگر در دست هنرمندان سودمند است، زیرا آنها را در انجام دادن کار و ظاهر کردن آنچه می‌دانند و ملکات هنرشان کمک می‌کند. به طور خلاصه سودمند چیزیست که کمبود شخصی یا چیزی را برطرف می‌کند چه سوددهنده یا سودگیرنده صاحب ادراک باشد یا بی جان و بدون شعور. مردم نیازمند کسانی هستند که بدست آوردن سود را هدف خود قرار می‌دهند و چون در بقاء یا فعالیت‌های ارادی خود را به کمک گرفتن از دیگران نیازمند می‌بینند. کوشش خود را در این راه مصرف می‌کنند که به میل دیگران رفتار نمایند تا آنان را مستخر خود سازند و با کمک آنان به سودها دست یابی پیدا کنند؛ بنابر این شخصاً قدرت اراده ندارند. سودجویی اگر از حد زیادتر باشد، بناچار از آنچه شخص برابر کار و کوشش خود سزاوار می‌گردد، تجاوز نموده به زور و حيله گری خود یا دیگران توسل می‌جوید تا به نتایج کار و کوشش دیگران دست‌اندازی کند. اینجاست که از درک و

فهم شخصی خود پوشیده تن به فرمانبری و بردگی زورمندان یا حيله گران و دروغگویان همکار خود می‌دهد و بکار بردن فهم و اراده خود را تا جایی ترک می‌گوید که یکسره اراده او در اراده‌ی دیگران مضمحل گردیده، برای کام رسانی به دیگران کار می‌کند و بمانند خران بار و بند دیگران را به منزل می‌رساند.

اما کسی که آزاده است و قدرت بر اراده کردن دارد فهم و درک شخصی خود را بکار می‌اندازد و زیر بار پسند یا ناپسند نمی‌رود و کوشش خود را در این راه بکار می‌برد که دارای استقلال و حاکمیت بر خود باشد و برای رسیدن به این هدف از هر گونه سودی که از راه وابستگی یافتن به غیر و بیرون از تکیه کردن بر نتایج عمل خود باشد دوری می‌جوید و از ارج نهادن به سود طلبان و دنباله‌رو آنها بودن بی‌زاری می‌جوید تا به استقلال و آزادی همه جانبه برسد و به قول حافظ شیرازی:

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است

کسی که زیبایی دوست حقیقی است و به خوبی‌ها عشق می‌ورزد، هیچ‌گونه لذت مادی یا خیالی از فعالیت خود در نظر ندارد، زیرا هیچ فقر و کمبودی در شخصیت معنوی خود نمی‌بیند و کم

فرق است مابین اینکه بپرسند چرا فلانی وادار به کار کردن شد یا اینکه بپرسند چرا این کار بخصوص را از میان همه کارها برگزید. پرسش اول مربوط به نیازمندی است و پرسش کننده از این جویامی‌شود که چه کمبود و نارسایی در خود یافته که وادار به کار کردن شده است و باید در پاسخ نیازمندی‌ش را نام ببرد اما در مورد دوم باید پاسخ گفت چون این کار مخصوص را خوب و زیبامی‌دانست و آن را دوست می‌داشت انجامش داد.

تقدیمیه‌ای از دکتر محمد مجتهد شبستری برای استادش

سلام بر آن روح زیبا

که از چاپ «تفسیر المیزان» عاید او می‌شد. او با زندگی خود نشان می‌داد که سخن گفتن از ایمان نباید یک شغل شود و اگر چنین شود ایمان تباه می‌گردد. او نشان می‌داد ایمان را باید با «تفکر» و «تعقل» سیراب کرد و گرنه سر از خشونت درمی‌آورد. او نشان می‌داد که زبان مبتذل و بدون انضباط و بدون تأمل و تعمق را در آموختن یا تعلیم معارف دینی باید کنار گذاشت و گرنه دین عوام‌زده می‌شود.



نگارنده این سطور که مدتی در جلسات تفسیر قرآن او با شوق فراوان حضور داشت و از آن بهره فراوان می‌برد و گاهی نیز از لذت مصاحبت شخصی با او جرعه‌ای می‌چشید وقتی در گذشته خودم تأمل می‌کنم می‌بینم طباطبایی بیش از هر شخص دیگری در مسیر زندگی فکری من اثر گذاشته است. در مدت ۱۸ سال که در حوزه علمیه قم تحصیل می‌کردم در میان آن همه لقب داران گوناگون، تنها طباطبایی بود که با تدریس‌ها و منش و رفتار خود، جوانان در سن و سال مرا به اندیشیدن دعوت می‌کرد و از جمود در ظواهر و افتادن در خط کسب‌القاب، بازمی‌داشت. در اینجا حیفم می‌آید که یک خاطره شیرین از او را نقل نکنم. هنوز به ۲۰ سالگی نرسیده بودم که یک دغدغه فکری دست‌از من بر نمی‌داشت و ذهنم را می‌آزرد. یک روز برای حل آن مشکل دست به عمل ناشیانه و نسنجیده‌ای زدم. بدون هیچ مقدمه‌ای در یکی از ساعات عصر به در خانه طباطبایی رفتم. در را زدم و خود آمد و در را باز کرد و سپس از سلام و علیک به من گفت بفرمایید چه کار دارید. گفتم اقامتی است این سؤال برای من پیش آمده که چگونه می‌توان به خدایی که غیر از جهان و جدا از جهان است ایمان داشت. من نمی‌توانم چنین خدایی را بپذیرم و این مسأله آزارم می‌دهد. طباطبایی نیم‌تسمی کرد و به من جوان ناپخته ولی جویای حقیقت گفت: بلی همین طور است، خدای جدا از جهان معنا ندارد و خدا از جهان جدا نیست و توضیحاتی داد. این پاسخ ایشان مرا راحت کرد و خدا حافظی کردیم و من رفتم. اما بعداً پیش خود شرمند شدم که این چه کار ناشیانه و نسنجیده‌ای بود که من بدون مقدمه در خانه ایشان رفتم و مزاحم ایشان شدم. در سال‌های بعد وقتی فلسفه اسلامی خواندم و با مطالعات شخصی خودم آنچه را خوانده بودم کامل‌تر کردم، توضیحات مختصر ایشان را که دم‌در به من گفته بود بهتر فهمیدم.

از او آموختم «ایمان» را باید با «تفکر و تعقل» سیراب کرد و گرنه سر از خشونت در می‌آورد

من چشم از او چگونه توانم کاؤل نظر به دیدن او دیده‌ور شدم

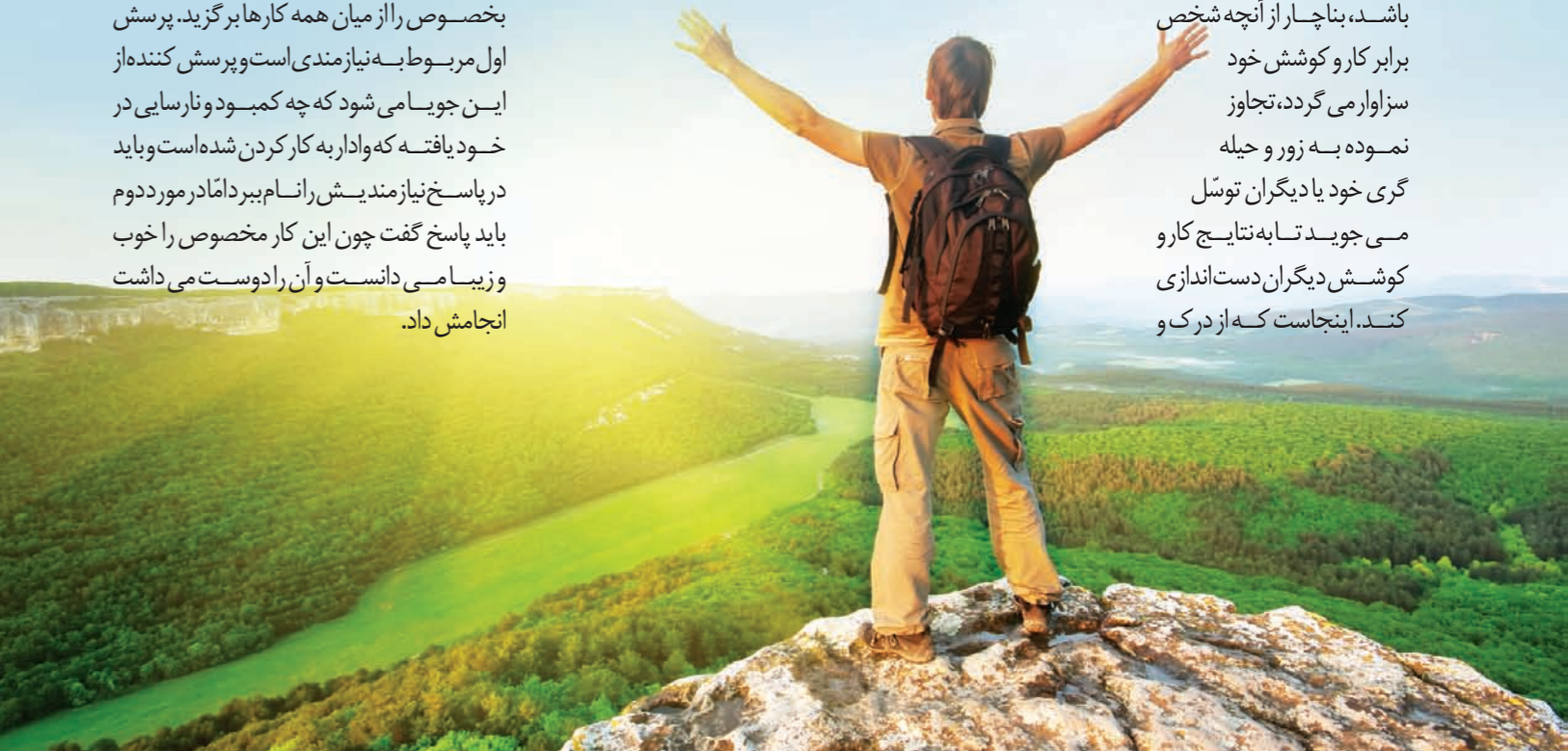
سعدی
وقتی از من می‌خواهید درباره آن روح زیبا، عارف فیلسوف و معلم کل، علامه طباطبایی سخنی بنویسم، چگونه می‌توانم این خواسته را نپذیرم و درباره او بنویسم و لذت یاد او را نچشم! من هنوز هم سخت تحت تأثیر شخصیت و رفتار و افاضات او هستم.

محمد حسین طباطبایی که سالیان دراز استاد بلامناع فلسفه و تفسیر در حوزه علمیه قم بود، وجودی پربرکت داشت. او با تدریس فلسفه در آن حوزه فضای مسلط فقهی را به صورت قابل توجه به نفع خردورزی فلسفی تغییر داد. او با تدریس تحلیلی و روشمند تفسیر قرآن به حوزویان فهماند که اساس معارف اسلامی، «قرآن» است. او با ایراد درس‌های اصول فلسفه (در شب‌های پنجشنبه) به مصاف ماتریالیسم دکتر تقی‌ارانی و باران اورفت و مقدمات کلام جدید را در آن حوزه فراهم ساخت. او به عنوان یک فیلسوف مسلمان، راه «گفت‌وگو» با فلسفه‌های غربی را در ایران باز کرد.

بدون مبالغه می‌گویم آن کس که تفکر دینی را در حوزه‌های شیعه در قرن اخیر تکان داد و آنها را تا حدودی وارد عصر جدید کرد شخص طباطبایی بود. بذره‌های فراوان فکری جدید که امروز در این حوزه‌ها در حال رشد و شکفتن است گرچه علل و عوامل گوناگون داشته اما بدون تردید نخستین باغبان آنها طباطبایی بوده است. اما علاوه بر همه آن افاضات عقلانی که گفتم طباطبایی یک «نمای درخشان» از عرفان مثبت اسلامی بود. بودن در حضور او، روح انسان را ارتقا می‌بخشید. وقتی سخنان عرفانی او را گوش می‌کردی درمی‌یافتی که تو را از فضا و زمان کمیتی بیرون برده است. شخصیت او کاملاً ویژه بود هم بسیار تأثیرگذار بود و هم الگوصفت. زندگی او نشان می‌داد، عرفان او کتابی نیست. حسرت می‌بردی که ای کاش می‌توانستی مثل او زندگی کنی.

طباطبایی همه کارهای بزرگ خود را در کمال فروتنی و بدون چشمداشت‌های مادی و حیثیتی انجام می‌داد. شاگردان او می‌دانند که او سال‌های متمادی معاش خود را از حق‌التألیف مختصری تأمین می‌کرد

به نقل از روزنامه ایران ۲۳ آبان ۹۴



شهرستان شبستر در آینه رسانه‌ها

استاندار آذربایجان شرقی

شبستر شهرستان ولایت و خیرین است

حل مشکل آب شرب شبستر در اولویت است / نمی‌گذاریم کسی به خاطر مشکل دریاچه ارومیه کوچ کند



این شهرستان در اولویت کاری شرکت آب و فاضلاب قرار دارد. وی همچنین با اشاره به امکان احداث نیروگاه سیکل ترکیبی در شهرستان شبستر، گفت: در حال مذاکره با یک گروه آلمانی برای ساخت یک نیروگاه ۱۰۰ مگاواتی سیکل ترکیبی در این شهرستان هستیم.

استاندار آذربایجان شرقی در بخش دیگری از سخنان خود به اقدامات انجام یافته در جهت احیای دریاچه ارومیه اشاره کرد و گفت: قبل از روی کار آمدن دولت تدبیر و امید، اقدامی اساسی برای احیای دریاچه ارومیه انجام نشد، طرح‌های احیای این دریاچه در ۲۶ پروژه کلی تدوین شده و هیچ محدودیتی برای اختصاص منابع مالی برای این پروژه‌ها وجود ندارد.

وی، از پیشرفت طرح ساخت بزرگراه صوفیان - سلماس نیز خبر داد و افزود: این طرح به علت اینکه به صورت طرح ملی با ۱۳ طرح دیگر تجمیع شده و ردیف مستقلاً ندارد به کندی پیش می‌رود

به گزارش گلشن راز از شبستر، دکتر اسماعیل جبارزاده در جلسه مشترک شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان و کمیته برنامه‌ریزی شهرستان شبستر فرمودند: با توجه به پیشینه درخشان فرهنگی، اقتصادی، علمی و ادبی شبستر و وجود زادگاه پدری مقام معظم رهبری در آن و پیشرو بودن این شهرستان در امور خیرخواهانه، جا دارد که این شهرستان را شهرستان ولایت و خیرین بنامیم. جبارزاده افزود: اجرای آبیاری تحت فشار در ۲۲۵ هکتار از زمین‌های منطقه و تبدیل دامداری سنتی به صنعتی به تعداد ۲۴ هزار واحد دامی از دیگر اقدامات انجام یافته سند تدبیر توسعه شهرستان شبستر است.

استاندار آذربایجان شرقی با اشاره به وضعیت آب شرب شهرستان شبستر، خاطر نشان کرد: در سال جاری با تلاش‌های انجام شده وضعیت دسترسی مردم شبستر به آب شرب سالم بهبود یافته و مشکل چندانی در این خصوص نداشته‌ایم، با این حال حل مشکل آب شرب

اطلاعیه

مؤسسه فرهنگی و هنری شیخ محمود شبستری که توسط مؤسسين محترم آن آقایان دکتر حسن امین لو، دکتر علی اشرف مجتهد شبستری، احمد اشرفی زاده، جمشید صالحی شبستری، دکتر نورالدین پور موسی قلی، سید محمد علی صفی زاده، ناصر جعفرزاده و باهدف نشر و ترویج معارف عارف نامی شیخ محمود شبستری تشکیل و به ثبت رسیده است، در نظر دارد اولین همایش علمی خود را با حضور اساتید فن و نام‌آوران عرصه معرفت و همشهریان و علاقمندان آن عارف بزرگ در آینده‌ای نزدیک در تهران، برگزار نماید. به همین مناسبت ویژه نامه ای حاوی بخشی از معارف شیخ و مقالات اساتید مربوطه چاپ و توزیع خواهد گردید.

لذا همشهریان محترم نیز چنانچه نظر، پیشنهاد یا مطلبی در این خصوص داشته باشند می‌توانند به دفتر مجله پیام شبستر ارسال نمایند تا به مسئولین برگزاری همایش تحویل گردد.

تسلیت‌ها

خیر بزرگوار جناب آقای برهان الدین شبستری

در گذشت والده گرامیتان را خدمت حضرت تعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، برای آن مرحومه غفران واسعه الهی و برای بازماندگان صبر و اجر مسئلت داریم.

جناب آقای عادل نیا

فقدان بانوی محیط زیست شبستر، مرحومه خانم فرزانه جلوسی را به شما و خانواده محترم متان و کلیه اعضا گروه یاشیل میشو تسلیت می‌گوئیم. علو درجات برای ایشان و صبر و اجر برای بازماندگان مسئلت داریم.

خانواده محترم قره یاضی

در گذشت مرحوم حاج مهدی قره یاضی مدیرعامل صندوق قرض الحسنه نور و آقای بهروز قره یاضی را به کلیه وابستگان سببی و نسبی آن مرحومین تسلیت می‌گوئیم برای آن سفر کردگان آمرزش و غفران الهی و برای بازماندگان محترم صبر و اجر مسئلت داریم.

پوزش و اعتذار

در شماره ۴ فصلنامه در خیر مربوط به صعود کوهنوردان شبستر به قله دماوند و نصب بنر تبریک سالگرد و انتشار پیام شبستر در قله مذکور نام آقای محمد فعال به اشتباه محمد وفایی درج گردیده بود که بدین وسیله تصحیح می‌گردد. ضمناً ایشان زحمت هماهنگی تیم‌های ورزشی شهرستان را عهده دار بوده و همشهریان محترم در این امور می‌توانند با شماره ۰۹۱۲۸۱۵۶۹۸۰ تماس بگیرند.

شهرستان شبستر در آینه رسانه‌ها

پژوهش، شاهره ورود به نوآوری و شکوفایی است



سایر دانش آموزان است تا به پژوهش اهمیت داده و در موضوعات مناسب تحقیق کنند. وی از دانش آموزان خواست تا با ارتباط مستمر با پژوهش سرا و مراکز تحقیقاتی این شهرستان، ایده‌های خلاق خود را بروز داده و در توسعه منطقه و کشور سهیم باشند. شایان ذکر است که در پایان این مراسم از معلمان پژوهنده و دانش آموزان فعال عرصه پژوهش تجلیل بعمل آمد. منبع سایت آموزش و پرورش

به گزارش روابط عمومی مدیریت آموزش و پرورش شبستر؛ ابوالفضل سرتیپی در مراسم نمادین نواختن زنگ پژوهش در دبیرستان دخترانه نمونه برهان الدین شبستری با بیان اینکه شعار امسال ما در آموزش و پرورش منطقه «خلاقیت، نوآوری و شکوفایی» است، تصریح کرد: پژوهش شاهره ورود به نوآوری و شکوفایی است. وی گفت: اگر بخواهیم کاری مفید و تاثیرگذار انجام دهیم این کار باید پشتوانه علمی داشته باشد و لازمه پشتوانه علمی، تحقیق و پژوهش است. انتظار از دانش آموزان مدارس نمونه به مراتب بیشتر از

رتبه تک رقمی کنکور

جمعی از مسئولین از جمله حجت الاسلام المسلمین محمدزاده امام جمعه، آقای سید سعید کاشانی فرماندار و ابوالفضل سرتیپی مدیر آموزش و پرورش شبستر در مراسم تجلیل از دانش آموز پریسا شفیعی آق کهریز که در کنکور امسال رتبه تک رقمی در گروه علوم انسانی را کسب کرده شرکت نمودند و با اعطای لوح و هدایا از وی قدردانی کردند. جناب آقای سرتیپی در این دیدار فرمودند: این موفقیت‌ها نتیجه تلاش تیم تعلیم و تربیت در منطقه است و تعداد برگزیدگان کنکور سراسری سال جاری از نظر کمیت و کیفیت افزایش قابل توجهی یافته است.



تقدیر از دکتر آرش حیدر خانی شهروند تسوجی در جشنواره ملی مدیران و تولیدکنندگان جوان کشور

نهمین جشنواره مدیران و تولیدکنندگان جوان کشور به همت وزارت صنعت، معدن و تجارت ایران و با حضور جمعی از اعضای هیات دولت، استانداران و نمایندگان مجلس شورای اسلامی و نیز نخبگان اقتصادی کشور در مرکز همایش‌های بین‌المللی سازمان صدا و سیما برگزار و دکتر آرش حیدر خانی، بنیانگذار شرکت سبز زیور بعنوان مدیر نمونه کشور انتخاب و همچنین نشان ویژه واحد برتر خدماتی کشور را دریافت کرد.



فرماندار شبستر مطرح کرد:

شبستر رتبه دوم صنعت و معدن استان را داراست



شهرستان ۴۶۸ می باشد که نشانگر کمترین بیکاری در اینجا است و کارخانه‌های این منطقه، نیروی کاری خود را از شهرستان‌های هم‌جوار تأمین می‌کنند. وی با بیان اینکه در حال حاضر به ۶ روستای محروم از گاز عملیات گازرسانی انجام می‌شود، گفت: در هفته دولت سال ۹۵ تمامی خانوارهای روستایی شهرستان شبستر از نعمت گاز بهره‌مند می‌شوند. کاشانی در پایان با اشاره به وضعیت پروژه جاده صوفیان سلماس افزود: در سفر رئیس‌جمهور به استان آذربایجان شرقی، این طرح به عنوان مصوبه سفر تصویب شده است و امیدواریم با افزایش پیمانکاران در احداث محور شبستر تسوج و تقاطع‌های غیرهم‌سطح سیس، خامنه و شندآباد و کوزه کنان تسریع شود.

مواجه بودیم گفت: رمضان ۹۳ تلخ‌ترین خاطره ای در حوزه آب شرب بود که با مدیریت جهادی مسئولین استانی و شهرستانی و همراهی مردم، این مشکل حل شد. رئیس کمیته برنامه‌ریزی شهرستان شبستر با اشاره به وضعیت صنعت و تولید در این شهرستان بیان کرد: از نظر صنعت و معدن شهرستان شبستر، بعد از تبریز رتبه دوم را به خود اختصاص می‌دهد و نرخ بیکاری در این

به گزارش گلشن راز از شبستر، سعید کاشانی فرماندار شبستر در نشست شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان که با حضور استاندار آذربایجان شرقی در محل فرمانداری شبستر برگزار شد، اظهار داشت: شهرستان شبستر شهرستانی فرهنگی و کهن است که ایمان و ادب و سخت‌کوشی مردم این دیار زبانزد شده است. فرماندار شبستر با اشاره به ظرفیت‌های شهرستان شبستر گفت: آمار شهدا و ایثارگران، وجود ۷ دانشگاه و ۳ حوزه علمیه و تأسیس اولین مدرسه در شهرستان، نشانگر سابقه فرهنگی این منطقه است. وی با بیان اینکه در سال ۹۳ با مشکل آب شرب در نقاط مختلف شهرستان شبستر

راهیابی دو فوتبالیست شبستری به فستیوال آکادمی مدارس فوتبال کشور

فوتبال ایران معرفی شدند. بازیکنان غیرتمند آقای حجت خوشبختی وایقان از مدرسه فوتبال طلایی پوشان شبستر و آقای فرزاد یوسفی از مدرسه فوتبال طلایی پوشان شبستر باعث افتخار همشهریان خود شدند. این موفقیت مدیون تلاش شبانه‌روزی آقایان و مربیان محترم، دهقان و کلاتنری و مهدی و مهدی و هادی مهدوی کیا، استاد دوستی مهر و جناب آقای خلیل زاده دبیر هیأت فوتبال و مدیر عامل مدرسه فوتبال طلایی پوشان شبستر می‌باشد. مسئول فستیوال هیأت فوتبال استان با اعلام این مطلب گفت: لیست موجود از بین ۴۰۰ بازیکن انتخاب شده و نهایی است و هیچ‌گونه حذف و خط خوردگی وجود نخواهد داشت و این تمرینات برابر برنامه تنظیمی و ابلاغیه آکادمی ملی فوتبال ایران انجام می‌شود.



در مرحله نهائی چهارمین دوره فستیوال مدارس فوتبال استان آذربایجان شرقی دو بازیکن شبستری جهت شرکت در فستیوال ملی به آکادمی ملی

آگهی رستوران



اتو گالری آبی
۶۶۵۷۰۲۳۵

خیابان آذربایجان - بین گلشن و باستان - پلاک ۳۹۲ تلفن : ۶۶۵۷۰۲۳۲-۴
فکس : ۶۶۵۷۰۲۳۵



مرکز خرید امیراکرم
تولید و پخش پوشاک بچه گانه

آبی
ABi
۷۷۹۷۸۹۱۵

صرافی <http://abishop.blogfa.com/>
آدرس: تهران خیابان لبافی نژاد نرسیده به فلسطین نبش مرکز خرید امیراکرم 021-66968915-6

صنایع چوب گیلانار

زیبا و بادوام
ضد زنگ زدگی و آنتی باکتریال



کابین‌های رختکن ضد آب

بدنه از نوع pvc ۱۶ mm درب‌ها compact laminate ۱۲ mm



لیکچر

برای استخر و سونا
مدارس و دانشگاه‌ها
فرودگاه‌ها و پایانه‌های مسافری
کارخانجات و مراکز تجاری
سینماها و مراکز تفریحی
سالن‌های ورزشی
تمام مکان‌های عمومی



تلفن: ۰۸۰۰۵۶۹۰۸۸-۱۹ ۱۶ ۶۸ ۸۸
کارخانه: ۰۵۶۶۵۰۲۵-۶۶ ۲۴۴۶۶

web: gilanar-woodindustries.ir Email: info@gilanar.com